

اقتصاد آسیا

اقتصادی، تحلیلی

سال سی و دوم - آذرماه ۱۴۰۴ قیمت: ۵۰۰۰ تومان

چشم انداز مبهم تجارت جهانی در ۲۰۲۶

پیش بینی OECD از اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۶

فرصت های سرمایه گذاری چین در ایران

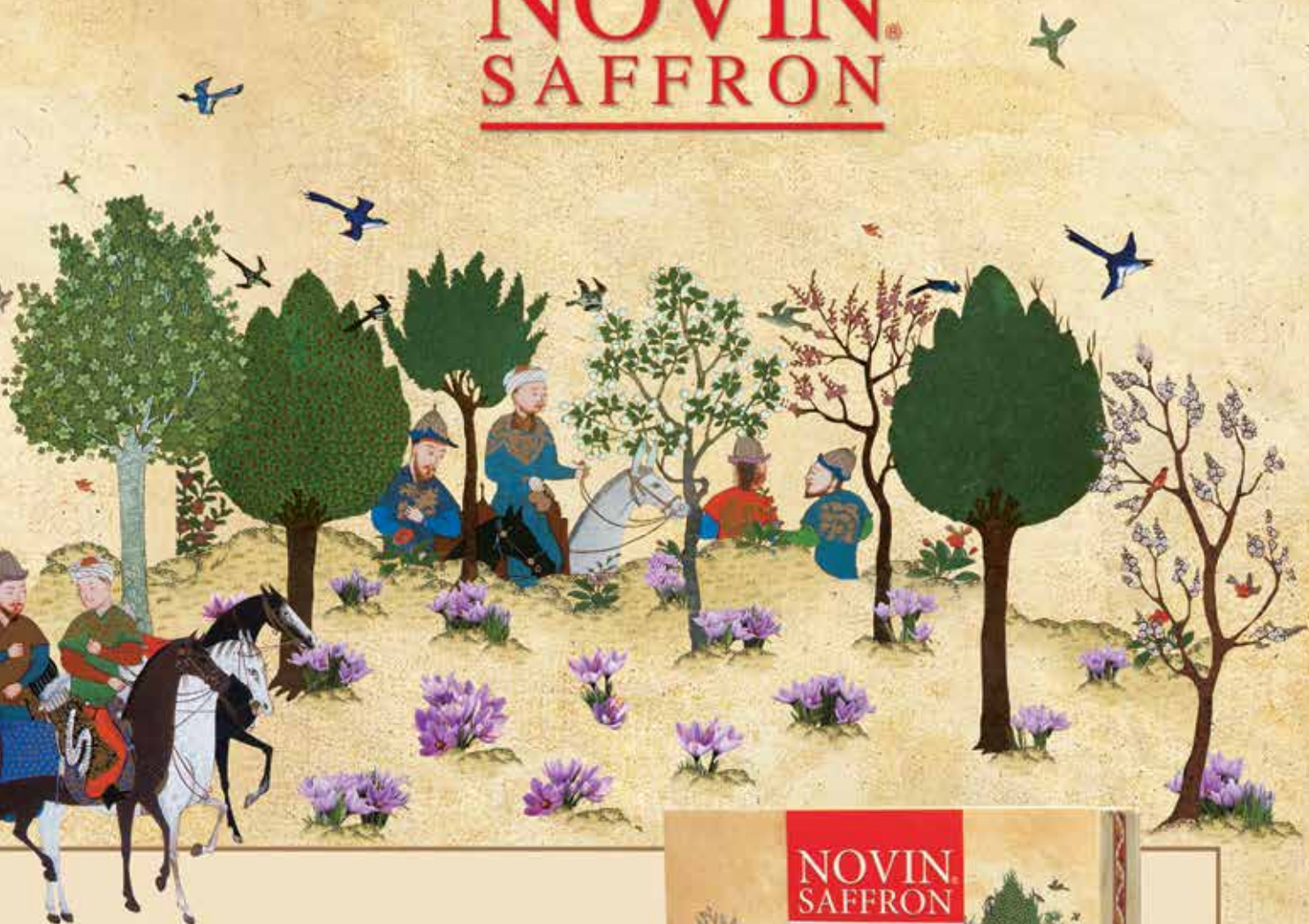
بحران جهانی آب و تهدید امنیت غذایی



وضعیت بازرگانی محصولات کشاورزی در ۶ ماهه ابتدایی امسال

ورشکستگی آبی

NOVIN SAFFRON



saffron@novinsaffron.com
[novinsaffron](https://www.instagram.com/novinsaffron)
[09123317986](https://www.facebook.com/novinsaffron)
[novinsaffron](https://www.linkedin.com/company/novinsaffron)

کارخانه: مشهد، شهرک صنعتی توس، نیش اندیشه ۶، پردیس نوین زعفران

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۵۳۱۴۷ فکس: ۰۵۱-۳۲۲۵۵۲۲۶

دفتر خدمات مشتریان تهران: اتوبان شهید چمران، پارک وی، خیابان جوانان، ابتدای خیابان ب پلاک ۱، طبقه سوم، واحد ۷

تلفن: ۲۲۰۱۵۸۰۰-۲۲۰۱۱۷۰۰-۲۲۰۱۱۸۰۰



- ۲ یادداشت / آب، آینده و آزمون بزرگ ایران در عصر تغییر اقلیم
- ۳ ورشکستگی آبی
- ۶ تجربه مدیریت خشکی
- ۹ پیش بینی OECD از اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۶
- ۱۰ بحران جهانی آب و تهدید امنیت غذایی
- ۱۲ فرصت های سرمایه گذاری چین در ایران
- ۱۴ جنگ ۱۲ روزه چه درس هایی برای مدیران کسب و کار داشته است؟
- ۱۷ وضعیت بازرگانی محصولات کشاورزی در ۶ ماهه ابتدایی امسال
- ۲۲ گردشگری روسیه در سال ۲۰۲۵
- ۲۶ پاشنه آشیل گردشگری سلامت
- ۲۸ انفجار تجارت آنلاین در ایران
- ۳۰ چشم انداز اقتصاد ایران
- ۳۲ نکات نهفته در گزارش شادی جهانی ۲۰۲۵
- ۳۸ آینده ارز
- ۴۰ تداوم رکود در اقتصاد
- ۴۶ چشم انداز مبهم تجارت جهانی در ۲۰۲۶

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:

مهندس حمیدرضا شوشتریان

زیر نظر شورای نویسندگان

سر دبیر:

مهندس حسین کوه زاد

خبرنگار:

جلیل فروتن

گروه ترجمه:

زهرا پزشکی

ویراستار:

احمد حسین زاده

طراحی: هدی امیر

عکس:

حسین نظامی

واحد بازرگانی:

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

نشانی:

تهران - بزرگراه مدرس شمال -

خیابان دستگردی - پلاک ۲۳۲

طبقه دوم - واحد ۶

تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۶۹۳۳۲

مشهد - خیابان فلسطین فلسطین ۱

ساختمان سروش

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۲۰۱۱۱

www.eghtesadasia.ir
eghtesadeasia@gmail.com

آب، آینده و آزمون بزرگ ایران در عصر تغییر اقلیم

حسین کوهزاد

در دهه‌های اخیر، ایران با یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی خود روبه‌رو شده است: بحران آب. این بحران، برخاسته از ترکیبی از عوامل طبیعی و انسانی، امروز به نقطه‌ای رسیده که نه تنها توسعه اقتصادی، بلکه امنیت ملی و پایداری اجتماعی کشور را تهدید می‌کند.

در دهه‌های اخیر، ایران با یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی خود روبه‌رو شده است: بحران آب. این بحران، برخاسته از ترکیبی از عوامل طبیعی و انسانی، امروز به نقطه‌ای رسیده که نه تنها توسعه اقتصادی، بلکه امنیت ملی و پایداری اجتماعی کشور را تهدید می‌کند.

تغییرات اقلیمی جهانی، با افزایش دمای متوسط، کاهش بارندگی‌های مؤثر و تغییر الگوی توزیع زمانی و مکانی بارش، چهره‌ای جدید از خشکسالی را به ایران تحمیل کرده است. خشکسالی‌های پی‌درپی، افت شدید سطح سفره‌های آب زیرزمینی، فرونشست زمین در دشت‌های حیاتی، و کاهش کیفیت منابع آبی، تنها بخشی از پیامدهای این تغییرات هستند.

اما آنچه بحران آب ایران را از یک پدیده طبیعی به یک بحران مدیریتی تبدیل کرده، نحوه مواجهه با آن است. توسعه بی‌رویه کشاورزی در مناطق کم‌آب، تخصیص‌های غیرکارشناسی، حفر چاه‌های غیرمجاز، نبود نظام بهره‌برداری مشارکتی، و غیبت بازار آب به عنوان ابزار تنظیم‌گر، همگی نشان از ضعف ساختاری در حکمرانی آب دارند. در چنین شرایطی، آینده ایران در گرو بازنگری جدی در سیاست‌های آبی است. باید پذیرفت که آب دیگر منبعی نامحدود نیست؛ بلکه کالایی استراتژیک، اقتصادی و اجتماعی است که نیازمند مدیریت هوشمندانه، مشارکتی و شفاف است.

راهکارهایی چون راه‌اندازی بازار آب، تقویت نقش تشکلهای کشاورزی، بازتوزیع تخصیص‌ها بر اساس ظرفیت اکولوژیک، استفاده از پساب در صنعت، و ارتقای بهره‌وری در بخش کشاورزی، می‌توانند مسیر عبور از بحران را هموار کنند.

در این میان، نقش رسانه‌ها، نهادهای مدنی، دانشگاه‌ها و بخش خصوصی در مطالبه‌گری، آگاهی‌بخشی و مشارکت در تصمیم‌سازی، حیاتی است. آینده ایران، نه در سدسازی‌های پرهزینه، بلکه در اصلاحات نرم‌افزاری، حکمرانی مشارکتی و پذیرش واقعیت‌های اقلیمی رقم خواهد خورد.

آب، آزمون بزرگ ایران در قرن جدید است؛ آزمونی که موفقیت در آن، نیازمند همدلی ملی، شجاعت در تصمیم‌گیری و عبور از الگوهای ناکارآمد گذشته است.



ورشکستگی آبی

بهر روز هادی زنون // اقتصاددان

تغییرات اقلیمی و ضرورت بازنگری در حکمرانی منابع آبی کشور توجه کرده و گزارشات متعددی به دولت‌های وقت ارائه داده بودند اما سیاست رایج دولتمردان عبارت بود از افزایش زادآوری جمعیت و نیل به خودکفایی در کشاورزی. در تعقیب این سیاست‌ها قیمت‌گذاری آب و انرژی بدون توجه به هزینه فرصت آنها و چشم بستن بر تعرض کشاورزان به منابع آب‌های زیرزمینی و اضافه برداشت از این منابع و بالاخره سبقت گرفتن دولت‌ها از یکدیگر در احداث سدها و نادیده گرفتن سهم طبیعت از آبهای جاری کشور را به بحران کنونی هدایت کردند. به نحوی که امروزه بنیان‌های تداوم تمدن ایرانی در پهنه سرزمین ایران متزلزل شده است.

بحران کنونی آب در ایران از یک سو ناشی از تغییرات اقلیمی در جهان بوده که منطقه خاورمیانه را به شدت متاثر کرده و از سوی دیگر ناشی از اتخاذ سیاست‌های نامناسب جمعیتی و اقتصادی در حوزه کشاورزی و حکمرانی آب است.

تغییرات اقلیمی و خشکسالی چند سال اخیر در ایران

مطابق با گزارش‌های اواخر سال ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ خاورمیانه با سرعتی تقریباً دو برابر میانگین جهانی در حال گرم شدن است که آن را به یک کانون تغییرات اقلیمی با تأثیرات اصلی شامل تشدید گرما، کمبود آب و بی‌ثباتی سیاسی تبدیل می‌کند. یافته‌های کلیدی نشان می‌دهند که سرعت گرمایش در منطقه بیشتر بوده، احتمال غیرقابل سکونت شدن برخی مناطق تا سال ۲۱۰۰ به دلیل گرمای شدید وجود داشته، کمبود حیاتی آب با تغییر الگوهای بارندگی تشدید می‌شود و تغییرات اقلیمی به عنوان یک «تشدیدکننده تهدید» درگیری عمل می‌کند. در حالی که بسیاری از کشورها با مشکلات حکمرانی مواجه هستند (که مانع انطباق می‌شود) کشورهایی مانند امارات متحده عربی و کویت در تلاش‌های منطقه‌ای برای کاهش و انطباق پیشرو هستند؛ از جمله سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در انرژی خورشیدی، آب شیرین‌کن‌ها و طرح‌های ساختمانی سبز. چندین پروژه موفق انطباق با تغییرات اقلیمی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) از فناوری‌های نوآورانه، دانش سنتی و مشارکت اجتماعی برای رسیدگی به کمبود آب، گرمای شدید و نیازهای انرژی استفاده می‌کنند: برداشت مه در مراکش، تشخیص آفات مبتنی بر هوش مصنوعی در اردن، بازیافت فاضلاب و نمک‌زدایی در شهرهای مختلف و نصب پنل‌های خورشیدی توسط زنان در لبنان. ماهنوز اندر خم یک کوچه ایم!

بحران کنونی آب در ایران ناشی از تغییرات اقلیمی و سیاست‌های نامناسب جمعیتی و اقتصادی در حوزه کشاورزی و حکمرانی آب است.

سال ۱۳۹۴ در گزارشی برای مرکز پژوهش‌های مجلس نوشتیم: «ایران توانسته است با احداث سدها و تأسیسات تنظیم و ذخیره‌سازی آب و همچنین برداشت آب‌های زیرزمینی از ۸۵ درصد از منابع آب کشور بهره‌برداری کند اما نکته اینجاست که در چارچوب توسعه پایدار باید تنها حداکثر از ۵۰ درصد منابع تجدیدپذیر بهره‌برداری شود. شایان ذکر است که متوسط این رقم در جهان حدود ۷۰ درصد گزارش شده است» و به این نکته اشاره کردم که: «امروزه بیش از ۵۰ درصد جمعیت کشور در مناطقی ساکن هستند که در وضعیت بحران آبی قرار دارند. مطالعات بین‌المللی گویای آن است که ظرف ۳۰ سال آینده کشور ما با افزایش دما و خشکسالی بلندمدت مواجه خواهد شد. این وضعیت قطعاً اثر منفی بر دسترسی به منابع آب خواهد گذاشت. به همین دلیل خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها و بیابان‌زایی در آینده با شدت بیشتری تداوم خواهد داشت.» گفتنی است که متخصصان آب و محیط‌زیست کشور سال‌ها قبل از تحریر گزارش مورد اشاره به تهدیدات ناشی از

آب ناشی از تغییرات اقلیمی را به یک «معضل بحران آب» تمام عیار تبدیل کرده است. این سیاست‌ها شامل موارد زیر هستند:

۱- سیاست خودکفایی کشاورزی (به ویژه در محصولات آب‌بر)

سیاست‌های دولتی برای رسیدن به خودکفایی در محصولات مانند گندم، برنج و چغندر قند بدون در نظر گرفتن ظرفیت آبی مناطق مختلف کشور باعث شده که این محصولات در مناطق خشک و نیمه خشک کشت شوند. این امر فشار و حشمتناکی بر منابع آب زیرزمینی و سطحی وارد کرده است. کشاورزی ایران بیش از ۹۰ درصد منابع آب کشور را مصرف می‌کند و اصرار بر این سیاست‌ها بدون تغییر الگوهای کشت و بهره‌وری غیر قابل دفاع است. این سیاست‌ها مزیت نسبی اقتصادی و اقلیمی را نادیده گرفته و به جای واردات برخی محصولات آب‌بر منابع حیاتی آب کشور را مصرف کردند.

۲- ارزانی قیمت انرژی و آب (یارانه‌های گسترده)

قیمت بسیار پایین و یارانه‌ای آب و انرژی (برق و گاز و تیل برای پمپاژ آب) باعث شده که هیچ انگیزه اقتصادی برای کشاورزان (و حتی شهروندان) جهت صرفه‌جویی، استفاده از فناوری‌های نوین آبیاری (مانند آبیاری قطره‌ای) یا اصلاح الگوی مصرف وجود نداشته باشد. این یارانه‌ها به نوعی مصرف‌ناکارآمد و اسراف منابع را تشویق کرده است.

۳- سیاست افزایش جمعیت

اگرچه تاثیر این سیاست کوتاه مدت نبوده اما در بلندمدت افزایش جمعیت به معنای افزایش تقاضا برای آب شرب بهداشت و غذاست. در شرایطی که کشور همین حالا با بحران آب مواجه است هرگونه افزایش جمعیت بدون برنامه‌ریزی دقیق برای مدیریت منابع فشار بیشتری بر سیستم آبی وارد می‌کند. جمعیت ایران از ۳۳/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به تقریب در سال ۱۴۰۳ به ۸۷/۶ میلیون نفر رسیده یعنی بیش از دو و نیم برابر شده است. نیازهای این جمعیت بزرگ به آب شرب و مواد غذایی موجب افزایش تقاضا برای آب شرب و کشاورزی شده است.

در حالی که تغییرات اقلیمی (کاهش بارندگی و افزایش دما) عامل اصلی کمبود آب بوده اما سیاست‌های ذکر شده در بالا با تشویق مصرف بی‌رویه و ناکارآمد منابع آب عامل اصلی تبدیل این کمبود به یک بحران جدی و غیر قابل مدیریت بودند. بسیاری از کارشناسان معتقدند که بدون اصلاح این سیاست‌های داخلی حل بحران آب ایران ناممکن خواهد بود اما با وجود این واقعیت انکارناپذیر دولت پزشکیان در کوتاه مدت فقط مجبور به جیره‌بندی آب شرب و در درازمدت انتقال پایتخت است.

بحران مدیریت منابع آب

بحران مدیریت منابع آب ایران ناشی از ترکیبی از سوء مدیریت و حکمرانی ضعیف بوده که اثرات تغییرات اقلیمی و تحریم‌های بین‌المللی را به شدت تشدید کرده است. مشکلات اصلی عبارتند از:

۱- برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی

ایران بسیار بیشتر از آنچه منابع آب زیرزمینی بتوانند به طور طبیعی دوباره پر شوند آب استخراج می‌کند. میزان استخراج سالانه تقریباً ۶۳/۸ میلیارد متر مکعب بوده در حالی که نرخ تجدید منابع تنها حدود ۴۵ میلیارد متر مکعب است. تخمین زده می‌شود که کشور حدود یک میلیون حلقه چاه داشته باشد که نیمی از آنها غیر مجاز و بدون نظارت هستند. این استفاده بیش از حد منجر به افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی، فرونشست جدی زمین در بسیاری از مناطق (از جمله تهران با نرخ هشدار دهنده ۲۵ سانتی متر در سال) و آلودگی آبخوان‌های

بنا بر گزارش‌های متعدد سازمان‌های بین‌المللی و داخلی کشور مادر پنج سال اخیر (تقریباً از سال ۲۰۲۰ تا کنون) به طور مداوم و شدید دچار خشکسالی بوده است. این وضعیت به عنوان یکی از بدترین دوره‌های خشکسالی در دهه‌های اخیر توصیف شده است. این خشکسالی هم نتیجه تغییرات اقلیمی در سطح جهانی و منطقه‌ای است و هم محصول جنگل‌زدایی گسترده، از میان رفتن مراتع و خشکاندن آب تالاب‌ها و دریاچه‌ها و اضافه برداشت از آب‌های زیرزمینی در ایران است.

بر اساس گزارش‌های سازمان هواشناسی ایران خشکسالی در این دوره شدت گرفته و بخش بزرگی از کشور به ویژه مناطق مرکزی، جنوب و شرق را تحت تاثیر قرار داده است. میانگین بارندگی سالانه در بسیاری از سال‌های اخیر کمتر از حد نرمال بوده است. همزمان با کاهش بارندگی افزایش میانگین دما نیز مشاهده شده که منجر به افزایش نرخ تبخیر آب از منابع سطحی (مانند سدها و دریاچه‌ها) و خاک شده است. این خشکسالی‌ها تاثیرات فاجعه‌باری بر منابع آب ایران داشته است:

بسیاری از سدهای اصلی کشور با کاهش شدید ذخایر آب مواجه شدند که تامین آب شرب و کشاورزی را با مشکل جدی روبه‌رو کرده است.

وضعیت تالاب‌ها و دریاچه‌هایی مانند دریاچه ارومیه و هورالعظیم بحرانی‌تر شده است.

بخش کشاورزی آسیب جدی دیده و بسیاری از مزارع و باغات از بین رفتند که این امر منجر به ناآرامی‌های اجتماعی و مهاجرت روستاییان شده است.

تنش آبی در بسیاری از شهرها و استان‌ها به یک وضعیت دائمی تبدیل شده و جیره‌بندی آب در برخی مناطق اعمال می‌شود.

در مجموع خشکسالی یک چالش اساسی و مداوم برای ایران در پنج سال گذشته بوده و مدیریت منابع آبی کشور را تحت فشار بی‌سابقه‌ای قرار داده است.

بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران منابع آب و محیط زیست بر این باورند که ترکیبی از سیاست‌های داخلی ایران بحران کمبود

آب شیرین بانفوذ نمک شده است.

۲- شیوه‌های ناکارآمد کشاورزی

بخش کشاورزی بیش از ۹۰ درصد آب ایران را مصرف می‌کند که باتوجه به سهم آن در تولید ناخالص داخلی میزانی نامتناسب است. بخش قابل توجهی از آبیاری همچنان از روش‌های ناکارآمد مانند آبیاری غرق آبی استفاده می‌کند که منجر به تبخیر و نفوذ بالای آب می‌شود. سیاست‌های دولتی برای دستیابی به خودکفایی در محصولات مانند گندم کشت گونه‌های آب‌بر بدون توجه به منابع آب محلی ترویج کرده است. یارانه‌های بالای آب و انرژی برای کشاورزان انگیزه‌ای برای صرفه‌جویی یا سرمایه‌گذاری در فناوری‌های مدرن و کم‌آب‌بر باقی نگذاشته است.



پیگیری سیاست‌های غلط هنوز مشاوران و مدیرانی هستند که از سرمایه‌گذاری عظیم در طرح انتقال آب دریا از جنوب ایران به تهران حمایت می‌کنند.

۴- حکمرانی ضعیف و فساد

سیستم حکمرانی آب پراکنده است و هماهنگی لازم بین ذی‌نفعان و تنظیم‌کننده‌ها وجود ندارد. سازمان محیط‌زیست اغلب فاقد قدرت لازم برای اجرای مقررات در برابر منافع قدرتمند صنعتی و سیاسی است. تخصیص آب سیاسی شده است و منابع اغلب به صنایع وابسته به رژیم و شبکه‌های نخبه‌به‌هزینه‌جوامع محلی و کشاورزان هدایت می‌شوند که منجر به ناآرامی‌های اجتماعی و «شورش‌های آبی» در استان‌هایی مانند اصفهان و خوزستان شده است. کارشناسانی که از اصطلاحاتی مانند «ورشکستگی آبی» استفاده کرده‌اند ساکت شدند که نشان‌دهنده سیاست عمدی انکار و تمرکز بر «مدیریت بحران» کوتاه‌مدت به جای برنامه‌ریزی پایدار بلندمدت است.

۵- تحریم‌های بین‌المللی

تحریم‌ها دسترسی ایران به فناوری‌های مدرن مدیریت آب مانند سیستم‌های پیشرفته آبیاری، نظارت ماهواره‌ای و تجهیزات آب‌شیرین‌کن پیشرفته را محدود کرده است. محرومیت از بازارهای مالی جهانی سرمایه‌گذاری خارجی و وام‌ها برای پروژه‌های ضروری زیرساخت آب را محدود کرده و مقامات را مجبور می‌کند نیازهای فوری را بر پایداری بلندمدت اولویت دهند. بدون رفع تحریم‌های بین‌المللی عایدات نفتی کشور اندک و میزان تخصیص این عایدات به مصارف غیرنظامی اندک خواهد بود. ضمنا ریسک اعتباری ایران در بازارهای مالی بالا خواهد بود.

این مشکلات منجر به وضعیت «ورشکستگی آبی» شده است؛ جایی که تقاضا به‌طور مداوم از عرضه پایدار فراتر رفته و ایران را به سمت یک فاجعه زیست‌محیطی و اجتماعی بی‌سابقه سوق می‌دهد. خواسته مهم جامعه مدنی ایران از دولتمردان باید حول تنظیم یک برنامه جامع مدیریت منابع آب باشد که در آن سیاست‌ها و طرح‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به دقت تعریف شده باشد. در این میان وظیفه دانشگاهیان، کارشناسان محیط‌زیست و منابع آب و جامعه مشاوران این است که روشنگری کنند و سازمان‌های ذی‌ربط را به منظور اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌هایشان یاری دهند و به نقد سیاستمداران و کارشناسان غیرمسئول و بیردازند که بر استمرار سیاست‌های غیرعلمی گذشته پافشاری می‌کنند.

۳- توسعه زیرساخت‌های نادرست

دولت‌های متوالی اغلب تحت تأثیر انگیزه‌های سیاسی و پیمانکاران مرتبط با «نهادهای عمومی غیردولتی» ده‌ها سد بدون ارزیابی‌های زیست‌محیطی مناسب ساختند. این امر جریان طبیعی رودخانه‌ها را مختل و تالاب‌هایی مانند دریاچه ارومیه و رودخانه زاینده‌رود را تخریب کرد. یک نمونه قابل توجه سد گتوند است که به دلیل وجود یک سازند نمکی در پایه آن یک دریاچه شور عظیم ایجاد کرد و شوری آب پایین دست را افزایش داده و مزارع کشاورزی را از بین برد. سرمایه‌گذاری ناکافی در نگهداری به این معنی است که خطوط لوله فرسوده شهری منجر به هدررفت قابل توجه آب می‌شود که در برخی مناطق تا ۲۲ درصد تخمین زده می‌شود. به یاد دارم که در سال ۱۳۶۶ زمانی که در گروه مطالعاتی هامون به مدیریت مرحوم مهندس قهرمان قدرت‌نما در تدارک شرح خدمات تهیه طرح جامع آب برای وزارت نیرو بودیم نشی آب لوله‌کشی شهر تهران در همین حدود تخمین زده می‌شد. در این مدت ۳۷ ساله هیچ سرمایه‌گذاری در خوری در زمینه ترمیم خطوط لوله شهر تهران انجام نشده است. حتی امروز هم وزارت نیرو اشاره‌ای به ضرورت این کار نمی‌کند و در

تجربه مدیریت خشکی

خشکسالی، مهمان همیشگی فلات ایران بوده است. تجربه‌ای که از روزگاران دور تا امروز، ردپای آن در فراز و فرود تمدن‌های کهن و زندگی مدرن ایرانیان دیده می‌شود. دکتر فاطمه درگاهیان، عضو هیات علمی و رئیس تحقیقات اقلیم و بیابان موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، در گفت‌وگو با تجارت فردا، ریشه‌های تاریخی، ابعاد کنونی و پیامدهای گسترده این پدیده اقلیمی را واکاوی کرده و معتقد است؛ خشکسالی بخشی جدایی‌ناپذیر از تاریخ اقلیمی ایران است و موقعیت جغرافیایی کشور در کمربند خشک جهان، آن را همواره در معرض نوسانات طبیعی اقلیم و پیوندهای دور اقلیمی مانند ال‌نینو قرار داده است. شواهد دیرینه اقلیم‌شناسی حاکی از دوره‌های متناوب خشکی طولانی مدت است، اما تمدن‌های ایرانی از عیلام و هخامنشی تا ساسانیان، با ابداع قنات و سیستم‌های مدیریت آب، در برابر این چالش مقاومت کرده‌اند.

دارد. این پدیده چگونه در اقلیم و تمدن ایرانی تکرار شده است؟

خشکسالی بخش جدایی‌ناپذیر از تاریخ اقلیمی ایران بوده است. در گذشته‌های دور که اطلاعات اقلیمی آن در دسترس نیست، خشکسالی‌های شدیدی در ایران رخ داده است، که در مناطقی مانند غرب ایران که پس از شمال کشور دومین منطقه بیشینه بارش است، مردم برای تغذیه خود نان بلوط را جایگزین نان گندم و جو کرده‌اند. ایران در کمربند خشک و نیمه‌خشک جهان بین ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض شمالی قرار دارد. با توجه به موقعیت جغرافیایی و اقلیمی، ایران تحت تاثیر نوسانات طبیعی اقلیم قرار دارد، به‌طوری‌که تغییرات در الگوهای بارش آن تحت تاثیر الگوهای منطقه‌ای مانند سامانه‌های مدیترانه‌ای و سامانه‌های جهانی پیوند از دور مانند نوسان جنوبی ال‌نینو و لاتینا، نوسان اطلس شمالی و... است. تغییرات این شاخص‌ها مولد رخداد خشکسالی‌ها در ایران است به‌طوری‌که شواهد رسوب‌شناسی و دیرینه اقلیم‌شناسی نشان از دوره‌های متناوب خشکی طولانی مدت در فلات ایران دارد. از گذشته‌های دور تمدن‌های اولیه در ایران زمین مانند عیلام، شهر سوخته زابل و جیرفت از طریق قنات و مدیریت آب با خشکسالی‌های بزرگ سازگار شده‌اند. هخامنشیان با توسعه شبکه‌های آبی و مدیریت منابع آب و ساسانیان با سیستم‌های آبیاری و قنات‌سازی و در دوره صفوی با تلاش برای مدیریت منابع آب در اصفهان و دیگر شهرها به سازگاری و مدیریت خشکسالی پرداخته‌اند. بنابراین ایران تمدنی با هزاران سال تجربه مدیریت خشکی است و به‌رغم سازگاری‌ها، تمدن ایرانی همواره در برابر خشکسالی‌های طولانی آسیب‌پذیر بوده است.

با توجه به محدودیت منابع آماری و البته امکان رخداد خشکسالی شدید مهم‌ترین خشکسالی‌های یک قرن گذشته ایران کدام‌اند و هر کدام چه ویژگی‌ها و نقاط عطفی داشته‌اند؟

اما خشکسالی امروز ایران، با گذشته تفاوت هویتی دارد. دکتر درگاهیان تاکید می‌کند که اکنون با ترکیب خطرناک و بی‌سابقه‌ای از تغییرات اقلیمی جهانی و مدیریت ناپایدار منابع آب مواجهیم. کاهش بارش‌ها به‌ویژه برف، افزایش دما و تبخیر و تشدید الگوهای خشکی، دستاورد تغییر اقلیم است. از سوی دیگر، برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، توسعه کشاورزی ناپایدار با محوریت محصولات پرآب‌بر، فقدان حکمرانی یکپارچه آب و فشار جمعیت، بحران را تشدید کرده‌اند. پیامد این وضعیت، بروز فاجعه‌ای اکولوژیک است. فرونشست زمین با نرخ‌های خطرناک در دشت‌های اصلی، خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌هایی که به کانون‌های گردوغبار و نمک تبدیل شده‌اند، نابودی رودخانه‌ها، تخریب جنگل‌های زاگرس و کاهش شدید تنوع زیستی تنها نمونه‌هایی از این وضعیت است.

ریشه‌ها و پیشینه خشکسالی در تاریخ ایران قدمتی بیش از اندازه تمدنی ایران

در اسناد تاریخی رخداد قحطی بزرگ ۱۲۹۸-۱۲۹۶ حکایت از وقوع یک خشکسالی شدید در ایران دارد. رخدادهای شدید خشکسالی در دهه‌های ۱۳۴۰، ۱۳۷۰ و اواخر ۱۳۸۰ بر اساس آمار و اطلاعات ایستگاه‌های هواشناسی در ایران ثبت شده است. از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵ ایران یک سیکل طولانی خشکسالی را تجربه کرده است. در چند سال اخیر از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴ ایران وارد آخرین و جدیدترین خشکسالی طولانی شده است که به نظر می‌رسد شتاب‌گیری خشکسالی‌های دهه‌های اخیر با شدت و تداوم بیشتر ناشی از تغییرات اقلیمی است که در ترکیب با مدیریت ناپایدار منابع آب، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را در ایران ایجاد کرده است.

چه عواملی در شکل‌گیری و تشدید خشکسالی‌های امروز نقش داشته‌اند؟ به‌ویژه نقش سوء‌مصرف منابع آب، تغییرات اقلیمی، توسعه ناپایدار کشاورزی و فشار جمعیتی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مهم‌ترین عامل تشدید خشکسالی‌های امروز رخداد تغییرات اقلیمی جهانی به‌عنوان عامل طبیعی تشدیدشده توسط انسان است. کاهش بارش و افزایش دما از پیامدهای تغییر اقلیم در ایران است. ایران در دهه‌های اخیر با کاهش میانگین بارش سالانه (به‌ویژه بارش برف) و افزایش طول دوره‌های خشک روبه‌رو بوده است. افزایش دما تبخیر و تعرق را شدت بخشیده و کارایی منابع آب موجود را کاهش داده است. تغییرات اقلیمی به تغییر الگوهای بارش منجر شده و بارش‌های سنگین کوتاه‌مدت به جای بارش‌های مداوم مفید جایگزین شده است. در شرایط حال حاضر بارش‌ها کوتاه‌مدت، رگباری و شدید است یا با خشکسالی‌های با سیکل طولانی مواجه هستیم. از طرفی تغییرات اقلیمی بر الگوهای پیوند از دور مانند ENSO تاثیر گذاشته و خشکسالی‌های ایران را تشدید کرده است. علاوه بر تغییرات اقلیمی که خود ناشی از عوامل انسانی است، یکی از عوامل تشدیدکننده تغییر اقلیم سوء‌مدیریت و مصرف ناپایدار منابع آب است. برداشت

بیش از حد از آب‌های زیرزمینی، کاهش حق‌آبه‌های محیط زیستی، رودخانه‌ها و تالاب‌ها، فقدان نظام قیمت‌گذاری و نظارت موثر، به تشدید خشکسالی‌ها در ایران کمک کرده است. توسعه ناپایدار کشاورزی از طریق الگوی کشت نامناسب محصولات پرآب‌بر (مانند هندوانه، برنج، نیشکر) در مناطق خشک (مانند اصفهان، کرمان) به تخلیه آب‌های زیرزمینی و تشدید خشکسالی‌ها منجر شده است. یکی دیگر از عوامل موثر بر توسعه ناپایدار کشاورزی بهره‌وری پایین آب در ایران است. راندمان آبیاری در ایران حدود ۴۵ درصد است و بیش از ۹۰ درصد آب مصرفی در بخش کشاورزی استفاده می‌شود، درحالی‌که سهم این بخش از اقتصاد کمتر از ۱۰ درصد است. از طرفی تضمین خرید آب به قیمت پایین و حمایت از کشت محصولات پرآب‌بر بدون توجه به محدودیت‌های آبی از جمله سیاست‌های حمایتی غلط در ایران است که به توسعه ناپایدار کشاورزی در ایران دامن زده است. فشار جمعیتی و توسعه شهری نیز از عوامل تشدید خشکسالی در ایران است. جمعیت ایران از ۱۹ میلیون در سال ۱۳۳۵ به بالای ۸۵ میلیون در سال ۱۴۰۰ رسیده است. شهرنشینی سریع (بیش از ۷۵ درصد جمعیت) تقاضای آب شرب و صنعت را افزایش داده است. از طرفی تمرکز جمعیت در مناطق خشک (مانند تهران، اصفهان، کرج) فشار بر منابع آب محلی را تشدید کرده است.

خشکسالی‌ها چه تبعات اکولوژیکی برای طبیعت ایران به‌جا گذاشته‌اند؟ از افت آب زیرزمینی و فرونشست تا گردوغبار، نابودی اکوسیستم‌ها و کاهش تنوع زیستی...

خشکسالی‌های طولانی و مدیریت ناپایدار آب در ایران، تبعات اکولوژیکی عمیق و گاه غیرقابل بازگشتی به جای گذاشته‌اند. از جمله این تبعات افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی است که امروز به یک بحران اساسی در ایران تبدیل شده است. بیش از ۸۰ درصد دشت‌های ایران ممنوعه یا بحرانی اعلام شده‌اند. کسری مخزن سالانه حدود شش میلیارد مترمکعب باعث شده سطح آب در بسیاری از آبخوان‌ها ده‌ها متر افت کند. افت شدید آب‌های زیرزمینی طی دهه اخیر به فرونشست زمین منجر شده است. ایران یکی از بالاترین نرخ‌های فرونشست در جهان را دارد. نرخ فرونشست در دشت‌های تهران، کرج، مشهد، رفسنجان و بسیاری دیگر از مناطق دیگر ایران قابل ملاحظه است و در آینده زندگی انسان ایرانی را با مشکلات زیاد از جمله مهاجرت مواجه خواهد کرد.

خشکسالی‌های شدید و مداوم به تولید گردوغبار و طوفان‌های نمکی به‌ویژه در بستر تالاب‌ها و دریاچه‌های خشکیده منجر می‌شود، به‌طوری‌که خشک شدن تالاب‌هایی مانند هورالعظیم، گاوخونی، بختگان، هامون و... آنها را به کانون‌های عظیم تولید گردوغبار در ایران تبدیل کرده است. خشکیدن این تالاب‌ها موجب می‌شود کارکردهای اکوسیستم آنها از بین برود. در سال‌هایی هم که بارش‌های سیل‌آسا در حوضه آبخیز آنها رخ می‌دهد، کارکردشان غیرقابل برگشت بوده و تنها به آبگیرهای موقت تبدیل شده‌اند. هر چند خشکسالی‌های مداوم در ایران طی دو دهه اخیر مراتع فقیر و زمین‌های دیم رها شده را هم به کانون گردوغبار تبدیل کرده است. خشک شدن دریاچه‌هایی مانند ارومیه نه تنها گردوغبار، بلکه نمک را نیز در شعاع صدها کیلومتر پراکنده می‌کند که خاک و آب منطقه را شور و برای کشاورزی و سلامتی مضر می‌کند. رخداد خشکسالی‌های مداوم و شدید در بستر تغییرات اقلیمی، نابودی و تخریب اکوسیستم‌های طبیعی را به همراه دارد. تالاب‌ها که «کلیه‌های زمین» و زیستگاه پرندگان مهاجر هستند، به نمکزار یا بیابان تبدیل شده‌اند. بسیاری از رودخانه‌ها مانند زاینده‌رود، کارون و هیرمند به رودخانه‌های فصلی یا کاملاً خشک تبدیل شده‌اند و شبکه حیات اطراف خود را نابود کرده‌اند. استرس آبی و تغییر اقلیم، جنگل‌های ارزشمندی مانند بلوط‌های زاگرس (تامین‌کننده ۴۰ درصد آب شیرین کشور) را به شدت آسیب‌پذیر و در معرض آفات و مرگ تدریجی قرار داده است. از طرفی تغییر اقلیم و به تبع آن رخداد خشکسالی طی دو دهه اخیر به کاهش شدید تنوع زیستی، حتی انقراض محلی برخی گونه‌ها منجر شده و در آینده بر شدت آن افزوده خواهد شد. خشکسالی موجب کمبود آب و غذا شده و حیات وحش را با تهدید و تخریب جدی مواجه خواهد شد. خشکی شدید پوشش گیاهی جنگل‌ها را به سوخت



در برابر خشکسالی های آینده افزایش دهند؟ چه اصلاحاتی در مدیریت آب، کشاورزی، سیاست گذاری و حکمرانی لازم است؟

بر اساس تجربه های تاریخی ایران و درس های جهانی، افزایش تاب آوری در برابر خشکسالی نیازمند یک تحول بنیادین در اندیشه، حکمرانی و فناوری است. این راهکارها باید مبتنی بر پذیرش واقعیت اقلیم خشک ایران و خروج از الگوی توسعه ناپایدار باشد. از آنجاکه خشکسالی جزء لاینفک اقلیم ایران است و در حال حاضر احتمالاً در آینده بر فراوانی شدت و مدت آن افزوده شده است، اولین قدم در راستای تاب آوری در برابر خشکسالی اصلاحات اساسی در مدیریت آب از طریق گذار از مدیریت عرضه به مدیریت تقاضاست. تغییر پارادایم حکمرانی آب ایجاب می کند نهاد یکپارچه حکمرانی آب در سطح حوضه آبریز (فرا تر از تقسیمات سیاسی) ایجاد شود. توقف پروژه های انتقال آب بین حوضه ای (جز در شرایط اضطراری) و تمرکز بر مدیریت محلی، گسترش سامانه های بازیافت و استفاده مجدد از آب به ویژه در شهرها و صنایع، نوسازی و بهینه سازی قنات ها به همراه سیستم های پایش دیجیتال، قیمت گذاری واقعی آب به همراه سازوکارهای حمایت از اقشار کم درآمد، راه های برون رفت از اثر خشکسالی های ناشی از تغییر اقلیم در زمینه آب است. اما در بخش کشاورزی نیازمند تحولی عظیم و عملی در کشاورزی کم آب بر و دانش بنیان از طریق بازتعریف الگوی کشت ملی و ممنوعیت کشت محصولات پر آب بر (مانند برنج، هندوانه، نیشکر) در مناطق خشک و تشویق کشت گیاهان کم آب بر و سازگار با تغییرات اقلیمی و خشکسالی است. راهکارهایی از قبیل ارتقای بهره وری آب از طریق تسریع در نوسازی آبیاری (تحت فشار، قطره ای) با نظارت بر صرفه جویی واقعی، نه افزایش سطح کشت و توسعه کشاورزی گلخانه ای مدرن و کشت طبقاتی؛ و تنوع بخشی به معیشت روستایی از طریق توسعه اکوتوریسم، صنایع دستی، فرآوری محصولات کشاورزی و انرژی های تجدیدپذیر (خورشیدی، بادی) در مناطق خشک، می تواند تاب آوری ایران را در برابر خشکسالی که پیامد تغییر اقلیم است، بالا ببرد. در مجموع ایران نیازمند تغییر نگاه از خشکسالی به عنوان «حادثه ای موقت» به «ویژگی دائمی اقلیم» است. تاب آوری تنها با تلفیق دانش سنتی و نوین، حکمرانی مشارکتی و عدالت محیط زیستی محقق می شود که نیازمند اولویت های فوری در زمینه توقف برداشت از آب های زیرزمینی در دشت های ممنوعه، احیای حداقلی تالاب های بحرانی ارومیه، گاوخونی، هامون و تصویب و اجرای الگوی کشت ملی اجباری است.

آماده ای برای آتش سوزی تبدیل کرده است. جنگل ها و مراتع ایران در سال های اخیر شاهد آتش سوزی های گسترده و مکرر بوده اند هرچند ممکن است شروع آن بر اثر عوامل انسانی باشد اما شرایط اقلیمی و خشکسالی بر شدت و وسعت آن افزوده و مهار آن را سخت و طولانی کرده است.

آثار اقتصادی و اجتماعی خشکسالی ها بر جامعه ایران چه بوده و خشکسالی متوالی چگونه بر کشاورزی، مهاجرت، معیشت روستایی، اشتغال و هزینه های دولت اثر گذاشته اند؟

خشکسالی های مداوم و مدیریت ناپایدار آب در ایران ساختارهای معیشتی، جمعیتی و اقتصادی کشور را تحت تاثیر قرار داده است. از جمله پیامدهای اقتصادی خشکسالی کاهش تولید و بهره وری است. کاهش محصولات استراتژیک مانند گندم، جو و محصولات باغی (پسته، مرکبات) به دلیل کم آبی و شوری خاک؛ افزایش هزینه های تولید، از بین رفتن سرمایه های طبیعی و وابستگی به واردات محصولات اساسی برای تامین امنیت غذایی از جمله تبعات اقتصادی خشکسالی است. تمام این موارد بر هزینه های مستقیم دولت از طریق پرداخت یارانه برای جبران خسارات خشکسالی به کشاورزان، هزینه های بالای انتقال آب بین حوضه ای مانند پروژه های پرهزینه و اغلب ناپایدار می افزاید و به کاهش سرمایه گذاری و رشد اقتصاد در بخش کشاورزی منجر می شود. خشکسالی مداوم و شدید در دو دهه اخیر آثار اجتماعی متعدد و ملموسی داشته است؛ مهاجرت های گسترده و تخلیه سکونتگاه ها از برخی استان ها به استان های شمالی کشور، مهاجرت وسیع جمعیت روستا به شهری، ایجاد حاشیه نشینی شهری، مهاجرت های بین استانی و افزایش تنش های محلی بر سر منابع آب که به تنش های اجتماعی و امنیتی انجامیده و بیکاری و فقر و تغییر الگوی معیشت از جمله آثار اجتماعی خشکسالی و تغییر اقلیم در ایران است.

بر اساس تجربه های تاریخی، چه راهکارهایی می توانند تاب آوری ایران را

پیش‌بینی OECD

از اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۶

به حدود ۴٫۲ درصد رسیده بود؛ در سال ۲۰۲۶ تحت تأثیر تضعیف قابل توجه تقاضای وارداتی در اقتصادهای بزرگ، فرسایش تدریجی اثر شوک تعرفه‌های جدید، کند شدن ریتم اقتصاد چین و افزایش چشمگیر هزینه‌های زنجیره تأمین و انتقال خطوط تولید به مناطق جدید، به ۲٫۳ درصد سقوط کند.

این تحولات همراه با بازآرایی ساختار تجارت جهانی سبب می‌شود سهم برخی اقتصادهای جنوب شرقی آسیا در رشد تجارت بین‌الملل افزایش یابد؛ در حالی که سهم چین با کاهش محدود و تدریجی مواجه می‌شود و سهم اقتصادهای پیشرفته، به ویژه اروپا و آمریکای شمالی، بار دیگر افت می‌کند و نقش آن‌ها در محرک‌سازی تجارت جهانی کاهش می‌یابد.

افزایش ریسک در اقتصاد جهانی

OECD در جمع‌بندی خود با اشاره به شکنندگی روندهای پیش‌بینی شده، نسبت به مجموعه‌ای از ریسک‌ها هشدار می‌دهد؛ ریسک‌هایی که می‌توانند سرعت و حتی جهت حرکت اقتصاد جهانی را تغییر دهند. از یک سو، عدم تحقق بازده سرمایه‌گذاری‌های گسترده در حوزه هوش مصنوعی و فناوری‌های نو می‌تواند شکاف میان انتظارات و واقعیت‌های بهره‌وری را تشدید کند و از سوی دیگر، تداوم یا تشدید تنش‌های تجاری و سیاست‌گذاری‌های ملی اقتصادی قادر است هزینه‌های مبادله کالا و سرمایه را بالا ببرد و روند بهبود اقتصاد جهانی پس از یک دوره طولانی بی‌ثباتی را تهدید می‌کند.

این چشم‌انداز، در مجموع، حکایت از ورود اقتصاد جهانی به دوره‌ای دارد که در آن رشد پرشتاب و ایمن ادامه نمی‌یابد؛ دوره‌ای که ثمرات سرمایه‌گذاری‌های تکنولوژیک، بازآرایی زنجیره تأمین و تنظیمات تجاری جدید تنها در صورتی می‌تواند به خروج اقتصاد جهانی از وضعیت شکننده منجر شود که سیاست‌گذاران با دقت و هماهنگی بیشتری میان اولویت‌های داخلی و الزامات اقتصاد بین‌الملل تعادل برقرار کنند.

بر اساس آخرین پیش‌بینی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD رشد اقتصادی جهانی که در سال ۲۰۲۵ به ۳٫۲ درصد رسیده بود در سال ۲۰۲۶ به ۲٫۹ درصد کاهش می‌یابد، سپس در ۲۰۲۷ کمی بهبود می‌یابد و به ۳٫۱ درصد می‌رسد. در تازه‌ترین ارزیابی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی که در دسامبر ۲۰۲۵ منتشر شده است، تصویری نسبتاً محتاطانه از مسیر پیش‌روی اقتصاد جهانی ترسیم می‌شود؛ تصویری که نشان می‌دهد موتور رشد جهانی با وجود برخی نشانه‌های بازگشت ثبات، همچنان با محدودیت‌های ساختاری، فشارهای تجاری و ریسک‌های تکنولوژیک دست به گریبان است.

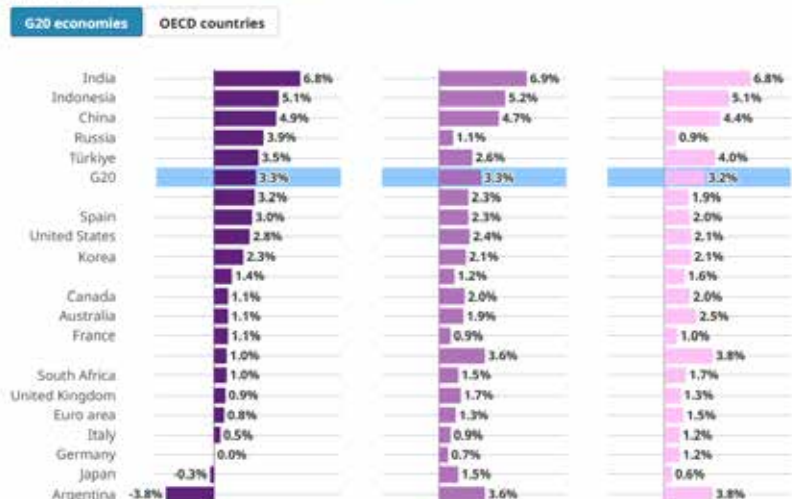
کاهش رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۶

بر اساس این گزارش، آهنگ رشد اقتصاد جهان که در سال ۲۰۲۴ حدود ۳٫۳ درصد برآورد شده بود، در نتیجه ترکیب پیچیده‌ای از افزایش هزینه سرمایه‌گذاری، افت تقاضای کالا، استمرار بی‌اطمینانی‌های ژئواقتصادی و کاهش شتاب فعالیت در اقتصادهای بزرگ، در سال ۲۰۲۵ به ۳٫۲ درصد و در سال ۲۰۲۶ به ۲٫۹ درصد کاهش می‌یابد؛ کاهش که از نگاه OECD به معنای ورود اقتصاد جهانی به دوره‌ای از رشد کند اما پایدار است و البته در سال ۲۰۲۷ با کاهش برخی فشارها و سازگار شدن بازارها با قواعد جدید تجارت و سرمایه‌گذاری، می‌تواند اندکی بهبود یافته و به حدود ۳٫۱ درصد برسد.

کاهش سهم چین از تجارت جهانی

در کنار روند نزولی رشد تولید، تجارت جهانی نیز با چشم‌اندازی شکننده مواجه است؛ به گونه‌ای که OECD پیش‌بینی می‌کند نرخ رشد تجارت که در سال ۲۰۲۵

Real GDP growth projections for 2024, 2025 and 2026
%, year-on-year



Source: OECD Economic Outlook, December 2024.

بر اساس گزارش سالانه موسسه منابع جهانی (WRI)، ۱۷ کشور جهان در شرایط «تنش آبی بسیار بالا» قرار دارند. این کشورها سالانه بیش از ۸۰ درصد از منابع آب تجدیدپذیر خود را مصرف می‌کنند.



جمعیت ۱/۴ کره زمین

این کشورها که میزبان حدود یک چهارم جمعیت کره زمین هستند، در برابر کوچک‌ترین شوک‌های خشکسالی که تغییرات اقلیمی آنها را تشدید می‌کند، آسیب‌پذیرند و «روز صفر» بی‌آبی برایشان تهدیدی قریب الوقوع است.

بحران آب در این کشورها پیامدهای ویرانگری دارد که

به گفته مدیرعامل موسسه منابع جهانی، به شکل ناامنی غذایی، جنگ، مهاجرت و بی‌ثباتی مالی بروز می‌کند.

این ۱۷ کشور به ترتیب بیشترین تنش آبی عبارتند از: قطر، اسرائیل، لبنان، ایران، اردن، لیبی، کویت، عربستان سعودی، اریتره، امارات متحده عربی، سان مارینو، بحرین، هند، پاکستان، ترکمنستان، عمان و بوتسوانا. نکته قابل توجه تمرکز جغرافیایی این بحران است؛ به طوری که ۱۲ کشور از این فهرست در منطقه خشک خاورمیانه و شمال آفریقا واقع شده‌اند.

راه برون رفت از این بحران مشترک، در گرو تغییر اساسی الگوهاست. کارشناسان بر این باورند که کلید حل معضل، **مدیریت تقاضا** و نه صرفاً افزایش عرضه آب است. اصلاح الگوی کشت و جایگزینی محصولات کم‌آب‌بر و باارزش، ارتقای بهره‌وری آب در کشاورزی از طریق فناوری‌هایی مانند آبیاری قطره‌ای، تصفیه و بازچرخانی آب‌های خاکستری، و در نهایت بازتعریف مفهوم «**خودکفایی غذایی**» بر اساس ظرفیت‌های اکولوژیکی پایدار کشورها، از جمله راهکارهای ضروری برای تضمین امنیت غذایی نسل‌های آینده در مناطق خشک جهان است.

لبنان و اردن نیز نمونه‌هایی از تشدید بحران آب تحت تأثیر عوامل سیاسی و اجتماعی هستند. در لبنان، مدیریت ضعیف، زیرساخت‌های فرسوده و بحران اقتصادی، اثرات خشکسالی را دوچندان کرده است. در اردن، که یکی از فقیرترین کشورها از نظر منابع آب است، فشار ناشی از میزبانی جمعیت بزرگی از پناهندگان، منابع آبی را تحت تنش بی‌سابقه قرار داده و اولویت را به آب شرب داده و کشاورزی را به حاشیه رانده است.

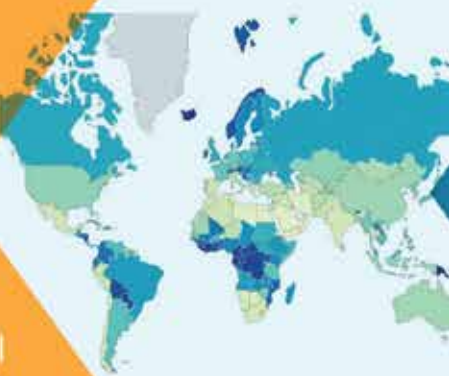
کشورهای فقیرتری مانند **اریتره** در شاخ آفریقا، وضعیتی به مراتب آسیب‌پذیرتر دارند. کشاورزی در اریتره معیشتی و وابسته به باران است و خشکسالی‌های مکرر و طولانی — که تغییرات اقلیمی بر تعداد و شدت آن افزوده — مستقیماً به معنای نابودی محصولات، قحطی و وابستگی کامل به کمک‌های غذایی بین‌المللی است. این وضعیت در **بوتسوانا** در جنوب آفریقا نیز صادق است، جایی که خشکسالی تولیدات زراعی دیم و هم دام‌های دامدار را از بین می‌برد.



بحران جهانی آب و تهدید امنیت غذایی
در ۱۷ کشور خشک جهان

هند

به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور این گروه، جمعیتی تقریباً سه برابر مجموع جمعیت ۱۶ کشور دیگر دارد و بحران آب در آن ابعادی بسیار گسترده و انسانی می‌یابد.



مصرف ۸۰ تا ۹۰ درصدی آب در بخش کشاورزی در بسیاری از این کشورها، ارتباطی ناگسستنی میان بحران آب و تهدید امنیت غذایی ایجاد کرده است. کاهش منابع آب، تولید محصولات استراتژیک را با خطر مواجه کرده و کشورها را به واردات غذایی وابسته ساخته است. در ادامه، چالش‌های کلیدی بخش کشاورزی و امنیت غذایی در برخی از این کشورها بررسی می‌شود.

ترکیه

در **عربستان سعودی**، تجربه ناموفق «خودکفایی گندم» که با استفاده گسترده از ذخایر آب فسیلی غیرقابل تجدید محقق شده بود، درس روشنی از ناپایداری کشاورزی در مناطق خشک ارائه می‌دهد. با تهی شدن این ذخایر، عربستان مجبور به توقف این سیاست و بازگشت به واردات گسترده گندم شد. امروزه سیاست امنیت غذایی این کشور بر پایه ذخایر استراتژیک، واردات و سرمایه‌گذاری در کشاورزی خارج از کشور استوار است.

خلیج فارس

کشورهای ثروتمند حوزه **خلیج فارس** مانند قطر، کویت، بحرین و امارات، با وجود برخورداری از درآمدهای نفتی، از نظر منابع آب شیرین طبیعی در فقیرترین وضعیت به سر می‌برند. این کشورها برای تامین آب شرب و بخشی از کشاورزی خود، به شدت به سیستم‌های پرهزینه و انرژی‌بر **شیرین‌سازی آب دریا** متکی هستند. کشاورزی در این کشورها عمدتاً محدود به گلخانه‌ها و پروژه‌های بسیار پرهزینه است و بیش از ۹۰ درصد نیازهای غذایی آنها از طریق واردات تامین می‌شود که امنیت غذایی آنها را در برابر نوسانات بازار جهانی و اختلال در زنجیره تامین آسیب‌پذیر می‌سازد.

هند

سیزدهمین کشور پرجمعیت این فهرست است. بحران آب در هند تنها محدود به خشکسالی‌های دوره‌ای مانند رویداد شهر چنای نیست، بلکه برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی در شمال این کشور، ذخایر استراتژیک آن را به سرعت تخلیه می‌کند. از آنجا که بخش عمده‌ای از کشاورزی و امنیت غذایی هند معیشتی و وابسته به آب است، تنش آبی می‌تواند معیشت میلیون‌ها کشاورز خرده‌پا را نابود کرده و موجی از مهاجرت و ناآرامی اجتماعی ایجاد کند.

ایران یکی از بارزترین نمونه‌های رویارویی با این بحران دوگانه است. بخش کشاورزی ایران حدود ۹۰ درصد از مصرف آب کشور را به خود اختصاص می‌دهد، اما بهره‌وری آب در این بخش پایین است. الگوی کشت موجود، با کشت محصولات پرمصرفی مانند برنج و یونجه در مناطق خشک، با ظرفیت‌های آبی کشور سازگار نیست و فشار بر منابع زیرزمینی را تشدید کرده است. این وضعیت به افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی، خشک شدن تالاب‌ها و بروز پدیده فرونشست زمین انجامیده و امنیت غذایی پایه کشور را که بر تولید داخلی تکیه دارد، به شدت تهدید می‌کند.



فرصت های سرمایه گذاری چین در ایران

مهندس حمیدرضا شوشتریان

روابط اقتصادی میان ایران و چین در سال های اخیر با شدت بیشتری دنبال شده است. ایران با برخورداری از منابع غنی طبیعی، مزایای منطقه ای و نیروی کار جوان، در جست و جوی جذب سرمایه گذاری خارجی است، و چین نیز به دنبال گسترش زنجیره های تأمین، دسترسی به انرژی و حضور در مسیرهای تجاری منطقه ای است. بر پایه توافق ۲۵ ساله میان دو کشور، فرصت های متعددی برای همکاری های سرمایه گذاری وجود دارد. از سوی دیگر، از نظر چینی هاریسک ها و چالش هایی نیز پیش روست که سرمایه گذاران چینی باید به آنها توجه کنند. در این مقاله تلاش شده است تا مهم ترین زمینه های فرصت سرمایه گذاری ایران برای چین، الزامات و چالش ها، و توصیه هایی برای حرکت بهینه تشریح شود.

فرصت های کلیدی سرمایه گذاری

۱. بخش انرژی و زیرساخت های انرژی

چینی ها، بسته های سرمایه گذاری ویژه ارائه کرده است.

ایران دارای یکی از بزرگ ترین ذخایر نفت و گاز جهان است و دولت این کشور مصمم به بهره برداری بیشتر از این منابع و توسعه انرژی های نو است. برای مثال، شرکت های چینی آماده اند در ساخت نیروگاه های سیکل ترکیبی در استان خوزستان سرمایه گذاری کنند. از سوی دیگر، نیاز به بازسازی و نوسازی زیرساخت های انرژی و شبکه های حمل و نقل ایران بسیار زیاد است. بنابراین شرکت های چینی با تخصص در حوزه انرژی و زیرساخت می توانند نقش محوری ایفا کنند.

۲. صنعت، فناوری و تولید مشترک

ایران به دنبال ارتقای صنایع پایه، تولید کالاهای با ارزش افزوده بالاتر و انتقال فناوری است. چین به عنوان کشوری با توان تولیدی بالا و زنجیره های تأمین گسترده، می تواند در این مسیر مشارکت کند. بخش هایی چون خودروسازی، الکترونیک، مخابرات، داروسازی و تجهیزات پزشکی از جمله زمینه هایی است که در سند همکاری ایران چین مطرح شده اند. این همکاری نه صرفاً صادرات از چین به ایران، بلکه تولید مشترک و هدف گذاری صادرات به بازار ایران و منطقه است.

۳. حمل و نقل، لجستیک و مناطق آزاد

ایران با موقعیت ژئوپلیتیکی خاص خود "هم مرز با خلیج فارس، هم ارتباط با آسیای میانه و اروپا" قابلیت تبدیل شدن به هاب حمل و نقل و ترانزیت منطقه ای را دارد. چین در چارچوب Belt and Road Initiative (کمربند و راه) به دنبال توسعه مسیرهای تجاری و لجستیکی است. ایران نیز آماده سرمایه گذاری در پروژه های بندری، راه آهن، آزادراه ها و مناطق ویژه اقتصادی است. برای نمونه، منطقه آزاد قشم به سرمایه گذاران خارجی، از جمله

۴. کشاورزی، صنایع غذایی و صادرات محصول

ایران دارای تنوع آب و هوایی، زمین های مستعد و توان تولید انواع محصولات کشاورزی و غذایی است؛ از میوه و خشکبار تا آبریان. همکاری با چین می تواند شامل مشارکت در تولید، فرآوری، بسته بندی و صادرات این محصولات باشد. به ویژه بازار بزرگ مصرف چین می تواند به مقصدی جذاب برای محصولات ایرانی تبدیل شود.

۵. گردشگری، سلامت و خدمات

با وجود میراث فرهنگی و تاریخی غنی ایران، بخش گردشگری تا حد زیادی مغفول مانده است. با افزایش روابط ایران و چین و رشد سفرهای چینی، فرصت هایی در هتل سازی، زیرساخت گردشگری، درمانگاه ها و خدمات سلامت وجود دارد. همین طور، همکاری در زمینه داروسازی و تجهیزات پزشکی نیز قابل توجه است.



میزان سرمایه‌گذاری واقعی چین در ایران، نسبت به مناطقی دیگر، همچنان محدود است و برخی پروژه‌ها با تأخیر یا لغو مواجه شده‌اند. لازم است شریک ایرانی قابل اعتماد و آشنا به فرآیندها انتخاب شود تا هماهنگی با الزامات محلی و بین‌المللی فراهم گردد.

توصیه‌ها برای فعالان چینی از نگاه آژانس همکاری‌های اقتصاد خارجی چین:

ورود مرحله‌ای: ابتدا با پروژه‌های کوچک یا مشارکت‌های محدود شروع کنید تا شناخت بازار افزایش یابد. توجه به ارزش افزوده: نه صرفاً واردات مواد خام، بلکه تولید مشترک با صادرات منطقه‌ای را هدف گذاری کنید. برقراری زنجیره تأمین مشترک: استفاده از مزایای ایران (زمین، نیروی کار، بازار منطقه‌ای) در کنار فناوری و سرمایه چین. مدیریت ریسک حقوقی و مالی: با مشاوران ایرانی یا تیم‌های حقوقی مشترک کار کنید، و شیوه‌های پرداخت و انتقال سود را از ابتدا مشخص نمایید. نگاه منطقه‌ای: ایران می‌تواند سکویی شود برای دسترسی به بازارهای منطقه (خلیج فارس، آسیای میانه، افغانستان، اروپا). بنابراین علاوه بر بازار ایران، بازارهای جانبی را نیز مدنظر داشته باشید.

پایانی:

ایران برای چین مجموعه‌ای از فرصت‌های جذاب سرمایه‌گذاری فراهم کرده است؛ از انرژی، زیرساخت، تولید، و کشاورزی تا گردشگری و سلامت. در صورتی که چینی‌ها با رویکردی مشارکت‌محور، بلندمدت و مبتنی بر تولید مشترک وارد شوند، می‌توانند هم به منافع اقتصادی قابل توجهی دست یابند و هم نقشی موثر در توسعه ایران ایفا کنند. البته این همکاری نیازمند شناخت دقیق از شرایط محلی، مدیریت ریسک و برنامه‌ریزی هوشمندانه است. در نهایت، اگر این فرصت‌ها با دقت و به‌درستی مورد بهره‌برداری قرار گیرد، همکاری ایران و چین می‌تواند الگویی برای مشارکت اقتصادی راهبردی در منطقه باشد.

الزامات و شرایط سرمایه‌گذاری

ایران با تصویب قانون حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، شرایطی چون بازگشت سود، مالکیت، معافیت مالیاتی در برخی مناطق را فراهم کرده است. ایران و چین چارچوب راهبردی مشترکی امضا کرده‌اند که زمینه همکاری بلندمدت را فراهم می‌کند. شرکت‌های چینی باید به دقت بررسی بازار ایران، فرهنگ کسب و کار، مطالعات منطقه‌ای و شریک محلی مناسب داشته باشند.

صادرات ایران به چین ۱۴۰۳

ارزیابی‌ها نشان می‌دهد صادرات به «چین» در حدود ۱۴ میلیارد و ۱۶۰ میلیون دلار بوده که با این میزان صادرات این کشور عنوان صدرنشین صادرات کالاهای ایرانی را از آن خود کرده است. آمار منتشر شده نشان می‌دهد سهم این کشور از مجموع صادرات در این مدت ۲۵۰۶۸ درصد از کل صادرات بوده است.

چالش‌ها و ملاحظات

مهم‌ترین چالش، اثر تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران است که می‌تواند بر انتقال فناوری، دسترسی به تأمین مالی جهانی، بیمه و تجارت تأثیر گذار باشد. موضوع ثبات اقتصادی، نرخ ارز، تورم، و قواعد حقوقی نیز می‌تواند ریسک‌هایی برای سرمایه‌گذاران باشد.

جنگ ۱۲ روزه چه درس‌هایی برای مدیران کسب‌وکار داشته است؟

تاب‌آوری نوآورانه

سید کامران باقری // استاد مدعو نوآوری در دانشگاه تهران

تاب‌آوری در زمان بحران، تنها به معنای کاهش هزینه‌ها و کوچک‌سازی سازمان نیست؛ بلکه در دنیای امروز، نوآوری و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین به‌ویژه هوش مصنوعی، به اصلی‌ترین ابزار بقا و پیشرفت تبدیل شده است. تجربه‌های اخیر نشان داده‌اند که بحران‌ها نه تنها تهدید، بلکه فرصتی برای بازآفرینی و بازاندیشی در شیوه‌های مدیریت هستند. هوش مصنوعی دیگر یک موضوع پژوهشی آینده‌دار نیست؛ بلکه به بخشی جدایی‌ناپذیر از حیات روزمره کسب‌وکارها و حتی امنیت ملی بدل شده است. آنچه زمانی در افق‌های دور نوآوری قرار داشت، امروز به «نان شب» سازمان‌ها تبدیل شده است. در این مسیر، مدیران باید بیاموزند که بحران را نه به‌عنوان مانعی، بلکه به‌عنوان محرکی برای تغییر قواعد بازی ببینند. این نوشته تلاش دارد با نگاهی انسان‌محور و مدیریتی، از دل تجربه‌های سخت و پرهزینه، هفت درس کلیدی در باب تاب‌آوری کسب‌وکار استخراج کند؛ درس‌هایی که می‌توانند راهنمایی برای مدیران و تصمیم‌گیران در مواجهه با آینده‌ای پرابهام باشند.

از ویتترین تا نان شب

این جنگ مسئله‌ای را بسیار آشکار کرد؛ «بدون هوش مصنوعی تاب‌آوری معنا ندارد». این هوش مصنوعی دیگر حوزه پژوهشی آینده‌دار تلقی نمی‌شود. هوش مصنوعی در این نبرد، میان‌دار بود. آنهایی که آن را ویتترین پژوهشی و نخبگانی می‌دیدند، به هم ریختند. این همان ضربه بیدارباش بود. یعنی بدون هوش مصنوعی، احتمالاً در هر جنگ آتی ضربه‌های سخت‌تر و کشنده‌تری می‌بینند. ما در ادبیات مدیریت نوآوری، سبد پروژه‌های نوآوری را به سه افق دسته‌بندی می‌کنیم. افق ۱، اقدام‌ها و پروژه‌هایی است که صرف بهبود محصولات و خدمات موجود در بازار موجود می‌شود. افق ۲، به محصولات و خدمات مجاور و بازارهای مجاور می‌پردازد. افق ۳ هم به اقدامات آینده‌نگرانه و کاملاً ناشناخته (از نظر توانمندی‌های لازم و از نظر مختصات بازار) اختصاص دارد. اقداماتی که شانس شکستشان بالاست، اما اگر به بار بنشینند، ارزش آفرینی زیادی دارند.

تقریباً تمامی مدیران کسب‌وکار در ایران، هوش مصنوعی را در افق ۳ دسته‌بندی کرده و می‌کنند. جنگ نشان داد در بی‌خبری، هوش مصنوعی از افق ۳ به افق ۱ آمده، حفظ کسب‌وکار موجود کاملاً به آن گره خورده است. امروز «نان شب» کسب‌وکار به هوش مصنوعی گره خورده است.

از بهبود تا برفکنی

معمولاً وقتی صحبت از تاب‌آوری در زمان بحران می‌شود، مدیران کسب‌وکار ناخودآگاه به سراغ گزینه‌هایی همچون کاهش هزینه و کوچک‌سازی سازمان می‌روند، درحالی‌که تاب‌آوری واقعی با تمرکز بر نوآوری به‌دست می‌آید. من به‌عنوان دانش‌آموخته نوآوری، یاد گرفته‌ام بحران را به‌عنوان منبع نوآوری ببینم. در این نوشته می‌خواهم به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه از همین دریچه نگاه کنم. اگرچه تخصص و حوزه کاری من در صنعت دفاعی نیست، اما می‌خواهم از شما درخواست کنم به این جنگ به‌عنوان نمونه‌ای از نبرد قدرت آینده نگاه کنید. تلاش می‌کنم آن را از ساحت نظامی و سیاسی فراتر برده و هفت درس در باب تاب‌آوری کسب‌وکار از آن بگیرم.

این جنگ کوتاه نشان داد قواعد نبرد به کلی تغییر کرده. این دیگر بهبود اندکی در دقت موشک‌های پیشین نبود. این روند بهبود اندکی در قدرت تخریب بمب‌های پیشین نبود. عنصر جدیدی به معادله اضافه شده بود که قواعد جنگ را بر اساس آن از نو نوشته‌اند. ما بدشانس بودیم که این قواعد جدید را نخستین بار روی ما امتحان کردند. این معادله دیگر به حالت پیشین بر نمی‌گردد. شاید شما در معادله پیشین مهارت داشتید. شاید شما در معادله پیشین دست‌بالا را داشتید. شاید شما به حفظ معادله پیشین علاقه‌مند بودید. هیچ‌کدام از این شاید‌ها تاثیری در نتیجه ندارد. معادله عوض شده و شما باید با معادله جدید بازی کنید. هر چند در این معادله قدرت و تجربه کافی را نداشته باشید. نبرد بعدی با معادله جدید و احتمالاً در ابعاد بسیار بزرگ‌تر از راه می‌رسد.

دنیای کسب‌وکار همیشه شاهد بهبود محصولات و خدمات است. همیشه فرآیندها به سمت کاهش هزینه‌ها، کاهش زمان‌بری، افزایش دقت و افزایش کارایی در حرکت‌اند. اما گاهی عنصر برافکن وارد بازی می‌شود که کل قواعد بازی را تغییر می‌دهد. زنجیره ارزش و در نتیجه صحنه رقابت را به کلی بازنویسی می‌کند. دوربین دیجیتال، بهبود دوربین آنالوگ نبود، بلکه کل قواعد رقابت را از نو نوشت. مفهوم عکس و خاطره را برای همیشه تغییر داد. بازیگران بزرگ پیشین را حذف و کاری کرد که تخصص دیجیتال جای تخصص شیمیایی را گرفت. گوشی هوشمند آیفون هم فقط گوشی بهتر نبود. نوکیا از زمین زد و از همه مهم‌تر، زندگی انسان را برای همیشه تغییر داد. اکنون هوش مصنوعی عنصر برافکن است که قواعد بازی، بازیگران اصلی، ساختار رقابت و مرز صنایع را جابه‌جا می‌کند. مفهوم کسب‌وکار از این به بعد تغییر می‌کند. مهم نیست که مدیران شما قواعد قبلی بازی را دوست داشتند یا در آنها سرآمد بودند. الان باید در سریع‌ترین زمان ممکن قواعد جدید را بیاموزند و به کار بگیرند.

از رقابت تا مسیر ویژه

با فاصله اندکی پس از جنگ ۱۲ روزه،

رئیس شورای امنیت ملی تغییر کرد. «شورای دفاع» ذیل این شورا تشکیل شد. همچنین که «معاونت فناوری دفاعی» ذیل شورا تشکیل شد. احتمالاً بودجه قابل توجهی به این معاونت اختصاص داده شده است. چرا؟ چون که عنصر برافکن را نمی‌توان در ساختارها، فرآیندها، ذهنیت‌ها و حتی فرهنگ معمول و جالافته هضم کرد. تمام ساختارهای پیشین برای حفظ قواعد پیشین طراحی شده‌اند و عنصر برافکن را پس می‌زنند. وقتی برافکنی محرز شد، باید مسیر ویژه با ذهنیت‌ها و قواعد جدید برپا کرد. بهتر بود که این کار سال‌ها پیش انجام می‌شد، اما گویی ضربه جنگ لازم بود که اقدام فوری برای آن انجام شود. بیشتر مدیران ارشد کسب‌وکاری که در دو سال گذشته با آنها جلسه داشته‌ام، همچنان تلاش می‌کنند هوش مصنوعی را با همان فرآیندهای موجود ببینند. انتظار دارند که هوش مصنوعی در کنار هزار و یک موضوع ریز و درشت کسب‌وکار، برای بهره‌مندی از منابع محدود شرکت رقابت کند. آیا کار آنها پیش رفته؟ پاسخ نه محکم است. آنها هم می‌توانند منتظر سیلی بازار و رقابت بمانند که ماهیت برافکن هوش مصنوعی را به رسمیت بشناسند. با نگاهی به تجربه جنگ ۱۲ روزه می‌توانند پیش قدم شوند و مسیری ویژه در کسب‌وکارشان برای هوش مصنوعی بکشایند.

از نبرد تا تیر غیب

برخی گمان می‌کردند پهپادهای گران‌قیمت مهاجم باید از دو هزار کیلومتر دورتر به پرواز درآیند که به تهران برسند. در آن صورت نظام پدافندی ما در نقاط مرزی، آمادگی و فرصت مقابله با آنها را داشتند. اما روز نخست جنگ با انبوهی پهپاد از آن قیمت روبرو شدند که گویی از همین تپه‌های اطراف تهران به پرواز درآمده بودند و با سامانه‌هایی مجهز به هوش مصنوعی هدایت می‌شدند. دشمن از جایی آمد که منتظر آن نبودند. نقش مرز جغرافیایی و نقش فاصله در این جنگ کمرنگ‌تر از جنگ‌های پیشین بود.

دینامیک رقابت در بسیاری از صنایع تاکنون اسیر جغرافیا و پیش‌فرض‌های برآمده از آن بوده و هست. اما درسی که از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه می‌توان گرفت این است که این دینامیک در آینده نزدیک به شدت دستخوش تغییر می‌شود. اجازه دهید با مثالی، این پدیده را شفاف کنم. بازار سلامت روان را در نظر بگیرید که تاکنون محلی بوده است. تمام بازیگران این صنعت هم محلی بوده‌اند. اما به زودی، شاید تا همین دو سال آینده، به دلیل پیشرفت هوش مصنوعی و فراگیر شدن دسترسی ارزان‌قیمت به آن، بخش عظیمی از این بازار در تمام دنیا به دست چند بازیگر جهانی خواهد افتاد. این یعنی فروپاشی یک شبه نظام بین‌المللی که در صدها سال شکل گرفته است. دقت کنید رقیب قدرتمند کلینیک سلامت روان در خیابان ولیعصر تهران، قرار نیست در خیابان فرشته تهران شکل بگیرد، بلکه قرار است از آن سوی دنیا سر برآورد. خدمات‌اش هم آنقدر کم هزینه باشد که دسترسی همگانی و گسترده‌تر از پیش به آنها شدنی شود. من اینجا به بازار سلامت روان به عنوان نمونه اشاره کردم. کمرنگ شدن مرز جغرافیایی و مرز صنعت‌ها و بازارها، در مواجهه با راهکارهای هوشمند و ارزان‌قیمت (بسیاری از صنایع) به ویژه بسیاری از کسب‌وکارهای محلی را در هم می‌کوبد. به زودی رقبایی ناشناخته، تاب‌آوری کسب‌وکار را به چالش می‌کشند.

از تمرکز تا عملکردی

اثر تحریم‌ها و مشکلات فروش نفت باعث شده که نهادها و سازمان‌های دولتی کاهش یابد. می‌توانم حدس بزنم که بخش دفاعی هم از این قاعده مستثنی نیست. احتمالاً کمبود بودجه یکی از مهم‌ترین بهانه‌های نپرداختن کافی به هوش مصنوعی بوده است. باز می‌توانم حدس بزنم که ملاحظات محرمانگی، بسیاری از پروژه‌های پیشنهادی در حوزه هوش مصنوعی را کند و زمین گیر کرده بود. وقتی خطر وجودی احساس و فرماندهان ارشد حذف شدند و وقتی آسمان کشورمان به دست جنگنده‌های دشمن افتاد، معلوم شد که برای گذشتن از همه این موانع، راهکارهایی می‌تواند وجود داشته باشد. معلوم شد که جایی برای دست‌دست کردن و تکیه بر موانع نیست. معلوم شد که باید اقدام کرد.

بیشتر مدیران کسب و کار در شرایط امروز اقتصاد ایران، درگیر هزار و یک مشکل و مانع هستند. محیط کسب و کار ایران به شدت نامناسب شده و مدیران ارشد روزگار سختی را سپری می کنند. اما خطر وجودی هوش مصنوعی به زودی از راه می رسد. آن روز معلوم می شود که می شد کاری کرد. حتی کوچک. حتی محدود. حتی با ابهام زیاد. اما می شد. دقت کنید که گاهی ضربه کسب و کاری آنچنان سنگین است که مجالی برای واکنش باقی نمی گذارد. پرداختن به هوش مصنوعی، مثل هر توانمندی جدید که سازمان به سراغ آن می رود، نیازمند زمان است. اما گاهی در لحظه مواجهه با تهدید وجودی، زمانی برای جبران گذشته وجود ندارد. از این رو، به جای تمرکز بر موانع، در پرداختن به هوش مصنوعی باید عمل گرایی مفرط را چاشنی کار قرار دهید.

از فناوری تا عنصر روایت ساز

برخلاف تصور، نقش هوش مصنوعی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه تنها به هدایت پهپادها و ریزپرنده ها محدود نبود. اطلاعاتی که به تدریج در رسانه ها راه یافت، نشان دادر پای هوش مصنوعی را می شد در تمامی ابعاد جنگ پیدا کرد. از تعیین راهبرد و اهداف گرفته تا موقعیت یابی فرماندهان و ضربه زدن به سکوها و پرتاب. از پایش شبکه های اجتماعی گرفته تا هک بانک های بزرگ. اما یکی از مهم ترین کاربردهای هوش مصنوعی، روایت سازی بود. در همان شب نخست، یکی از ویدئوهای هدف قرار گرفتن لانچر با کمک موتورهای تولید ویدئو هوش مصنوعی به دفعات از زوایا و شکل های مختلف بازآفرینی و به شکل گسترده در شبکه های اجتماعی منتشر شد. هدف القای این روایت بود که تعداد زیادی از لانچرها در همان شب نخست هدف قرار گرفتند که باعث ایجاد تزلزل و دودلی در جبهه مقابل شود. اگر جنگ تحمیلی اخیر را یک نمونه بدانیم، جنگ های آتی به شدت تحت تاثیر روایت سازی هوش مصنوعی است.

مدیران کسب و کار با نگاه به این تجربه بحرانی می توانند دریابند که اول، نقش هوش مصنوعی فقط به فرآیند تولید کالا یا ارائه خدمت محدود نمی شود. هوش مصنوعی تمامی ابعاد کسب و کار را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد. کافی است هوش مصنوعی بتواند مرکز تماس ۳۰۰ نفره یک شرکت خدمات سفر را به ۱۰ نفر کاهش دهد. کافی است دستیار هوش مصنوعی هیات مدیره بتواند ۱۰ درصد به دقت تصمیمات کمک کرده و از خطاهای آن بکاهد. کافی است دستیار مدیریت دانش منابع انسانی، ۱۰ درصد زمان واحد منابع انسانی هلدینگ بزرگ را آزاد کند و ۱۰ درصد از اشتباهات تصمیم گیری در این امور بکاهد. فهرست تمامی ندارد!

باید قدرت روایت سازی هوش مصنوعی را جدی گرفت. بنابراین محدود کردن نقش هوش مصنوعی به بخش فناوریانه و فنی کسب و کار، اشتباهی کشنده است. به همین دلیل واحد فناوری اطلاعات نمی تواند سکان دار تحول هوش مصنوعی در سازمان باشد.

از توازن شکننده تا انحصار نامتقارن

ایران و اسرائیل، هر دو سال ها بود که در وضع توازن شکننده قرار داشتند. اما یکی از طرف ها احساس کرد به ابزاری دست یافته که می تواند در نبرد، دست بالا را داشته باشد. فراموش نکنیم که بسیاری از جنگ ها در طول تاریخ از چنین حسی شروع شده است. اریک اشمیت (مدیرعامل سابق گوگل و یکی از راهبران اصلی هوش مصنوعی در آمریکا)، رقابت اصلی را نبرد برای دستیابی به «ابرهوش مصنوعی» توصیف می کند که به باور وی تا شش سال آینده محقق می شود. به بیان وی، هر بنگاه که زودتر به این پدیده دست پیدا کند به «انحصار نامتقارن» بسیار قدرتمند برای دهه ها دست می یابد. توجه کنید که مراد وی تنها انحصار قدرت نظامی نیست. کسب و کارهایی که در بازی هوش مصنوعی بازنده شوند، تضعیف نمی شوند. آنها به کلی حذف می شوند. این اتفاق سریع اتفاق می افتد. به زودی بازیگران مجهز به هوش مصنوعی و ابرهوش مصنوعی، توازن شکننده قدرت در بازارهای مختلف را برهم می زنند و به انحصار نامتقارن و جایگاهی دست نیافتنی می رسند. این پدیده محدود به صنعت خاص یا کشور خاص نیست. این داستان علمی-تخیلی نیست. این روایت تاب آوری است. کافی است جنگ تحمیلی اخیر را نمونه ای از آنچه خواهد آمد، ببینید.

چه می توان کرد؟

هر کدام از این هفت درسی که به آنها پرداختم، نکات اجرایی آشکاری دارند که احتمالاً نیازی به تکرار ندارند. اما اگر همه آنها را بخواهم چکیده و ترکیب کنم، احتمالاً گزاره ای به شرح زیر برای مدیران است: «فارغ از موفقیت ها یا مشکلات پیشین، مسیر ویژه با رهبری شخص مدیرعامل و منابع ویژه برای ارزش آفرینی عملی از هوش مصنوعی برای کسب و کارتان تعریف کنید. مدیر توانمند، سازنده، خطرپذیر و بلندپرواز برای پرچمداری این حوزه انتخاب کنید. هیچ بخشی از سازمان را از پذیرش هوش مصنوعی مستثنی نکنید. زمان را عامل اصلی بدانید و به جای ترسیم نقشه راه از ابتدا، به دنبال یادگیری در طول مسیر باشید. خروجی -محور عمل کنید، اما مراقب باشید که هوش مصنوعی را به زور به الگوی کسب و کار موجودتان اضافه نکنید. فراموش نکنید که هوش مصنوعی، برافکن و برهم زننده بازی است. در بازی آینده جایی مناسب برای کسب و کارتان دست و پا کنید.» / تجارت فردا

وضعیت بازرگانی محصولات کشاورزی و صنایع غذایی در ۶ ماهه ابتدایی سال بررسی شد:

کسری ۴۰۸ میلیارد دلاری تجارت کشاورزی و صنایع غذایی در نیمه نخست ۱۴۰۴

بررسی تجارت خارجی بخش کشاورزی و صنایع غذایی در شش ماه نخست سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که با وجود رشد نسبی صادرات، کسری تراز تجاری این بخش به ۴۸ میلیارد دلار افزایش یافته است؛ در حالی که صنایع غذایی با کاهش واردات و رشد صادرات توانسته‌اند تراز تجاری خود را بهبود بخشند.

سطح جهانی فراهم آورده و از سوی دیگر بخش عمده‌ای از درآمد حاصل از تولید و فرآوری محصولات کشاورزی وابسته به بازرگانی این محصولات در سطح جهان است. با توجه به تغییرات در روند عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی به دلیل بروز تغییرات جمعیتی، ترجیحات و تمایلات غذایی، رشد شهرنشینی، تغییرات الگوی مصرف و همچنین اثرگذاری غیرقابل پیش‌بینی تغییرات اقلیم بر الگوهای عرضه مواد غذایی نقش بازرگانی کالاهای کشاورزی در سالیان آتی در افزایش تاب‌آوری سیستم‌های کشاورزی و تامین پایدار امنیت غذایی افزایش خواهد یافت و بدون توجه به تجارت محصولات کشاورزی دستیابی به سیستم پایدار تولید محصولات کشاورزی و تامین امنیت غذایی امکان‌پذیر نخواهد بود.

ایران نیز در دهه‌های اخیر از یک‌سو با رشد فزاینده جمعیت، تغییرات الگوهای سکونت و افزایش شهرنشینی و ایجاد تغییرات در الگوهای غذایی مواجه شده و از سوی دیگر به دلیل بروز تغییرات اقلیمی، پایداری سیستم‌های تولید محصولات کشاورزی و نیز تامین امنیت غذایی پایدار در کشور با چالش‌هایی مواجه شده است. از این‌رو توجه به بازرگانی محصولات کشاورزی در راستای دستیابی به اهدافی مانند افزایش درآمد فعالان بخش کشاورزی، پایدار کردن سیستم تولید کشاورزی و ارتقای امنیت غذایی الزامی است. مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب اتاق ایران در گزارشی با عنوان «بازرگانی محصولات کشاورزی و صنایع غذایی در شش ماه ابتدایی سال ۱۴۰۴» به بررسی این موارد پرداخته است. در ادامه این متن خلاصه‌ای از این گزارش را می‌خوانیم:

افزایش ارزش صادرات به صورت نسبی

تراز تجاری محصولات کشاورزی و صنایع غذایی در شش ماه اول سال ۱۴۰۴ ۴/۸ میلیارد دلار بوده که نسبت به مدت مشابه در سال گذشته حدود ۱۰۰ میلیون دلار افزایش یافته است. این موضوع نشان از بدتر شدن تراز تجاری بخش کشاورزی و صنایع غذایی نسبت به سال گذشته دارد. افزایش کسری تراز تجاری در سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته ناشی از افزایش ۹ درصدی ارزش صادرات محصولات کشاورزی و

بخش کشاورزی و صنایع غذایی یکی از ارکان اصلی اقتصاد ایران است که علاوه بر تامین امنیت غذایی، نقش مهمی در ایجاد اشتغال، ارزآوری و توسعه پایدار ایفا می‌کند. در شرایطی که تغییرات اقلیمی، رشد جمعیت، تغییر الگوهای مصرف و فشارهای اقتصادی جهانی بر بازارهای داخلی و خارجی اثرگذارند، بررسی وضعیت تجارت خارجی این بخش اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. گزارش مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب اتاق ایران نشان می‌دهد که در نیمه نخست سال ۱۴۰۴، اگرچه صادرات محصولات کشاورزی و صنایع غذایی رشد نسبی داشته، اما حجم بالای واردات همچنان موجب تداوم کسری تراز تجاری شده است.

بازرگانی محصولات کشاورزی با توزیع و انتقال کارآمد محصولات از مناطقی که با مازاد محصولات به مناطقی که دارای کسری هستند نقش مهمی در اتصال سیستم غذایی کشورهای مختلف ایفا می‌کند. از این‌رو تجارت محصولات کشاورزی امکان دسترسی تمامی مصرف‌کنندگان به مواد غذایی کافی، سالم و مغذی را در

جدول ۲- تراز تجاری محصولات کشاورزی در شش ماه اول ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴

متغیر	شش ماهه اول ۱۴۰۳	شش ماهه اول سال ۱۴۰۴	نرخ تغییر
مقدار صادرات (میلیون تن)	۳,۶۱	۳,۴۸	-۴٪
مقدار واردات (میلیون تن)	۱۱,۸	۱۳,۳	۱۳٪
ارزش صادرات (میلیارد دلار)	۲,۴	۲,۶	۱۰٪
ارزش واردات (میلیارد دلار)	۷,۰۵	۷,۵۵	۷٪
تراز تجاری (میلیارد دلار)	-۴,۶	-۴,۹	۶٪

محاسبات مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی آب اتاق ایران بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران

لیست صادراتی‌ها

ارزش واحد کالاهای صادراتی بخش کشاورزی در دوره مورد بررسی در سال ۱۴۰۴ در حدود ۷۵۹ دلار به‌ازای هرتن بوده که نسبت به ارزش واحد ۶۶۵/۴ دلار سال ۱۴۰۳ در حدود ۱۴ درصد افزایش یافته است. در میان محصولات مختلف زعفران با ارزش واحد ۹۴۸ هزار دلار به‌ازای هرتن، خاویار با ارزش واحد ۶۵۳ هزار دلار به‌ازای هرتن، پسته و مغز آن با ۷۷/۷ هزار دلار، روده و بادکنک و شکمبه حیوانی با ارزش ۷۵ هزار دلار، روغن نباتی با ۴۶ هزار دلار به‌ازای هرتن و میگو با ارزش ۳۰۳ هزار دلار به‌ازای هرتن ارزشمندترین محصولات صادراتی بخش کشاورزی به‌حساب می‌آیند. مقایسه ارزش واحد ارزشمندترین محصولات صادراتی نسبت به سه‌ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۳ حاکی از این است که قیمت زعفران (۹ درصد)، خاویار (۱۵ درصد) و روغن نباتی (۲۶ درصد) افزایش یافته و درمقابل ارزش واحد پسته و مغز آن (۲۲ درصد) و روده و بادکنک و شکمبه حیوانی (۲۵ درصد) کاهش یافته و قیمت محصول میگو نیز نسبت به سال گذشته تغییری نداشته است.

مهم‌ترین مقاصد صادرات کالاهای کشاورزی ایران از منظر مقدار مورد بررسی قرار گرفته و در نموداریک نمایش داده شده است. براساس محاسبات صورت گرفته کشور عراق با سهم ۴۱ درصدی از کل مقدار صادرات کالاهای کشاورزی مهم‌ترین مقصد صادرات کالاهای کشاورزی ایران به‌حساب می‌آید و پس از آن کشورهای امارات متحده عربی (۲۲ درصد)، فدراسیون روسیه (۱۱ درصد)، افغانستان (۴ درصد) و پاکستان (۳ درصد) در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار دارند. پس از آن نیز کشورهای عمان، ترکمنستان، ترکیه، قطر و جمهوری آذربایجان با سهمی بین ۳ تا یک درصد از مقدار صادرات کالاهای کشاورزی در رتبه ششم تا دهم قرار گرفتند.

مقاصد صادراتی محدود به همسایگان!

نکته قابل توجه این است که تمامی کشورهای مقصد کالاهای صادراتی ایران از کشورهای

جدول ۳- تراز تجاری محصولات صنایع غذایی در شش ماه اول ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴

متغیر	شش ماهه اول سال ۱۴۰۳	شش ماهه اول سال ۱۴۰۴	نرخ تغییر
مقدار صادرات (هزار تن)	۶۴۶	۶۷۶	۵٪
مقدار واردات (هزار تن)	۱۰۰	۷۰	-۳۰٪
ارزش صادرات (میلیون دلار)	۵۴۷	۵۷۵	۵٪
ارزش واردات (میلیون دلار)	۵۸۰	۴۴۷	-۲۳٪
تراز تجاری (میلیون دلار)	-۳۳	۱۲۸	۲۸۹
سهم ارزش صادرات صنایع غذایی به کشاورزی و صنایع غذایی	۱۸,۵٪	۱۷,۹٪	-۳,۵٪
سهم ارزش واردات صنایع غذایی به کشاورزی و صنایع غذایی	۷,۶٪	۵,۶٪	-۲۶,۵٪

محاسبات مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی آب اتاق ایران بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران

صنایع غذایی درمقابل افزایش ۵ درصدی ارزش واردات محصولات در این بخش بوده است. در اینجا باید به این نکته توجه شود که باوجود اینکه ارزش صادرات محصولات کشاورزی و صنایع غذایی نسبت به واردات به‌طور نسبی افزایش بیشتری داشته اما به‌واسطه اینکه ارزش مطلق صادرات به مراتب کمتر از واردات بوده کسری تراز تجاری بخش کشاورزی نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته است.

مقدار و ارزش صادرات محصولات کشاورزی در شش ماه ابتدایی سال ۱۴۰۴ به ترتیب به ۳/۴۸ میلیون تن و ۲/۶ میلیارد دلار بوده که هر شاخص نسبت به مدت مشابه سال گذشته به‌ترتیب به‌میزان ۴ درصد کاهش و ۱۰ درصد افزایش یافته است. به عبارت دیگر در شش ماه نخست سال جاری محصولات کشاورزی ارزشمندتری از کشور صادر شده است. در میان محصولات صادراتی از منظر وزن به‌ترتیب: سایر سبزیجات (۲۸ درصد)، هندوانه و خربزه (۱۷ درصد)، شیر و فرآورده‌های آن (۱۲ درصد)، گوجه‌فرنگی تازه (۱۱ درصد)، سیب (۶ درصد)، سایر میوه‌های تازه (۵ درصد)، مرکبات (۳ درصد)، پیاز و موسیر تازه (۳ درصد)، سیب‌زمینی (۳ درصد) و خرما (۲ درصد) با مجموع سهم ۸۹ درصدی ۱۰ کالای برتر صادراتی از منظر وزن در شش ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۴ به‌حساب می‌آیند.

از منظر ارزش نیز محصولات: شیر و فرآورده‌های آن (۲۴ درصد)، پسته و مغز پسته (۱۴ درصد)، گوجه‌فرنگی تازه (۹ درصد)، سایر میوه‌های سبزیجات (۹ درصد)، هندوانه و خربزه (۷ درصد)، ماهی (۴ درصد)، زعفران (۴ درصد)، انگور خشک‌کرده (۳ درصد)، سیب (۳ درصد) و خرما (۳ درصد) در مجموع با سهم ۸۴ درصدی از کل ارزش صادرات ۱۰ محصول برتر صادراتی کشور در شش ماهه اول سال ۱۴۰۴ به‌حساب می‌آیند.

صدرنشینی زعفران، خاویار و پسته در

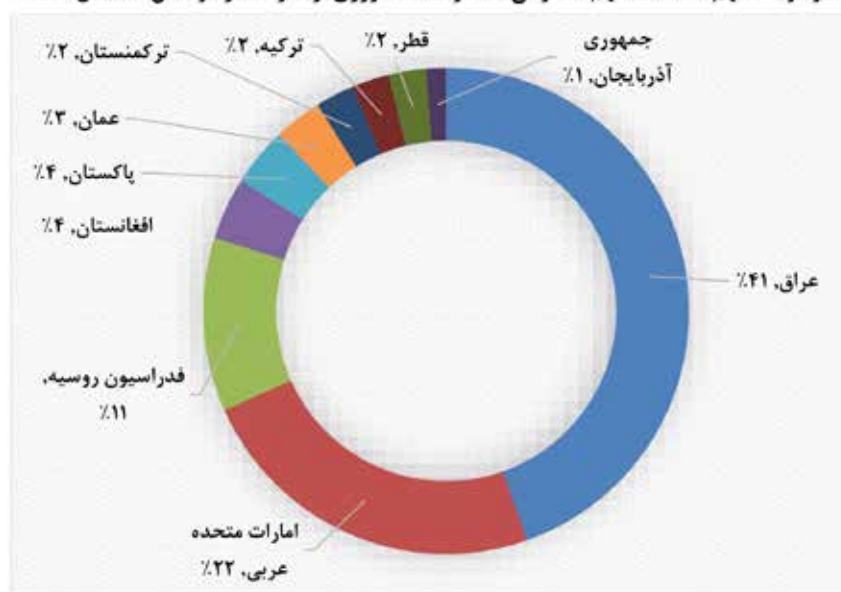
جدول ۱- تراز تجاری محصولات کشاورزی و صنایع غذایی در شش ماه اول ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴

متغیر	شش ماه اول ۱۴۰۳	شش ماه اول ۱۴۰۴	نرخ تغییر
مقدار صادرات (میلیون تن)	۴,۲۵	۴,۱۵	-۲٪
مقدار واردات (میلیون تن)	۱۱,۹۱	۱۳,۳۵	۱۲٪
ارزش صادرات (میلیارد دلار)	۲,۹۵	۳,۲۱	۹٪
ارزش واردات (میلیارد دلار)	۷,۶۲	۷,۹۹	۵٪
تراز تجاری (میلیارد دلار)	-۴,۷	-۴,۸	۲٪

محاسبات مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی آب اتاق ایران بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران

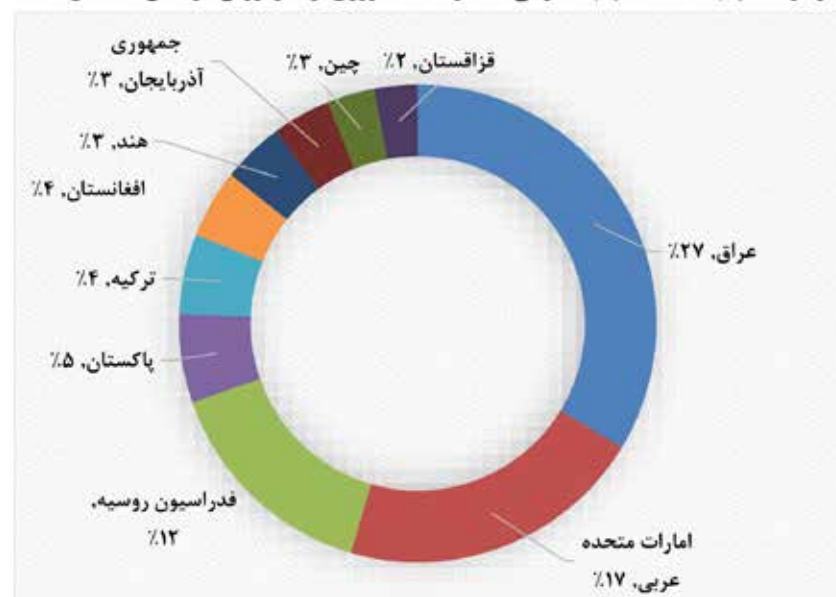
صادراتی صنایع غذایی از منظر مقدار نشان از این دارد که خوراک آماده دام و طیور با سهمی ۱۷۸ درصدی از مقدار صادرات صنایع غذایی در رتبه‌نخست قرار دارد و پس از آن رب گوجه‌فرنگی (۱۳ درصد)، انواع خمیرهای غذایی (۱۰۵ درصد)، انواع

نمودار ۱- سهم ده مقصد مهم صادراتی محصولات کشاورزی از نظر مقدار در شش ماه سال ۱۴۰۴



محاسبات مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی آب اتاق ایران بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۲- سهم ده مقصد مهم صادراتی محصولات کشاورزی از نظر ارزش در شش ماه سال ۱۴۰۴



محاسبات مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی آب اتاق ایران بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران

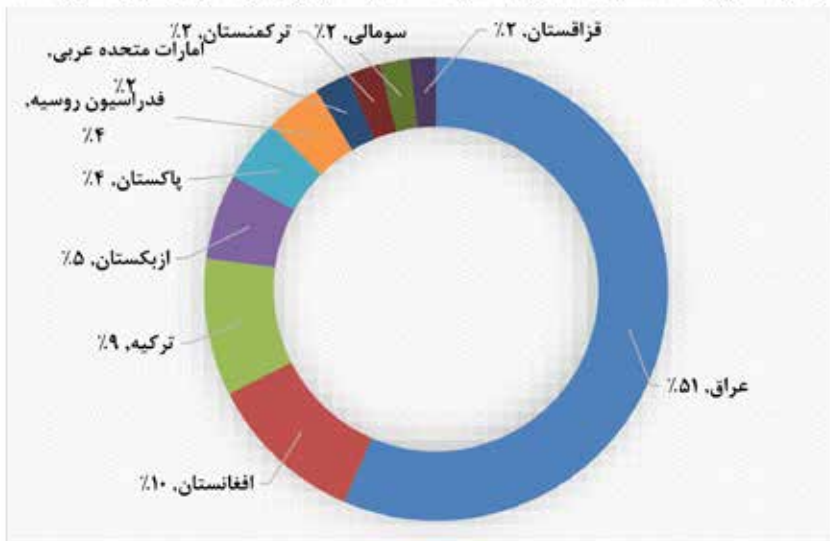
همسایه دارای مرز زمینی و دریایی هستند و تمامی کشورهای برتر مقصد صادراتی به‌استثنای کشور روسیه از جمله کشورهای آسیایی به‌حساب می‌آیند. به عبارتی بازار صادرات محصولات کشاورزی ایران به‌طور عمده به کشورهای همسایه محدود شده و در این بین کشورهای عراق و امارات متحده عربی سهم قابل توجهی را به خود اختصاص دادند.

مهم‌ترین مقاصد صادرات کالاهای کشاورزی ایران از نظر ارزش در شش ماه نخست سال ۱۴۰۴ در نمودار دو نمایش داده شده است. براساس محاسبات صورت گرفته کشور عراق با سهم ۲۷ درصدی از ارزش صادرات محصولات کشاورزی در رتبه‌نخست قرار دارد و پس از آن کشور امارات متحده عربی (۱۷ درصد)، فدراسیون روسیه (۱۲ درصد)، پاکستان (۵ درصد) و ترکیه (۴ درصد) به ترتیب در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار گرفتند. پس از آن نیز کشورهای افغانستان، هند، جمهوری آذربایجان، چین و قزاقستان با سهمی بین ۲ تا ۳ درصد در رده ششم تا دهم مهم‌ترین مقاصد صادراتی کالاهای کشاورزی از منظر ارزش به‌حساب می‌آیند. برخلاف مقدار صادرات تنوع کشورهای مقصد صادراتی از منظر ارزش متنوع‌تر است و علاوه بر کشورهای همسایه کشورهای نظیر هندوستان، چین و قزاقستان نیز سهمی از ارزش صادرات محصولات کشاورزی ایران را به خود اختصاص دادند.

وضعیت محصولات صنایع غذایی

مقدار صادرات محصولات صنایع غذایی در شش ماه نخست سال ۱۴۰۴ برابر ۶۷۶ هزار تن بوده که این مقدار نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۵ درصد افزایش یافته است. از منظر ارزش نیز صادرات محصولات گروه صنایع غذایی با افزایش ۵ درصدی از ۵۴۷ میلیون دلار در شش ماه نخست سال ۱۴۰۳ به ۵۷۵ میلیون دلار در مدت مشابه سال ۱۴۰۴ رسیده است. بررسی مهم‌ترین کالاهای

نمودار ۳. سهم ده مقصد مهم صادراتی محصولات صنایع غذایی از نظر مقدار در شش ماه اول ۱۴۰۴



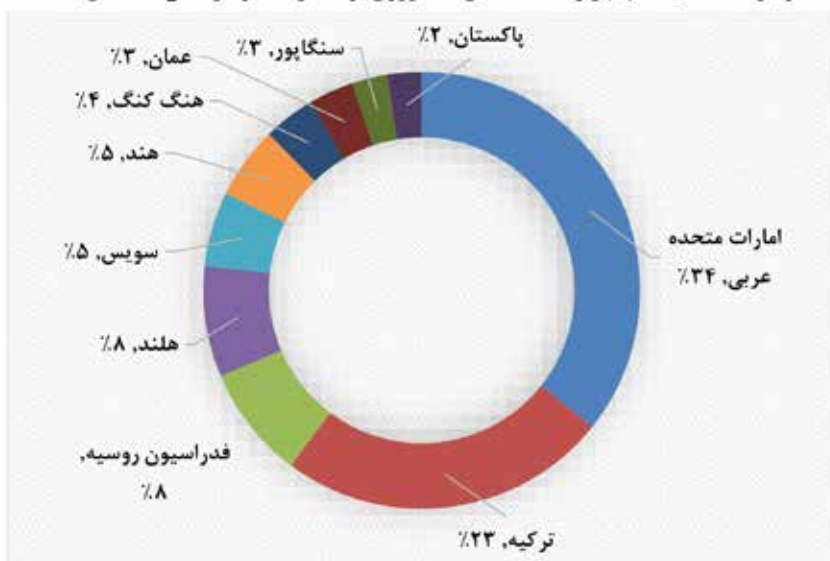
محاسبات مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی آب اتاق ایران بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران

گروه سوسیس و انواع گوشت‌های کنسرو شده و فرآورده‌های غذایی مرکب و هموژنیزه به ترتیب با ارزش واحد ۲۸۷۵ و ۲۶۵۷/۲ دلار در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. از سوی دیگر گروه محصولی انواع شربت قند، آرد گندم و انواع سرکه خوراکی به ترتیب با ارزش واحد ۲۶۷۹، ۳۸۵/۵ و ۵۳۴/۹ دلار به‌ازای هر تن کم‌ارزش‌ترین محصولات صادراتی گروه صنایع غذایی به حساب می‌آیند.

عراق و افغانستان، مهم‌ترین مقاصد صادراتی

مهم‌ترین کشورهای مقصد صادراتی محصولات صنایع غذایی در شش‌ماه‌نخست سال ۱۴۰۴ از منظر مقدار در نمودار ۳ نمایش داده شدند. بر این اساس کشور عراق با سهم ۵۱ درصدی از مقدار صادرات صنایع غذایی نخستین مقصد صادرات این کالاها به حساب می‌آید و پس از آن به ترتیب کشورهای افغانستان با سهم ۱۰ درصد، ترکیه با سهم ۹ درصد، ازبکستان با سهم ۵ درصد و پاکستان با سهم ۴ درصد در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار گرفتند. باقی مقاصد صادراتی کالاها صنایع غذایی در شش‌ماه‌نخست سال جاری سهمی کمتر از ۴ درصد را به خود اختصاص دادند. بررسی مقاصد صادراتی کالاها صنایع غذایی نشان

نمودار ۵. ده مبدأ مهم واردات کالاهای کشاورزی از منظر مقدار در شش ماه سال ۱۴۰۴



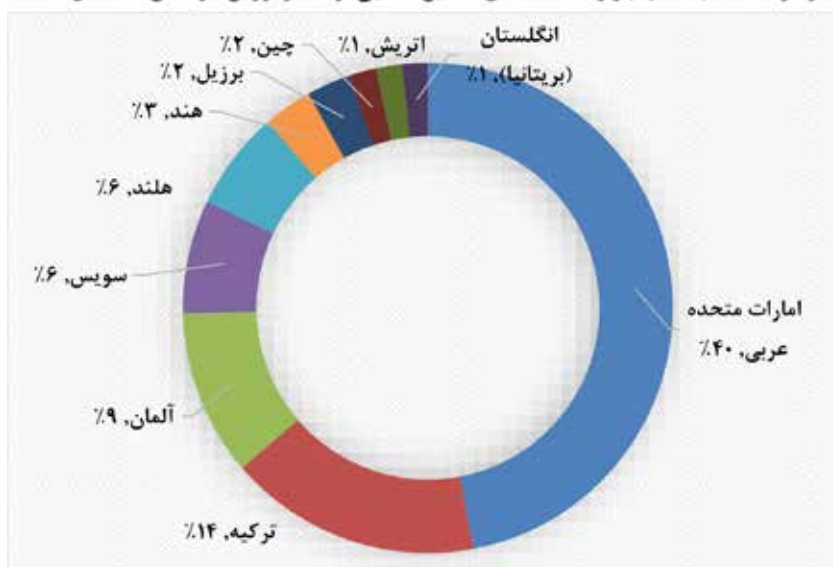
محاسبات مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی آب اتاق ایران بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران

آبمیوه و کمپوت (۱۰۳ درصد)، بیسکویت و ویفر (۹۱ درصد)، شیرینی‌وشکلات بدون کاکائو (۶۵ درصد)، سیب‌زمینی آماده یا محفوظ‌شده (۶۳ درصد)، سایر سبزیجات محفوظ‌شده (۵۶ درصد)، مربا، ژله و مارمالاد (۵۲ درصد) و آب معدنی و نوشابه (۴ درصد) با سهمی ۸۷ درصدی از کل مقدار صادرات در رده‌های دوم تا دهم قرار گرفتند.

از نظر ارزش صادرات محصول خوراک آماده دام و طیور ارزآوری بالغ بر ۹۹ میلیون دلار در شش‌ماه‌نخست سال ۱۴۰۴ داشته و سهمی ۱۷ درصدی از کل ارزش صادرات صنایع غذایی را به خود اختصاص داده است. پس از آن محصولات انواع آبمیوه و کمپوت با ارزش صادرات ۵۲/۹ میلیون دلار و سهم ۹ درصدی، رب گوجه‌فرنگی با ارزش صادرات ۴۷ میلیون دلار و سهم ۸ درصدی، بیسکویت و ویفر با ارزش صادرات ۴۶۸ میلیون دلار (۸ درصد) و شیرینی و شکلات بدون کاکائو با ارزش ۴۳۶ میلیون دلار (۸ درصد) پنج محصول اصلی ارزآور در گروه کالاها صنایع غذایی محسوب می‌شوند. پس از این محصولات انواع خمیرهای غذایی (۷ درصد)، سیب‌زمینی‌های آماده و محفوظ‌شده (۶ درصد)، مربا، ژله و مارمالاد (۶ درصد)، سایر سبزیجات آماده یا محفوظ‌شده (۶ درصد) و بستنی (۶ درصد) جزو ۱۰ محصول ارزآور تولیدات صنایع غذایی می‌باشند و در مجموع سهمی ۸۱ درصدی از کل ارزش صادرات محصولات صنایع غذایی را به خود اختصاص دادند.

متوسط ارزش واحد کالاها صادراتی صنایع غذایی در شش‌ماه‌نخست سال ۱۴۰۴ برابر ۸۵۰۰۲ دلار به‌ازای هر تن بوده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشدی ۰/۵ درصدی را به ثبت رسانده است. در میان محصولات صادراتی فرآورده‌های غذایی برای تغذیه کودکان با ارزش واحد ۳۱۵۷/۲ دلار به‌ازای هر تن گران‌ترین محصول صادراتی صنایع غذایی محسوب می‌شود و پس از آن

نمودار ۸. ده مبدأ مهم واردات کالاهای صنایع غذایی از منظر ارزش در شش ماه سال ۱۴۰۴



محاسبات مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی آب اتاق ایران بر مبنای داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران

دلار رسیده است.

- صادرات محصولات کشاورزی از نظر ارزش رشد داشته اما از نظر مقدار کاهش یافته است.

- صنایع غذایی عملکرد مثبت‌تری داشته و با کاهش واردات، تراز تجاری آن بهبود یافته است.

- تمرکز صادرات همچنان بر کشورهای همسایه است و نیاز به تنوع‌بخشی بازارهای صادراتی و ارتقای ارزش افزوده محصولات بیش از پیش احساس می‌شود. برای آینده، سیاست‌گذاران باید بر توسعه صنایع فرآوری، حمایت از تولیدکنندگان داخلی، کاهش وابستگی به واردات نهاده‌ها و گسترش بازارهای صادراتی تمرکز کنند تا بخش کشاورزی و صنایع غذایی بتواند نقش مؤثرتری در اقتصاد ملی ایفا کند.

از این دارد که به‌استثنای کشور سومالی و قزاقستان سایر کشورهای مقصد از جمله کشورهای همسایه به حساب می‌آیند.

در نمودار چهار کشور مقصد مهم صادرات کالاهای صنایع غذایی کشور از منظر ارزش ارائه شده است. بر این اساس کشور عراق با سهم ۵۱ درصدی از ارزش صادرات محصولات صنایع غذایی کشور مهم‌ترین مقصد این گروه کالاها به حساب می‌آید و پس از آن کشورهای افغانستان، ترکیه، ازبکستان و پاکستان به ترتیب با سهم ۹، ۵، ۸، ۵ درصدی در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار گرفتند. سهم سایر کشورهای مقصد صادرات کالاهای صنایع غذایی کشور از جمله امارات متحده عربی، فدراسیون روسیه، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و قزاقستان به‌طور نسبی اندک بوده و سهمی کمتر از ۴ درصد از ارزش صادرات را به خود اختصاص دادند.

تحلیل عوامل مؤثر

مطالعات نشان می‌دهد که چند عامل کلیدی در وضعیت تجارت کشاورزی و صنایع غذایی ایران نقش آفرینی کرده‌اند: - تمرکز صادرات بر کشورهای همسایه و محدودیت در دسترسی به بازارهای جهانی.

- افزایش ارزش واحد کالاهای صادراتی مانند زعفران، خاویار و روغن نباتی که توانسته بخشی از کاهش مقدار صادرات را جبران کند.

- کاهش واردات صنایع غذایی به دلیل محدودیت‌های ارزی و سیاست‌های حمایتی داخلی.

- افزایش واردات نهاده‌های کشاورزی مانند غلات و روغن نباتی که وابستگی بالای کشور به واردات این کالاها را نشان می‌دهد.

جمع‌بندی و چشم‌انداز

بررسی تجارت محصولات کشاورزی و صنایع غذایی در نیمه نخست سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد:

- کسری تراز تجاری بخش کشاورزی و صنایع غذایی افزایش یافته و به ۴۸ میلیارد





گردشگری روسیه در سال ۲۰۲۵

زهرای پزشکی

"بیابید سفر کنیم" نام انجمن بین المللی صنعت گردشگری روسیه است که رویداد اصلی و مهم صنعت گردشگری و مهمان‌نوازی روسیه محسوب می‌شود. این انجمن فضای اصلی پروژه‌های توسعه صنعت گردشگری و بزرگترین جشنواره گردشگری روسیه است که در قالب‌های سفر مدرن، استفاده از فرصت‌های تعطیلات در کشورهای دوست و فرصت‌های فرهنگی و سنتی مردم سراسر جهان به فعالیت می‌پردازد و همه ساله متخصصان صنعتی و مخاطبان گسترده‌ای از سرتاسر جهان را گرد هم می‌آورد. هدف مهم این صنعت تبدیل نمودن مشتریان انفرادی به سازندگان محصولات و خدمات گردشگری برای معرفی فناوری‌های مدرن و سفرهای فراموش‌نشدنی به مخاطبین سراسر جهان است. این گزارش قصد دارد تا مخاطبین خود را با این انجمن و برنامه‌های آن آشنا نماید.

اهمیت صنعت گردشگری روسیه

طبق گزارش سرویس آمار ایالتی فدراسیون روسیه و دولت روسیه، ۷۹.۲ میلیون سفر توریستی در سال ۲۰۲۴ انجام شده که ۱۱ درصد در مقایسه با سال قبل یعنی ۲۰۲۳ افزایش داشته است. طبق همین آمار ۸.۷۶ میلیون گردشگر خارجی در سال ۲۰۲۴ به روسیه سفر نموده و ۲۱.۱ میلیون شهروند روسی به کشورهای دیگر مسافرت توریستی انجام داده‌اند.

انجمن "بیابید سفر کنیم" هر ساله گردهمایی‌های خوبی را برای گردشگران خارجی تدارک می‌بیند که به حق همگی رویدادهای کلیدی صنعتی و فرصت‌هایی هیجان‌انگیز برای تمامی دوستداران تفریحات سالم محسوب می‌شوند. در عین حال این انجمن در کنار این گردهمایی‌ها به سازماندهی برنامه‌های گسترده نمایشگاهی، تجاری و جشنواره‌ای که به شرکت‌کنندگان و مهمانان خود اجازه می‌دهند تا در مورد این صنعت اطلاعات کسب نموده و مسیرهای جدید گردشگری را در روسیه کشف نمایند، هم می‌پردازد.

صنعت گردشگری روسیه از این جهت که به شکل یک قالب نوآورانه به گردشگران خارجی ارائه می‌گردد، اهمیت زیادی برای این کشور و گردشگران دارد. این صنعت همه ساله برگزارکننده یک جشنواره بزرگ گردشگری برای مسافران خود است که تصمیمات راه‌بردی برای توسعه آن و تقویت همکاری‌های بین‌المللی در انجمن آن گرفته می‌شوند. جشنواره هر سال رویدادهای شبکه‌ای بزرگ از سن پترزبورگ گرفته تا کامچاتکا، پروژه‌های ویژه با شرکت و رسانه‌ها، پروژه‌های دیجیتال، پادکست‌ها، خلاصه‌ها، مسابقات و جوایز را در خود جای می‌دهد.

در حال حاضر وزیر صنعت گردشگری روسیه دیمیتری پرنیشنکو است که ریاست کمیته انجمن بین‌المللی گردشگری روسیه را نیز بر عهده دارد.

برنامه ریزی‌های صنعت گردشگری روسیه با توجه به مدت زمان و ابعاد برنامه‌ها؛ هم‌افزایی‌های تجاری، نمایشگاهی و جشنواره‌ای؛ تعداد بازدیدکنندگان و سخنرانان برنامه‌های تجاری؛ وضعیت شرکت‌کنندگان؛ تنوع مدل‌های تجاری ارائه شده G2C و G2G، G2B، B2B، B2C؛ تعداد جلسات برگزار شده و توافق‌نامه‌های امضا شده؛ هر ۸۹ منطقه روسیه و پوشش جغرافیایی و بین‌المللی؛ جشنواره‌ها و برنامه‌های فرهنگی و تنوع در موضوعات و قالب‌ها انجام می‌گیرند.

مأموریت صنعت گردشگری روسیه

صنعت گردشگری روسیه به دنبال تشویق همکاری‌های بین‌سازمانی، بین منطقه‌ای و بین‌المللی در این صنعت و توسعه و پیشرفت منطقه‌ای است. این صنعت با ترویج گردشگری مدرن در روسیه و سراسر جهان در صدد است تا گردشگری مستقل را به



در قالب ۱۱ نوع گردشگری به مخاطبان است.

شرکت کنندگان گردهمایی های این صنعت در سال ۲۰۲۵، ۵۰۰ هزار بازدیدکننده از ۳۰ کشور اعم از کشورهای زیمبابوه، تایلند، اوگاندا و ازبکستان، کوبا و غیره؛ ۱۱۰ مقام ارشد، رؤسای سازمان های بین المللی و نمایندگان هیئت های دیپلماتیک؛ ۳۰۰ تن از نمایندگان شرکت های روسی و بین المللی و همچنین مقامات دولتی و ۲۳۴ تن از نمایندگان رسانه ای بوده اند.

قالب های مشارکت در این گردهمایی هانیز می توانند با عنوان همکار، کشور همکار، همکار عمومی، همکار رسمی، همکار جشنواره، منطقه همکار، همکار برنامه فرهنگی، شهر همکار، همکار برنامه تجاری، همکار پادکست، همکار جلسه، همکار مراسم اهدای جوایز، همکار برگزار کننده و همینطور غرفه دار، سخنران و نماینده تعریف بشوند.

مزایای مشارکت در برنامه های صنعت گردشگری روسیه

صنعت گردشگری روسیه با برگزاری هدفمند برنامه ها به دنبال گسترش مشارکت ها و امضای توافق نامه ها، تقویت روابط عمومی، تقویت برند، جذب سرمایه گذار برای توسعه کسب و کار، آزمایش و عرضه یک محصول جدید برای گروه های مختلف هدف، تبلیغ و فروش خدمات، گسترش پایگاه مشتریان، جلب توجه نمایندگان رسانه ها و وبلاگ نویسان شاغل در انجمن است. در این راستا هر کشوری که حضور فعال در این صنعت داشته باشد در فهرست شرکت کنندگان دائمی انجمن گردشگری قرار خواهد گرفت و اولین پیشنهادهای سودمند برای مشارکت با شرکا را دریافت خواهد کرد. به علاوه از فرصت های شرکت در گفتگوی آزاد بین کسب و کارها و دولت با مشارکت مقامات ارشد دولتی، شرکت های پیشرو، رؤسای نهادهای تشکیل دهنده فدراسیون روسیه و تنظیم کنندگان کلیدی صنعت برخوردار خواهد گردید. رویدادها نیز در برنامه های تجاری یا سخنرانی پیرامون مباحث تخصصی مجمع فدرال گردشگری و مهمان نوازی به میزبانی کنفرانس مطبوعاتی با مشارکت شرکا

گردشگری راحت و بی دردسر مبدل نماید. همچنین صنعت گردشگری روسیه به دنبال ایجاد فضایی برای ارتباط و گفتگو بین روسیه و شرکای خارجی آن است تا در آن به بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل کلیدی این صنعت و تدوین توصیه هایی برای سازمان های دولتی و مشاغل پردازد. این صنعت به نوعی یکی از ترویج کنندگان سیاست های دولت در امور مربوط به گردشگری داخلی است که تبلیغات پیرامون رویدادهای ملی اعم از پروژه های صنعت گردشگری و مهمان نوازی را در دستور کار خود دارد. از مأموریت های بزرگ این صنعت، کمک به ایجاد فضای مطلوب برای سرمایه گذاری و توسعه زیرساخت های گردشگری، ادغام مشاغل کوچک و متوسط در صنعت مهمان نوازی، ارائه آموزش در بستر ساز و کارهای دستیابی به تأمین مالی و مدیریت هدفمند شرکت ها و پروژه ها، تشویق به توسعه گردشگری خودرو و ارائه قالب های مدرن سفر با ایجاد تصاویری محبوب و جذاب از سفر در روسیه و ترویج ابزارهای دیجیتال برای برنامه ریزی در سفر



و آژانس‌های گردشگری مسئول سازماندهی و اجرای سفرهای خارجی و ۸۹ منطقه از گنج‌نایده می‌شوند.

فدراسیون روسیه، برگزارکنندگان جشنواره‌ها و رویدادها، اماکن اقامتی، موزه‌ها، مقامات اجرایی مناطق روسیه و تولیدکنندگان سوغات و کالاها مسئول سازماندهی و اجرای سفرهای داخلی هستند.

مسئولیت نمایشگاه‌ها، به نمایش درآوردن انواع گردشگری فعال و در حال توسعه و طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های تفریحی در روسیه است. نمایشگاه‌ها معمولاً برای سهولت در پیمایش، به صورت گروه‌بندی شده و اصطلاحاً جزیره‌ای و در قالب گردشگری خودرو، گردشگری فعال، گردشگری بچه‌ها و خانواده، گردشگری با قطار و کشتی، گردشگری فرهنگی و آموزشی، گردشگری جوانان و علوم متداول، گردشگری سلامت، تعطیلات ساحلی، گردشگری صنعت، گردشگری روستایی و گردشگری محیط زیست و طبیعت به فعالیت می‌پردازند.

از این رو غرفه‌ها و فضاهای باز، راه کارهای چندمنظوره با سازه‌ها و یا چادر برای اماکن اقامتی، زیرساخت‌های سیار (خانه‌های قایقی، کامیون‌های غذا و غیره)، مازول‌های بهداشتی، تجهیزات کمپینگ (ایستگاه‌های خدمات و غیره)، روشنایی، محوطه‌سازی و ناوبری، حمل و نقل توریستی (اتوبوس و مینی‌ون)، تولیدکنندگان تجهیزات مرکز اسکی و تیوب سواری را برای بازدیدکنندگان نمایشگاه به نمایش درمی‌آورند. داخل غرفه‌ها نیز پروژه‌های گردشگری برای سرمایه‌گذاری در مناطق و کسب و کارها، آژانس‌های طراحی و مشاوره، راه کارهای فرانچایز برای توسعه منطقه‌ای، هتل‌ها و شرکت‌های مدیریتی، بانک‌ها و برنامه‌های مالی برای کسب و کارها، پشتیبانی و جشنواره‌های گردشگری برای شرکت‌کنندگان به نمایش درمی‌آید.

شرکت‌کنندگان تورهای خودرو، فعال و محیط زیست و طبیعت معمولاً تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان خودرو، موتورسیکلت، خانه‌های سیار و تریلرهای مسکونی (کمپرها)،

شرکای می‌توانند از فرصت میزبانی بیش از ۵۰۰ هزار نفر مخاطب خصوصی برای تبلیغ برند یا محصول خود، تعامل مستقیم با مشتری، دریافت بازخورد و گسترش پایگاه مشتریان با مشتریان با کیفیت برخوردار گردند. آن‌ها در این فضا از پشتیبانی جامع اطلاعات برای حداکثر دیده شدن برخوردار خواهند بود. این فضا راهی برای گسترش و تبادل موفقیت آمیز اطلاعات در زمینه ارتباطات تجاری درون شبکه‌ای بر گرفته از متخصصان به ویژه متخصصان صنعت گردشگری و همچنین بیش از ۲۰ صنعت مرتبط است که در آن از شرکای تجاری و همچنین رویدادهای تجاری شرکت برای حضور در برنامه‌های این صنعت دعوت به عمل خواهد آمد.

اجرای برنامه های صنعت گردشگری روسیه

دفاتر ملی گردشگری، مراکز اطلاعات گردشگری، اقامتگاه‌ها، تورگردانان محلی





کنندگان می توانند در کلاس های یوگا، رقص های محلی سنتی و ورزش های ملی حضور داشته و با آیین های سنتی روسیه آشنا شوند. در سالن های سخنرانی هم شرکت کنندگان داستان های الهام بخش را از زبان و بلاگ نویسندگان بر جسته و رهبران فکری خواهند شنید. از دیگر بخش های اجرایی می توان به سینمای روباز اشاره کرد که به نمایش پروژه های منحصر به فرد در مورد گردشگری روسیه و فیلم های خانوادگی در مورد سفر و تفریح می پردازد.

کار دفاتر پذیرش، ایجاد گفتگوی مؤثر بین کسب و کارها و دولت برای کمک به از میان برداشتن مسائلی است که بر دستیابی به نتایج پروژه ملی صنعت گردشگری و مهمان نوازی تأثیر می گذارند. از این رو انجمن گردشگری روسیه به دستور وزیر توسعه اقتصادی فدراسیون روسیه و معاون رئیس کمیته سازماندهی انجمن بین المللی گردشگری، ماکسیم رشتنیکوف، بستری را برای بحث در مورد مسائل فوری مانند جذب سرمایه گذاری برای پروژه های گردشگری، ایجاد منبعی برای استعداد و خلاقیت در صنعت، تأثیر گردشگری بر توسعه منطقه ای، فناوری های دیجیتال در گردشگری و برند بین المللی گردشگری روسیه فراهم نموده است.

بنیاد راسکونگرش (Roscongress Foundation) نیز یک نهاد توسعه ای غیر مالی با گرایش اجتماعی و برگزار کننده اصلی کنوانسیون ها، نمایشگاه ها و رویدادهای تجاری، عمومی، جوانان، ورزشی و فرهنگی در سطح ملی و بین المللی است که به دستور رئیس جمهور روسیه تأسیس شده است. این بنیاد هر ساله پذیرای بیش از ۵ هزار شرکت کننده داخلی و منطقه ای از ۲۰۹ کشور و بیش از ۱۵ هزار متخصص و نماینده رسانه ای است. این بنیاد ۲۱۲ شریک اقتصادی خارجی و انجمن مالی، تجاری و بازرگانی در ۸۶ کشور دارد و ۲۹۳ سازمان عمومی، مقام فدرال و مناطق فدراسیون روسیه در آن در حال فعالیت هستند.

منبع:

<https://rustravelforum.com/en/media/news/let-s-travel-russian-tour-ism-forum-going-international>

امکانات اقامتی برای مسافران خودرو (کمپینگ، گلیمپینگ و متل)، اجاره خودرو، موتورسیکلت و خانه های سیار، و خدمات اشتراک خودرو و اجاره و فروش تجهیزات و لوازم سفر با خودرو و تورگردانان و کلپ های تخصصی سازماندهی سفرهای خودرو و موتورسیکلت هستند. شرکت کنندگان تورهای سلامت، ساحلی، کروزر و روستایی، تورگردانان ریلی، رودخانه ای و دریایی، مراکز و استراحتگاه های سلامت و آب گرم، پارک های آبی، هتل ها و سایر اقامتگاه ها، مزارع، مراکز گردشگری، تورهای تعطیلات ساحلی و تورهای تخصصی و گشت و گذار و آژانس های گردشگری می باشند. شرکت کنندگان هم در برنامه های فرهنگی، آموزشی، صنعتی، خانوادگی، میهن پرستانه و کودکان و نوجوانان و غیره حضور خواهند داشت.

از دیگر بخش های اجرایی می توان به نمایش و فروش سوغاتی ها و کالاهای گردشگری، کلاس های آموزشی، قرعه کشی و مسابقه، بخش های عکاسی، نمایش مد صنایع خلاق، اجراهای رقص و آواز، اجرای تئاتر و نمایش در مقیاس بزرگ، برنامه های نمایشی (سیرک، نور و سایر قالب های نمایشی) و شوی لباس اشاره کرد. در بخش های اجرایی محلی نیز شرکت



پاشنه آشیل گردشگری سلامت

چالش‌ها، نبود متولی واحد و نظام تصمیم‌گیری یکپارچه است. وزارت بهداشت بر جنبه‌های درمانی و پزشکی تمرکز دارد، وزارت گردشگری خود را متولی سفر و اقامت می‌داند و وزارت امور خارجه عمدتاً از زاویه صدور روادید و روابط دیپلماتیک به موضوع نگاه می‌کند. در این میان بیمارستان‌ها و مراکز درمانی نیز هریک سیاست‌های مستقل بازاریابی و جذب بیمار خارجی را دنبال می‌کنند. این چندپارگی موجب شده زنجیره گردشگری سلامت از مرحله معرفی و بازاریابی تا درمان، اقامت و پیگیری پس از درمان به صورت منسجم عمل نکند. چالش دیگر نقش پررنگ دلالتان و واسطه‌های غیررسمی در این حوزه است. نبود سازوکار شفاف و رسمی برای معرفی خدمات گردشگری سلامت، زمینه را برای فعالیت واسطه‌هایی فراهم کرده که اغلب خارج از نظارت نهادهای مسوول عمل می‌کنند. این وضعیت نه تنها به اعتبار بین‌المللی گردشگری سلامت ایران آسیب می‌زند بلکه می‌تواند حقوق بیماران و گردشگران خارجی را نیز با مخاطره مواجه کند. ضعف بازاریابی بین‌المللی یکی دیگر از مشکلات اساسی این حوزه است. گردشگری سلامت نیازمند بازاریابی هدفمند، داده‌محور و متناسب با بازارهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است؛ امری که تاکنون کمتر به صورت منسجم دنبال شده است. ایران با وجود توانمندی‌های پزشکی، حضور کم‌رنگی در بازارهای رسمی گردشگری سلامت دارد و اغلب از طریق شبکه‌های غیررسمی یا روابط فردی معرفی می‌شود. از سوی دیگر نبود استانداردهای مشترک میان نهادهای مرتبط و فقدان نظام ارزیابی شفاف، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را دشوار کرده است. مجموعه این عوامل سبب شده گردشگری سلامت ایران با وجود ظرفیت‌های قابل توجه نتواند جایگاه متناسبی در بازار منطقه‌ای به دست آورد.

دیپلماسی گردشگری در خدمت بازاریابی سلامت

در چنین بستری برگزاری پنجمین نشست کمیته فنی مشترک همکاری‌های گردشگری ایران و ارمنستان در ایروان را می‌توان تلاشی در راستای تقویت ابعاد بیرونی و بازاریابی منطقه‌ای گردشگری از جمله گردشگری سلامت ارزیابی کرد. این نشست با حضور مقام‌های ارشد دو کشور برگزار شد و توسعه همکاری‌های گردشگری، تسهیل سفر و افزایش تبادلات دوجانبه را دنبال کرد. هیات ایرانی به ریاست معاون گردشگری و با همراهی مدیرکل بازاریابی و توسعه گردشگری خارجی و مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان آذربایجان شرقی در این نشست حضور داشتند. در جریان این مذاکرات، گفت‌وگوهایی نیز با معاون وزیر بهداشت ارمنستان انجام شده که یکی از محورهای آن همکاری در حوزه گردشگری سلامت، گردشگری پزشکی، مراکز تندرستی و خدمات مرتبط بوده است.

گردشگری سلامت در ایران به سبب نیروی انسانی متخصص و خدمات درمانی متنوع، هزینه‌های رقابتی، پراکندگی جغرافیایی مراکز درمانی و پیوند آن با سایر گونه‌های گردشگری از ظرفیت بالقوه بالایی برخوردار است. با این حال مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و مدیریتی موجب شده این ظرفیت‌ها به طور کامل بالفعل نشود.

حضور واسطه‌ها و دلالتان غیررسمی، ضعف در بازاریابی هدفمند، نبود مدیریت یکپارچه و اقدامات جزیره‌ای نهادهای مرتبط از جمله وزارت بهداشت، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، وزارت امور خارجه و حتی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی از مهم‌ترین موانع توسعه منسجم گردشگری سلامت در کشور به شمار می‌رود. مشکل اینجاست که هریک از این نهادها به صورت مستقل عمل می‌کنند و فقدان هماهنگی میان آنها مسیر شکل‌گیری یک زنجیره منظم و قابل اعتماد گردشگری سلامت را با اختلال مواجه کرده است.

با این همه در سال‌های اخیر تمرکز و توجه بیشتری روی گردشگری سلامت در کشور صورت گرفته و همین امر امید به بهبود وضعیت در این حوزه را بیش از سال‌های قبل کرده است.

چالش‌های گردشگری سلامت در ایران گردشگری سلامت در ایران بیش از آنکه با کمبود ظرفیت مواجه باشد، با چالش‌های مدیریتی روبه‌رو است. یکی از اصلی‌ترین



کمبود ظرفیت وابسته باشد، به اصلاح ساختارها و سیاستگذاری‌ها نیاز دارد. رویدادهایی مانند نشست مشترک ایران و ارمنستان می‌توانند به بهبود دیپلماسی گردشگری و تقویت بازاریابی منطقه‌ای کمک کنند اما بدون حل چالش‌های درونی، تاثیر آنها محدود خواهد بود.

ایجاد مدیریت یکپارچه، تعیین متولی مشخص، ساماندهی نقش بخش خصوصی، حذف واسطه‌های غیررسمی و طراحی نظام بازاریابی هدفمند، پیش شرط‌های توسعه پایدار گردشگری سلامت در ایران است. در غیر این صورت همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای بیشتر جنبه نمادین پیدا می‌کند و به تحول ساختاری منجر نخواهد شد. گردشگری سلامت، حوزه‌ای میان‌بخشی است که موفقیت آن در گرو هم‌افزایی واقعی میان نهادهای داخلی و تعامل هوشمندانه با کشورهای هدف است. اگر این هم‌افزایی شکل بگیرد، ظرفیت‌های موجود می‌تواند به مزیت رقابتی تبدیل شود در غیر این صورت فرصت‌ها همچنان در سطح بالقوه باقی خواهند ماند.



چنین تعاملاتی در صورتی که در چارچوب یک سیاست منسجم ملی تعریف شود، می‌تواند به بهبود بازاریابی منطقه‌ای گردشگری سلامت ایران کمک کند به‌ویژه از منظر معرفی ظرفیت‌های درمانی ایران در بازارهای همسایه و ایجاد مسیرهای رسمی و شفاف همکاری. با این حال تاثیرگذاری این اقدامات به میزان هماهنگی آنها با سیاست‌های داخلی و اصلاح ساختارهای موجود بستگی دارد.

واکاوای ابعاد همکاری‌های گردشگری با کشور همسایه

در کنار گردشگری سلامت سایر موضوعات مطرح‌شده در نشست نیز واجد اهمیت هستند. توسعه گردشگری جاده‌ای میان ایران و ارمنستان به‌عنوان یکی از راهکارهای افزایش تبادل گردشگر مورد بررسی قرار گرفته است. سفرهای جاده‌ای به دلیل سهولت دسترسی، هزینه کمتر و امکان تعامل فرهنگی بیشتر می‌توانند نقش مکملی در تقویت گردشگری سلامت ایفا کنند به‌ویژه برای بیمارانی که به دنبال سفرهای کوتاه‌مدت درمانی هستند. برگزاری نشست مشترک بخش خصوصی دو کشور از دیگر محورهای این رویداد است. مشارکت فعالان بخش خصوصی از دفاتر خدمات مسافرتی گرفته تا مراکز اقامتی و درمانی می‌تواند به شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های عملی گردشگری سلامت کمک کند. با این حال نبود چارچوب‌های مشخص و هماهنگ همچنان یکی از دغدغه‌های اصلی این حوزه باقی مانده است. واضح است که ایران می‌تواند مقصدی برای گردشگران سلامت ارمنی باشد. پیوندهای فرهنگی و تاریخی میان دو کشور بستری برای گسترش این همکاری‌ها فراهم کرده اما بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق‌تر است.

ضرورت اصلاح ساختاری پیش از توسعه گردشگری سلامت

تجربه گردشگری سلامت ایران نشان می‌دهد توسعه این حوزه بیش از آنکه به



انفجار تجارت آنلاین در ایران

در سال ۱۴۰۳، چرخه تجارت الکترونیک ایران شتابی بی سابقه گرفت. بر اساس گزارش رسمی مرکز توسعه تجارت الکترونیکی، ارزش معاملات آنلاین کشور به حدود ۵۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسید و این جهشی حدود ۷۰ درصد نسبت به سال قبل است. این رشد هنگامی رخ داده که تورم اعلام شده در همان دوره حدود ۳۲.۵ درصد بود، آماري که نشان می دهد بخش عمده ای از افزایش ارزش معاملات ناشی از تغییر ساختاری در الگوی خرید مردم است.

بسیار بالاتر از تورم است.

این آمار نشان می دهد مصرف کننده ایرانی حاضر شده سبد خرید سنگین تری را هم به فضای آنلاین منتقل کند. جالب است بدانیم در شش ماه اول ۱۴۰۴ نیز ارزش معاملات به ۳۲۶۳ هزار میلیارد تومان رسیده که نسبت به نیمه نخست ۱۴۰۳ بیش از ۵۲ درصد رشد داشته است. بانک مرکزی و شاپرک نیز گزارش داده اند طی همین مدت ۲.۵ میلیارد تراکنش مالی آنلاین انجام شده که حکایت از افزایش اعتماد عمومی به خرید اینترنتی دارد.

سرپرست مرکز توسعه تجارت الکترونیکی وزارت صمت اعلام کرده است که ارزش کل تجارت الکترونیکی ایران در سال ۱۴۰۰ حدود ۱۲۳۷ هزار میلیارد تومان بوده و یک سال بعد با رشدی ۴۸ درصدی به ۱۸۳۶ هزار میلیارد تومان رسیده است. به گفته او، این روند صعودی در سال ۱۴۰۲ شتاب بیشتری گرفته و با جهش ۷۴ درصدی، رقم معاملات آنلاین به ۳۱۸۸ هزار میلیارد تومان رسیده؛ رشدی که در سال ۱۴۰۳ نیز ادامه یافته و ارزش این بازار را به حدود ۵۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسانده است. داده های ۱۰۰ روز اول سال ۱۴۰۴ حاکی است تراکنش های آنلاین ۶۰ درصد نسبت به سال گذشته رشد کرده و سهم فروش اینترنتی از خرده فروشی کشور به ۶۸ درصد رسیده است. به عبارت دیگر، تجارت الکترونیک از یک گزینه اختیاری به یک جزو ثابت سبد خانوار ایرانی تبدیل شده است.

محرك های رشد و تأثیر تورم

رشد چشمگیر اقتصاد دیجیتال بیش از هر چیز ناشی از توسعه زیرساخت ها و تغییر عادات خرید است. طبق گزارش ها، ضریب نفوذ اینترنت و موبایل در ایران به ترتیب بیش از ۱۸۹.۶ و ۱۵۲.۷ درصد رسیده و دسترسی مردم به پلتفرم های آنلاین تسهیل شده است.

همین موضوع، همراه با افزایش خدمات غیر حضوری، باعث شده خانوارها بیش از گذشته سراغ خرید آنلاین بروند. متوسط مبلغ هر تراکنش اینترنتی در سال ۱۴۰۳ حدود ۱.۱۶۶ میلیون تومان بوده که ۴۳ درصد نسبت به سال قبل رشد کرده که رشدی





آذر ۱۴۰۴ / شماره ۶۱۶ | اقتصاد ۲۹

چشم انداز اقتصاد ایران

متغیرهای اصلی چه
مسیری در پیش دارند؟





ریسک‌ها



ادامه و تشدید
تحریم‌های
بین‌المللی



امکان
محدودیت‌های
بیشتر در صادرات
نفتی



سیاست‌های
داخلی
پولی/ مالی



اختلالات
حمل و نقلی و
امنیتی مثلاً بحران
در خلیج فارس



امکان شروع
جنگ و
درگیری‌های
نظامی



۲۰٪
رشد

هزینه‌های جاری و عمرانی دولت



۱۰٪

معادل تولید
ناخالص داخلی

بدهی دولت به بانک مرکزی و شبکه بانکی



۴۰٪

نرخ فقر و نابرابری در آمدی



۳۰ از ۱۰۰
اعتماد پایین

شاخص اعتماد اقتصادی و انتظارات تورمی



۳۵٪

کل بدهی عمومی
به تولید ناخالص
داخلی

بدهی عمومی





نکات نهفته در گزارش شادی جهانی ۲۰۲۵

اندازه‌گیری می‌کند. برای جمع‌آوری این داده‌ها، حداقل با یک هزار نفر در هر کشوری گفت‌وگو و مصاحبه شده و مفاهیم مختلف همانند حمایت اجتماعی، امید به زندگی سالم، آزادی انتخاب زندگی، فعالیت‌های خیریه، داده‌های احساسی همانند خنده، لذت، نگرانی و غم و همچنین فعالیت‌های نوع‌دوستانه مورد بررسی قرار گرفته است.

تحلیل‌های انجام‌شده از داده‌های این گزارش، واقعیت‌های جالب را پیش‌روی مردم جهان قرار می‌دهد. براساس این تحلیل‌ها، مردم کشورهای منطقه نوردیک (منطقه‌ای فرهنگی و جغرافیایی در اروپای شمالی و اقیانوس اطلس شمالی) شامل دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ و سوئد همچنان شادترین مردم جهان‌اند.

فنلاند برای هشتمین سال متوالی در صدر قرار گرفته، دانمارک دوم است، ایسلند سومین پله را به خودش اختصاص داده و سوئد، هلند، نروژ، لوکزامبورگ، سوئیس و استرالیا در جمع ۱۰ کشور برتر جای گرفته‌اند. نکته مهم، قرار گرفتن کشورهایی همانند کاستاریکا و مکزیک در ۱۰ کشور برتر و سقوط ایالات‌متحده از رتبه ششم به بیست‌و‌چهارم است. در کنار همه آمارهایی که از این گزارش ارائه شده، راهنمای مهمی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشورها و دولت‌ها وجود دارد.

«سرمایه‌گذاری بر روابط داوطلبانه و موثر همانند مشوق‌های وعده‌های مشترک، برنامه‌های فوق‌العاده در مدارس و هدایت کمک‌ها به خیریه‌های کارآمد، نابرابری را جبران می‌کند و با مهار انزوا، شادی را افزایش می‌دهد.» در این زمینه نیز، نوع‌دوستی نه تنها بهترین سرمایه‌گذاری است، بلکه ابزاری برای صلح و آشتی در درگیری‌ها نیز به شمار می‌رود. نکته مهم پیام گزارش شادی سال ۲۰۲۵ جهانی است: «شادی، در دسترس همه است. البته اگر دولت‌ها و جوامع، مراقبت و همراهی را انتخاب کنند.»

پیش‌تازان شادی

گزارش شادی جهانی (۲۰۲۵)، مدال افتخار بزرگ بر گردن کشورهای منطقه نوردیک می‌آویزد. مردم این کشورها، نه تنها شادترین مردمان جهان‌اند، بلکه در نوع‌دوستی و رفتارهای اجتماعی هم در صدر ایستاده‌اند. این پیش‌تازی تصادفی نیست. «ترکیبی از اعتماد اجتماعی بالا، برابری اقتصادی، نهادهای شفاف و فرهنگ عمیق مراقبت از یکدیگر، مردم این کشورها را به الگویی برای سایر کشورها تبدیل کرده است.»

فنلاند که برای هشتمین سال پیاپی در رتبه نخست شادی جهان قرار گرفته، تنها کشوری است که میانگین رضایت از زندگی آن از مرز هشت گذشته است. این عدد، امتیاز تقریبی است که در مقیاس سنجی صفر تا ۱۰ برای این کشور به‌دست آمده و اعلام شده است. دانمارک، ایسلند و سوئد در رتبه‌های دوم تا چهارم و نروژ در

«روزنه‌ای از نور امیدوارکننده» توصیفی است که می‌توان از گزارش سالانه شادی جهانی ۲۰۲۵ (WHR25) که از سوی مرکز تحقیقات رفاه دانشگاه آکسفورد و با همکاری گالوپ و شبکه راه‌حل‌های توسعه پایدار سازمان ملل منتشر شده، ارائه کرد.

سعید ابوالقاسمی در هفته نامه تجارت فردا نوشت: گزارش امسال با کلیدواژه «مراقبت و اشتراک» منتشر شده و شادی را نه مفهوم انتزاعی، بلکه معیار عملی برای سنجش پیشرفت جوامع می‌داند. هدف اصلی آن نیز جابه‌جایی تمرکز از شاخص‌های مادی همانند تولید ناخالص داخلی به سمت ارزیابی‌های ذهنی زندگی است که براساس آن، «نوع‌دوستی» (Altruism) به عنوان «رفتار دوگانه همراه با شادی» توصیف شده است و به رفتارهای اجتماعی گفته می‌شود که هم موجب شادی فردی می‌شود و هم شادی را برای فردی که مورد دوست داشته شدن قرار گرفته، به ارمان می‌آورد.

این نوع‌دوستی، بر سیاست‌هایی تاکید دارد که روابط اجتماعی را تقویت می‌کند و با کاهش نابرابری، موجب کمتر شدن «مرگ‌ومیر ناشی از ناامیدی» می‌شود. داده‌های معتبری برای تدوین این گزارش مورد استفاده قرار گرفته است. منبع اصلی آن، نظرسنجی جهانی گالوپ است که از سال ۲۰۰۵ میزان رضایت از زندگی را در مردم جهان



رتبه هفتم قرار دارند. به این ترتیب، پنج کشور از ۱۰ کشور برتر جهان از منطقه نوردیک هستند.

آنچه این کشورها را از کشورهای دیگر متمایز می‌کند، نه فقط شادی بالا، بلکه «کیفیت شادی» است. «شادی کشورهای منطقه نوردیک، بر پایه اعتماد و نوع دوستی بنا شده که بی‌نظیر محسوب می‌شود». گزارش شادی سال ۲۰۲۵ از یک آزمایش جهانی معروف به «آزمایش کیف گم‌شده» به عنوان معیار عینی برای سنجش نوع دوستی استفاده می‌کند. در این آزمایش، کیف‌هایی حاوی پول و اطلاعات تماس مالکان آن، در شهرهای مختلف رها می‌شود و نرخ بازگشت آنها به ثبت می‌رسد. گزارش تاکید می‌کند سطح بالای نوع دوستی، فقط ویژگی فرهنگی نیست، بلکه نتیجه مستقیم سیاست‌ها و نهادهایی است که اعتماد را تقویت می‌کند. در کشورهای نوردیک، مردم نه تنها به یکدیگر اعتماد بیشتری دارند، بلکه به دولت و نهادهای عمومی نیز اعتماد بالایی نشان می‌دهند. ادراک فساد در این کشورها پایین است.

همچنین، حمایت اجتماعی به معنی برخورداری از حمایت فردی که در مواقع سخت بتوان به او تکیه کرد در این کشورها در بالاترین سطح جهانی قرار دارد. یکی از یافته‌های مهم گزارش این است که نوع دوستی در کشورهای نوردیک پس از همه‌گیری کووید ۱۹ نه تنها کاهش نیافت، بلکه در برخی شاخص‌ها افزایش یافت. بر این اساس، کمک به غریبه‌ها در این کشورها همچنان حدود ۲۰ درصد بالاتر از سطح پیش از همه‌گیری کووید ۱۹ است.

این در حالی است که کشورهای غربی دیگر، اعمال نوع دوستانه پس از شوک اولیه کووید ۱۹ به سطح پیشین بازگشت یا حتی کاهش یافت. نوع دوستی بالا، یکی از دلایل اصلی شادی پایدار در این کشورها به شمار می‌رود. هرچه نرخ بازگشت کیف در کشوری بالاتر باشد، میانگین رضایت از زندگی نیز بالاتر است. نکته قابل توجه دیگر، کم

بودن نابرابری شادی در این کشورهاست. در حالی که نابرابری رضایت از زندگی در بسیاری از کشورها در دو دهه گذشته افزایش یافته، در کشورهای نوردیک این نابرابری یا ثابت مانده یا حتی کاهش یافته است.

گزارش تاکید می‌کند نوع دوستی زیاد، نوعی «شبکه ایمنی غیررسمی» را به وجود می‌آورد که از سقوط افراد به پایین‌ترین سطوح شادی جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر، در جامعه‌ای که مردم به یکدیگر کمک می‌کنند، حتی کسانی که درآمد کمتری دارند یا با مشکلات بیشتری روبه‌رو هستند، کمتر احساس تنهایی و ناامیدی می‌کنند. گزارش شادی جهانی سال ۲۰۲۵ کشورهای نوردیک را نه فقط به عنوان شادترین جوامع، بلکه به عنوان جوامعی معرفی می‌کند که توانسته‌اند شادی را به صورت عادلانه و پایدار توزیع کنند.

نکته مثبت

یکی از مهم‌ترین و غافلگیرکننده‌ترین یافته‌های گزارش شادی جهانی سال ۲۰۲۵، «افزایش پایدار» رفتارهای نوع دوستانه در سراسر جهان پس از همه‌گیری کووید ۱۹ بوده است. برخلاف انتظار پژوهشگران که تصور می‌کردند موج نخستین همدلی و کمک‌رسانی در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ موقتی باشد و پس از بازگشت به زندگی عادی کاهش یابد، داده‌های سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد این افزایش نه تنها از بین نرفته بلکه به «سطح جدید عادی» تبدیل شده است. این گزارش سه شاخص اصلی نوع دوستی را بررسی می‌کند که هر سه از نظر سنجی جهانی گالوپ به دست آمده‌اند. بر این اساس، شاخص‌های «کمک به فرد غریبه»، «اهدای پول به خیریه» و «انجام کار داوطلبانه» مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در سال ۲۰۲۴، میانگین جهانی این سه رفتار با هم حدود ۱۰ درصد بالاتر از سطح پیش از همه‌گیری باقی مانده است. به بیان دقیق، کمک به غریبه‌ها در سطح جهانی ۱۸ درصد بالاتر از میانگین پیش از ۲۰۱۹، انجام کار داوطلبانه هشت درصد بالاتر و اهدای پول به سطح پیش از همه‌گیری کووید ۱۹ بازگشته، اما همچنان در بسیاری از کشورها بالاتر است. در مجموع، شاخص ترکیبی «رفتارهای نوع دوستانه» در سال ۲۰۲۴ حدود ۹ تا ۱۰ درصد بالاتر از سال ۲۰۱۹ ایستاده و این افزایش در همه مناطق جهان به جز خاورمیانه و شمال آفریقا که داده‌های آن ناقص است، مشاهده می‌شود. گزارش شادی جهانی، این پدیده را «جهش نوع دوستی پس از همه‌گیری کووید ۱۹» نامیده و آن را یکی از معدود پیامدهای مثبت همه‌گیری می‌داند. از سوی دیگر،

افزایش پایدار، تاثیر مستقیمی بر کاهش نابرابری شادی داشته است. در دو دهه گذشته، نابرابری رضایت از زندگی درون کشورها به طور متوسط ۲۵ درصد افزایش یافته بود، اما پس از سال ۲۰۲۰ این روند کند شده و حتی در برخی مناطق معکوس شده است. اکنون هر ۱۰ درصد افزایش در رفتارهای نوع دوستانه، نابرابری شادی را حدود چهار تا پنج درصد کاهش می دهد. جالب ترین بخش ماجرا این است که افزایش در گروه هایی که بیشترین آسیب را از همه گیری کووید ۱۹ دیده بودند، حتی بیشتر مشاهده شده است. پدیده هایی که در گزارش به چشم می آید، تا حدی به «تجربه مشترک رنج» پیوند برقرار می کند.

«همه گیری کووید ۱۹ به مردم یادآوری کرد که همه در قایقی نشسته ایم و حس همبستگی، پس از پایان محدودیت ها، در رفتارهای روزمره باقی مانده است.»

افزایش پایدار، فرصتی طلایی برای سیاست گذاری است. اگر دولت ها و نهادها بتوانند موج همدلی را از طریق برنامه های تشویقی مثل معافیت مالیاتی بیشتر برای اهدا، یا برنامه های داوطلبی در مدارس و محل کار تقویت کنند، می توانند نابرابری شادی را برای همیشه کاهش دهند.

مانع بزرگ

یکی از جالب ترین و نگران کننده ترین یافته های گزارش شادی جهانی در سال ۲۰۲۵ این است که انسان ها به شدت نوع دوستی دیگران را دست کم می گیرند و همین سوء تفاهم، آنها را از شادی بیشتر محروم می کند. در این گزارش از آزمایش بین المللی مشهوری استفاده می شود. براساس این آزمایش، کیفی هایی حاوی حدود ۱۳ دلار پول نقد و اطلاعات تماس مالک آن در ۳۵۵ شهر و ۴۰ کشور رها می شوند. نتیجه ای که در سال ۲۰۲۴ به دست آمد، این بود که بیش از ۸۰ درصد کیف ها به صاحبشان بازگردانده شد. در بسیاری از کشورها

همانند سوئد، دانمارک، و نروژ این رقم به بالاتر از ۸۰ و تا ۹۰ درصد نیز رسید. اما نکته مهمی وجود دارد. زمانی که از مردم همان کشورها پرسیده می شود که «به نظر شما، چند درصد از مردم کیف را به صاحب اصلی آن برمی گردانند؟» میانگین پاسخ جهانی حدود ۵۰ درصد است. یعنی مردم احتمال می دهند که فقط ۵۰ درصد از مردم، کیف را به صاحب اصلی شان بازگردانند. این پدیده با عنوان «کم ارزش کردن سیستماتیک نوع دوستی دیگران» نامیده شده است. این اشتباه فقط خطای شناختی ساده نیست. تاثیر آن بر شادی بزرگ تر از چیزی است که تصور می کنیم.

تحلیل های گزارش نشان می دهد افرادی که باور دارند دیگران بیشتر کیف را برمی گردانند، به طور متوسط ۰/۸ درصد بالاتر از دیگر افراد از زندگی رضایت دارند. همچنین، اثر این باور مثبت، بیش از دو برابر اثرپذیری درآمد در متوسط شاخص سنجش رضایت و شادی است. یعنی اگر باور افراد به نوع دوستی دیگران ۱۰ درصد افزایش یابد، شادی آنها بیشتر از زمانی افزایش می یابد که درآمدشان بالاتر برود. اکنون پرسش مهم تری مطرح می شود: «چرا این سوء تفاهم تا این حد پرهزینه است؟» سه دلیل اصلی برای آن وجود دارد. نخست آنکه وقتی فکر می کنیم دیگران خودخواه اند، خودمان هم کمتر نوع دوست می شویم. دوم اینکه اعتماد اجتماعی پایین می آید و احساس تنهایی و ناامنی بیشتر می شود. سوم اینکه فرصت های همکاری و کمک متقابل را از دست می دهیم، چون فکر می کنیم کسی به ما کمک نمی کند. جالب آن است که همین افراد وقتی خودشان کیف پیدا می کنند، آن را برمی گردانند، اما تصور می کنند دیگران این کار را انجام نمی دهند. این پدیده نیز با عنوان «سوگیری منفی در ادراک رفتارهای اجتماعی» نامیده می شود. داستان از جایی جالب تر می شود که در آزمایش میدانی، به گروهی از افراد، واقعیت نرخ بازگشت کیف بالای ۸۰ درصد اعلام شد و به گروه دیگر، عددی اعلام نشد. نتیجه این بود، گروهی که اطلاعات درست دریافت کرده بودند، در هفته های بعد بیشتر به غریبه ها کمک کردند و حتی رضایت از زندگی شان به طور قابل توجهی افزایش یافت. این شکاف میان واقعیت و تصور، یکی از بزرگ ترین موانع پیش روی شادی جهانی است. اگر جوامع و نظام های حکمرانی بتوانند این سوء تفاهم را برطرف کنند، می توانند بدون هیچ هزینه مادی، شادی کل جامعه را به میزان زیادی افزایش دهند.

نابرابری شادی

یکی از مهم ترین پیام های گزارش شادی جهانی سال ۲۰۲۵ این است که در دو دهه گذشته، نابرابری شادی در کشورها به شدت افزایش یافته، اما نوع دوستی و رفتارهای مراقبتی توانسته اند بخش بزرگی از این رشد نابرابری را به ویژه برای افرادی که در پایین ترین سطوح شادی قرار دارند، جبران کنند. در این گزارش، از «ضرب تغییرات رضایت از زندگی» استفاده شده که تاثیر مهمی در نابرابری شادی دارد.

هر چه این عدد بزرگ تر باشد، فاصله شادی بین افراد خوشحال و افراد غمگین در یک کشور بیشتر است. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۴، میانگین جهانی این ضریب از حدود ۰/۳۵ به ۰/۴۴ بیشتر شده؛ در بیشتر کشورها شکاف بین افرادی که به شادی در زندگی امتیاز ۸ یا ۹ می دهند با افرادی که به زندگی شان امتیاز سه یا چهار می دهند، تعمیق شده است. خبر خوب اینجاست که در همین بازه زمانی، افزایش رفتارهای نوع دوستانه حدود یک چهارم این رشد نابرابری را خنثی کرده است. تحلیل های گزارش نشان می دهد هر ۱۰ درصد افزایش در رفتارهای نوع دوستانه کشوری، نابرابری شادی را حدود چهار تا پنج درصد کاهش می دهد و اگر رفتارهای نوع دوستانه در سطح پیش از همه گیری کووید ۱۹ باقی مانده بود، نابرابری شادی امروز حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد بیشتر از عددی بود که اکنون به چشم می خورد.

به معنای بهتر، جهش ۱۰ درصدی نوع دوستی پس از همه گیری کووید ۱۹، رشد نابرابری

گزارش سالانه شادی جهانی ۲۰۲۵ که با همکاری دانشگاه آکسفورد، گالوپ و سازمان ملل منتشر شده، نشان می‌دهد کشورهای نوردیک همچنان شادترین مردمان جهان‌اند و فنلاند برای هشتمین سال متوالی در صدر قرار دارد

شادی در دو دهه گذشته را جبران کرده است. مهم‌ترین نکته این است که این اثر برای «گروه‌های با شادی کمتر» قوی‌تر است. گزارش افراد را به چهار رده شادی تقسیم می‌کند و افرادی که در ۲۵ درصد پایین توزیع شادی هستند، بیشترین سود را از نوع دوستی جامعه می‌برند. زیرا زمانی که کمک به غریبه‌ها و حمایت غیررسمی در جامعه بیشتر باشد، افراد آسیب‌پذیر کمتر احساس تنهایی و بی‌پناهی می‌کنند. همچنین، نوع دوستی مثل «شبکه ایمنی غیررسمی» عمل می‌کند که جلوی سقوط افراد به سطوح پایین شادی را می‌گیرد. در مقابل، اثر بیکاری، بیماری یا از دست دادن درآمد بر شادی این گروه، در جوامعی که نوع دوستی بالاتری دارند، بین ۳۰ تا ۴۰ درصد کمتر می‌شود. در کشورهایی که پس از همه‌گیری کووید ۱۹ بیشترین افزایش کمک به غریبه‌ها وجود دارد، نابرابری شادی نه تنها افزایش نیافت، بلکه اندکی کمتر هم شد. در مقابل، در کشورهایی که نوع دوستی در آنها ثابت بود و یا کاهش یافت، نابرابری شادی همچنان روبه افزایش است. این سازوکار درست همان نکته‌ای است که کشورهای نوردیک را از دیگر کشورها متمایز می‌کند. «در این کشورها نه تنها میانگین شادی بالاست، بلکه نابرابری شادی هم در رتبه پایین‌تری قرار دارد؛ که البته دلیل اصلی آن، فرهنگ بالای اعتماد و کمک متقابل تلقی می‌شود.»

سهم غذا

یکی از کاربردی‌ترین فصل‌های گزارش شادی جهانی (۲۰۲۵)، فصل سوم است که به موضوع «اشتراک وعده‌های غذایی با دیگران» اختصاص دارد. در این فصل

نشان داده می‌شود که صرف غذا همراه با خانواده، دوستان یا حتی همسایه‌ها، یکی از قوی‌ترین و درعین حال ارزان‌ترین راه‌ها برای افزایش شادی است. اثر این راه در شادی اجتماعی هم‌تراز با اثر افزایش زیاد درآمد در شادی است. بر این اساس، هر وعده غذایی اضافی در هفته که با دیگران صرف شود، رضایت از زندگی را به‌طور متوسط ۰/۲ واحد بالا می‌برد. این ۰/۲ واحد، معادل صعود پنج پله‌ای در رتبه‌بندی جهانی شادی است. در محاسبه ساده می‌توان به این نتیجه رسید که اگر هر فرد، چهار وعده غذایی در هفته را تنها صرف کند و این تعداد وعده را به ۹ وعده صرف غذا با دیگران برساند، شادی او به اندازه فردی که درآمد دوبرابری پیدا کرده است، افزایش می‌یابد. در حال حاضر میانگین جهانی حدود هفت وعده غذایی مشترک در هفته است، اما تفاوت‌های منطقه‌ای زیادی نیز وجود دارد. کشورهای امریکای لاتین با ۹ وعده در هفته، بالاترین میزان جهانی را دارند و جنوب آسیا با حدود چهار وعده در هفته، کمترین میزان را به خودش اختصاص داده است.

اروپای غربی و آمریکای شمالی حدود هفت تا هشت وعده، اروپای شرقی و آسیای مرکزی حدود شش وعده و خاورمیانه و شمال آفریقا با حدود ۵/۵ وعده، در جایگاه‌های دیگر قرار گرفته‌اند. دلیل تفاوت‌ها عادت‌های غذایی نیست، بلکه ساختار خانواده، فرهنگ و اندازه خانه نیز در این آمار تاثیر دارد. در آمریکای لاتین خانواده‌ها بزرگ‌تر هستند و دور هم جمع شدن برای غذا، یک آیین روزانه است و همین باعث شده میانگین شادی در این منطقه بالاتر از آن چیزی باشد که فقط با درآمدشان توجیه شود.

میانگین رضایت از زندگی افرادی که در یک هفته، ۱۳ وعده یا بیشتر با دیگران غذا می‌خورند، حدود شش درصد است درحالی‌که این میزان در افرادی که همه وعده‌های غذایی را تنها صرف می‌کنند، ۴/۹ است. فاصله ۱/۲ واحدی، نصف اثر بیکاری بر شادی است. قابل‌تأمل‌ترین بخش این یافته آن است که تنها بودن در زمان صرف غذا، عامل مهمی است که به تنهایی واقعی دامن می‌زند. در ایالات متحده آمریکا از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳، درصد افرادی که «اغلب یا همیشه تنها غذا می‌خورند» ۵۳ درصد افزایش یافت. این میزان در جوانان ۱۸ تا ۳۴ سال به ۱۸۰ درصد رسید که یکی از دلایل اصلی افزایش چشمگیر احساس تنهایی در نسل جوان آمریکاست. پژوهشگران این رابطه را علت و معلولی توصیف می‌کنند. «فقط افراد شاد نیستند که دور هم جمع می‌شوند، بلکه عمل اشتراک غذا باعث شادی بیشتر می‌شود. آزمایش‌های کوچک هم همین نتیجه را نشان داده‌اند. زمانی که از افراد خواسته شد یک ماه بیشتر با دیگران غذا بخورند، به شکل معناداری با افزایش رضایت از زندگی روبه‌رو شدند.»

خانواده‌های شاد

«خانواده، عامل مهمی در افزایش شادی افراد است.» این جمله، خلاصه کاملی از فصل چهارم گزارش شادی سال ۲۰۲۵ را در مقابل مخاطبان قرار می‌دهد. تحلیلی که براساس انجام بیش از یک میلیون مصاحبه در سراسر جهان به‌دست آمده، نشان می‌دهد شادی در خانوارهای چهار تا پنج‌نفره به اوج خودش می‌رسد. این در حالی است که زندگی تک‌نفره، پایین‌ترین سطح شادی را به خودش اختصاص می‌دهد. زندگی دونفره یا همان زوج‌های بدون فرزند، بهتر از تنهایی است، اما هنوز نمی‌تواند شادی واقعی را در افراد ایجاد کند. اما زمانی که تعداد افراد خانواده، از سه نفر بیشتر می‌شود، میزان شادی به‌سرعت افزایش می‌یابد و در تعداد خانواده‌های چهار و پنج‌نفره به اوج می‌رسد. روند شادی براساس تعداد اعضای در همین‌جا متوقف می‌شود؛ چرا که در خانواده‌های بیش از پنج نفر، میزان شادی دوباره اندکی پایین می‌آید، اما همچنان بالاتر از زندگی تک‌نفره یا دونفره است. سه دلیل مهم برای افزایش

میزان شادی در خانواده‌های پرجمعیت ذکر می‌شود.

را کم می‌کند.

ناامنی و پوپولیسم

فصل هفتم گزارش شادی جهانی در سال ۲۰۲۵، گستره جدیدی را در حوزه اقتصاد سیاسی باز می‌کند. این فصل که با عنوان «اعتماد به دیگران؛ چگونه ناخشنودی و بی‌اعتمادی اجتماعی، پوپولیسم را توضیح می‌دهد؟» تدوین شده، یکی از عمیق‌ترین تحلیل‌های گزارش به شمار می‌رود. براساس تحلیل‌های منتشرشده در این فصل، احساس ناامنی، کاهش شادی و ازدست‌رفتن اعتماد به دیگران، نه تنها مردم را ناراضی می‌کند، بلکه سیاست را هم به سمت افراط می‌برد و جامعه را در دام دوقطبی گرفتار می‌کند. «پوپولیسم همواره به دلیل ناخشنودی شکل می‌گیرد؛ اما اینکه پوپولیست‌ها چپ باشند یا راست، به اعتماد بستگی دارد. افرادی که به دیگران اعتماد دارند، به چپ تمایل پیدا می‌کنند و افرادی که اعتماد ندارند، به راست گرایش دارند.» زمانی که مردم احساس می‌کنند زندگی خوبی ندارند و اعتمادی در میان نیست، بیشتر به سیاستمدارانی گرایش پیدا می‌کنند که وعده‌های بزرگ می‌دهند و سیستم موجود را زیر سؤال می‌برند. اما جهت این گرایش، بسته به میزان اعتماد متفاوت است.

کاهش رضایت از زندگی بخش بزرگی از افزایش رای‌های ضدنظام یا دولت حاکم را توضیح می‌دهد. زمانی که مردم احساس ناامنی اقتصادی، تنهایی یا فشار می‌کنند، بیشتر به احزاب یا سیاستمدارانی رای می‌دهند که قول تغییرات رادیکال می‌دهند. اما این ناخشنودی به تنهایی جهت را تعیین نمی‌کند، بلکه اعتماد هم در این زمینه دخالت دارد. «کاهش رضایت از زندگی، افزایش رای‌های ضدسیستم را توضیح می‌دهد، اما پس از آن، اعتماد به دیگران وارد بازی می‌شود. در میان افراد ناخشنود که جذب افراط سیاسی می‌شوند، افرادی که اعتماد اندک دارند اغلب در راست افراطی قرار می‌گیرند. درحالی‌که افراد با اعتماد بالا به چپ افراطی تمایل دارند.» این الگو در آمارها هم دیده می‌شود. رای‌دهندگان چپ افراطی، سطح اعتماد اجتماعی بالاتری دارند، درحالی‌که پوپولیست‌های راست، اعتماد اندکی از خودشان نشان می‌دهند. گزارش، آمریکا را برای مثال واضح نشان می‌دهد. «در آمریکا، سهم افرادی که به دیگران اعتماد دارند، از دهه ۱۹۷۰ نصف شده و از ۵۰ درصد به ۳۰ درصد رسید.

این کاهش نه تنها به غریبه‌ها، بلکه به خانواده، دوستان و همسایگان هم کشیده شده و یکی از دلایل اصلی موفقیت پوپولیسم راست در این کشور است که نمونه آن را می‌توان حمایت از دونالد ترامپ عنوان کرد.» همچنین، افرادی که رای نمی‌دهند، پایین‌ترین سطح اعتماد را دارند. گروه‌های آسیب‌دیده هم در گزارش جایگاه ویژه‌ای به خودشان اختصاص داده‌اند. «جوانان زیر ۳۰ سال و به‌ویژه زنان جوان، افراد با تحصیلات پایین و جوانانی که مشکلات مالی دارند، بیشترین کاهش شادی را تجربه کرده‌اند. این گروه‌ها بیشتر به سمت افراط کشیده می‌شوند، چون احساس ناامنی بیشتری دارند.» نکته جالب توجه این است که عوامل اقتصادی همانند تولید ناخالص داخلی همانند گذشته با شادی همخوانی ندارد. «از دهه ۲۰۰۰، رابطه تولید ناخالص داخلی و رضایت از زندگی منفی شده و ناامنی اقتصادی و تنهایی، نقش اصلی را بازی می‌کند.» متأسفانه چرخه منفی، ادامه دارد است. «بی‌اعتمادی بیشتر، قطبی‌سازی را افزایش می‌دهد و جامعه را از همکاری دور می‌کند. در اروپا، این الگو به شکاف میان چپ و راست افراطی منجر شده، درحالی‌که در آمریکا بیشتر به سمت راست گرایش دارد.» گزارش پیشنهاد کرده است که برای مقابله با این روند، باید روی بازسازی اعتماد تمرکز کرد. «با تقویت روابط اجتماعی و کمک به دیگران این مشکل قابل حل است. اما بدون حل ناخشنودی و بی‌اعتمادی، پوپولیسم و دوقطبی‌سازی متوقف نمی‌شود.»

نخستین دلیل آن است که در این خانواده‌ها، تعادل بین صمیمیت و تنوع برقرار می‌شود. «در خانواده‌های چهار یا پنج‌نفره، افراد به اندازه کافی با یکدیگر نزدیک‌اند و بر همین مبنا، احساس حمایت می‌کنند. در کنار آن، افراد در این خانواده به اندازه کافی با یکدیگر متفاوت‌اند که سبب نشود زندگی کسل‌کننده طی شود.» تقسیم کار و هزینه‌ها دومین دلیل شادی در خانواده‌های پرجمعیت است. در این خانواده‌ها، کارهای خانه و هزینه‌ها به خوبی توزیع می‌شود و درعین‌حال، خانواده آنقدر شلوغ نیست که موجب استرس اعضای آن شود. سومین دلیل، زندگی کودکان و بزرگسالان در کنار یکدیگر است. «ترکیب چهار یا پنج‌نفره زوج به همراه دو یا سه فرزند، هم شادی فرزندپروری را در خانواده ایجاد می‌کند و هم حمایت نسلی را پدید می‌آورد.»

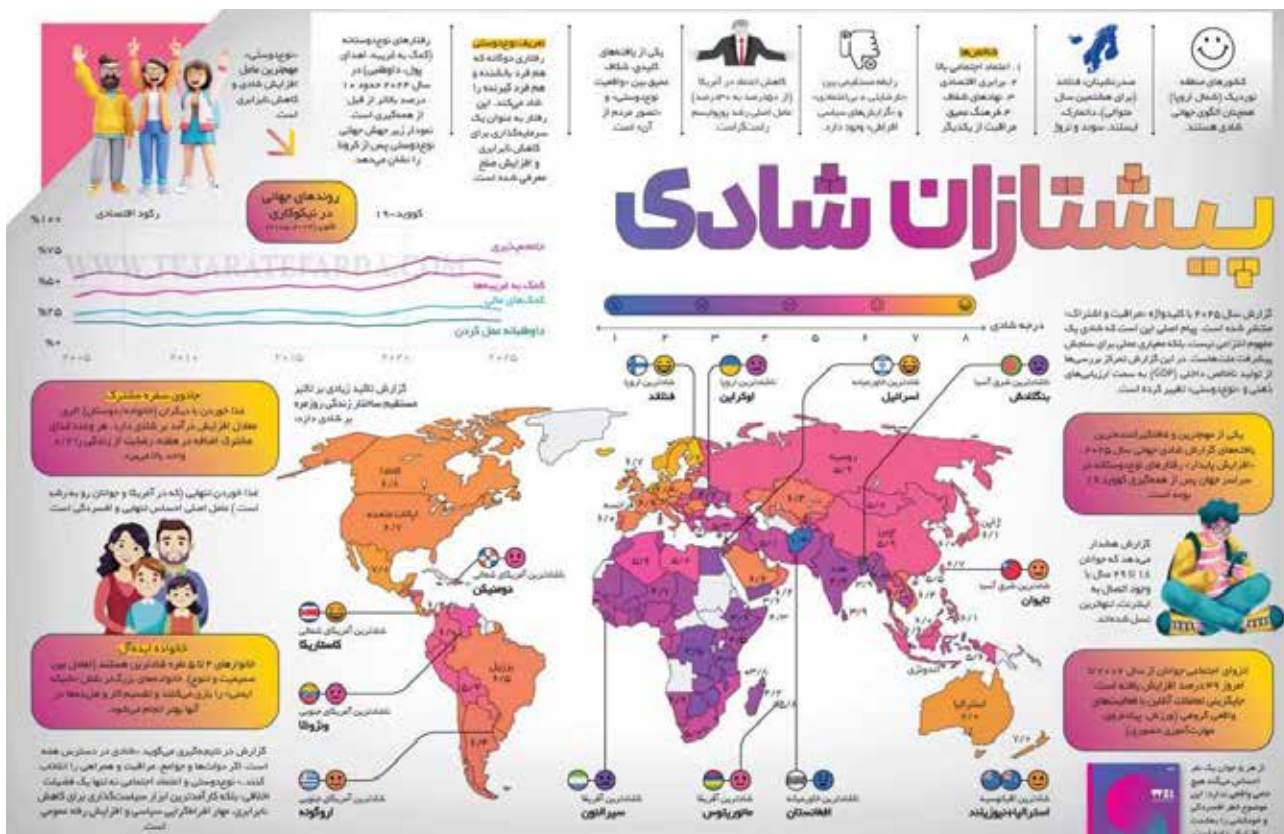
در اروپا و آمریکای شمالی، میانگین اندازه خانوار حدود ۲/۳ تا ۲/۵ نفر و درصد زندگی تک‌نفره به سرعت در حال افزایش است. همین موضوع سبب شده شادی در این مناطق کمتر از میزانی باشد که درآمد پیش‌بینی می‌کند. در مقابل، در آمریکای لاتین میانگین اندازه خانوار هنوز بالای ۳/۵ نفر است و خانواده‌ها، بزرگ‌ترند. در چنین شرایطی، حتی با درآمد پایین‌تر، شادی در این منطقه بالاتر از پیش‌بینی مدل‌های اقتصادی است.

در آسیای شرقی و کشورهایی همانند کره جنوبی و ژاپن هم اندازه خانوار به سرعت در حال کوچک شدن بوده و همراه آن، شادی کاهش و تنهایی افزایش یافته است. نکته مهمی که باید به آن توجه شود، کیفیت رابطه است. در کشورهایی که پیوندهای خانوادگی قوی باشد، خانواده‌های بزرگ‌تر از شش نفر هم شادی بالایی دارند. درحالی‌که در کشورهای با روابط خانوادگی ضعیف، زندگی در خانه‌های بزرگ گاهی شادی

رشد؛ در جنوب آسیا و آفریقا، کمترین رشد و در آمریکای لاتین و آسیای شرقی نیز روند صعودی و کم‌سرعت‌تر از غرب مشاهده شده است.» این انزوا فقط احساس تنهایی نیست و کمبود واقعی در شبکه‌های حمایتی به شمار می‌رود. «رضایت از زندگی جوانانی که از حمایت اجتماعی برخوردار نیستند، به‌طور متوسط ۱/۲ تا ۱/۵ امتیاز پایین‌تر است و سه برابر بیشتر احتمال دارد علائم افسردگی شدید داشته باشند. همچنین، احتمال خودکشی و رفتارهای پرخطر در آنها به شکل چشمگیری بالاتر است.» این بحران درست در نسلی رخ داده که از نظر فناوری «بیش از همیشه ارتباط دارد.» بنابراین، نتیجه‌گیری شده که شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها جایگزین روابط واقعی نشده‌اند، بلکه گاهی آن را بدتر کرده‌اند. «احتمال انزوای اجتماعی جوانانی که بیش از سه ساعت در روز در شبکه‌های اجتماعی وقت گذرانده‌اند، ۳۰ تا ۴۰ درصد بیشتر است.»

یکی از نگران‌کننده‌ترین فصل‌های گزارش شادی جهانی در سال ۲۰۲۵، مربوط به جوانان است. در فصل پنجم این گزارش نشان داده شده که انزوای اجتماعی در میان جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال از سال ۲۰۰۶ تا امروز به شدت افزایش یافته و اکنون به بحران جهانی تبدیل شده است. بر این مبنای سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۴ درصد جوانانی که گفته‌اند «اگر مشکلی داشته باشم، هیچ کس نیست که به شکل واقعی به من کمک کند» در سطح جهان ۳۹ درصد افزایش یافته است. در سال ۲۰۲۴، نزدیک ۱۹ درصد از جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال جهان (یعنی یک نفر از هر پنج نفر) چنین احساسی دارند.

اگر جمعیت جوانان جهان را ۱/۸۱ میلیارد نفر در نظر بگیریم، حدود ۳۴۰ میلیون جوان در سال ۲۰۲۴ حمایت اجتماعی کافی نداشته‌اند و هر سال، ۱/۷ میلیون نفر بیشتر به این گروه اضافه می‌شوند. این افزایش در همه مناطق جهان دیده می‌شود، اما شدت آن متفاوت است. «در آمریکای شمالی و اروپای غربی، بیشترین





در حالی که دلار آمریکا به دلیل اندازه اقتصاد این کشور و عمق بازارهای مالی آن همچنان ارزش مسلط جهانی باقی می ماند، انتظار می رود که سهم آن به تدریج کاهش یابد.



نظام پولی بین المللی مسیر تحول خود را به سوی نرخ ارز شناور و باز بودن بیشتر حساب سرمایه ادامه می دهد.

نویسندگان مقاله، ۲۰ سال پیش تکامل نظام پولی بین المللی را پیش بینی کردند. در این مقاله، پیش بینی های جدیدی را مطرح کرده اند.



آینده ارز

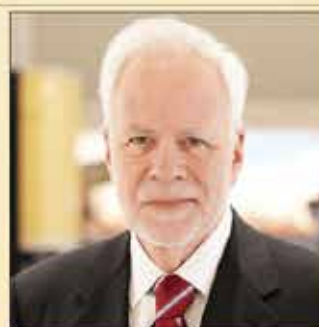
سیاست های ارزی به کدام سو می روند؟



University of California, Berkeley



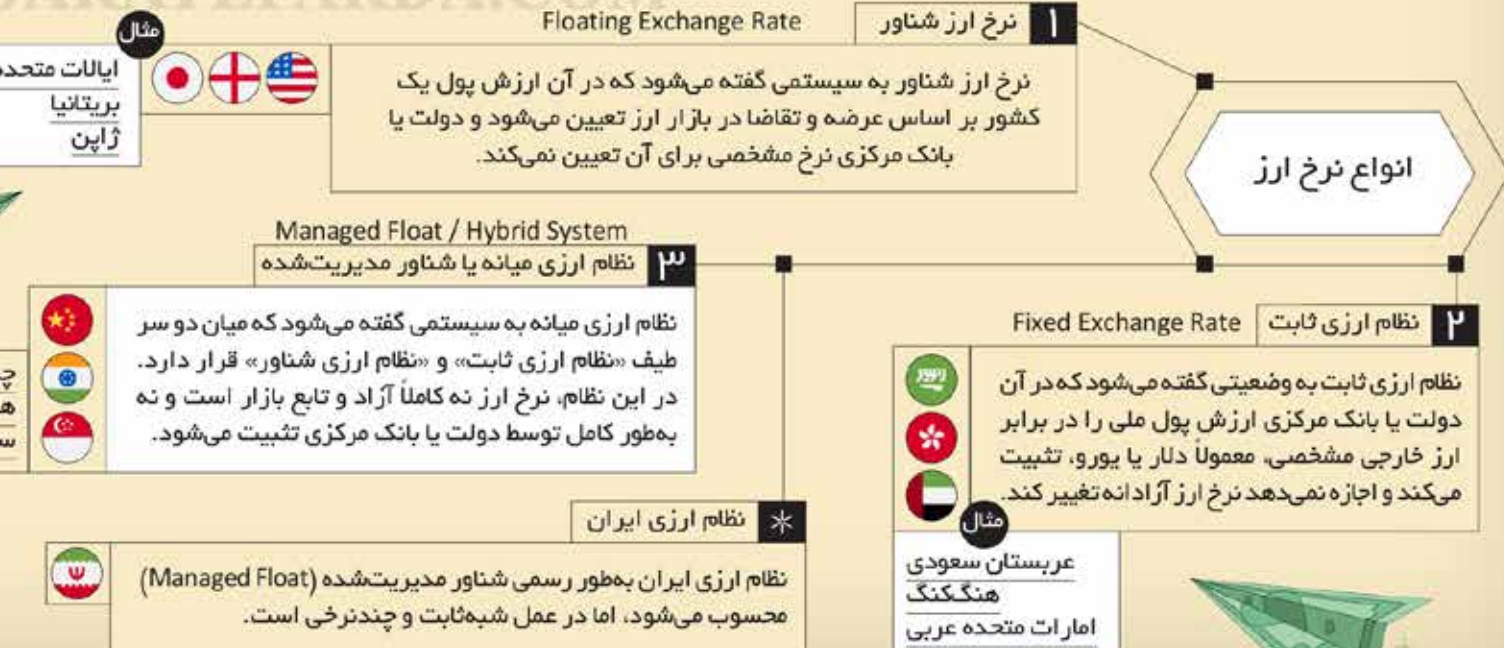
Raul Razo-Garcia



Barry Eichengreen

نویسندگان

Years Redux 20 The International Monetary System in the Last and Next





با این حال، تغییراتی در ساختار نظام پولی جهانی رخ می‌دهد: بازارهای نوظهور احتمالاً به سمت «میخ‌های محکم‌تر ارزی» حرکت می‌کنند. در حالی که کشورهای در حال توسعه به سمت «نرخ ارز شناور» گرایش خواهند داشت. در نتیجه، استفاده از «رژیم نرخ ارز میانه» به کاهش خود ادامه می‌دهد.



۲۰۲۵ تا ۲۰۰۵

◀◀ نظام برتر ارزی در ۲۰ سال گذشته

خطوط سواپ میان بانک‌های مرکزی که از سال ۲۰۰۷ دوباره فعال شدند، اکنون به یکی از ابزارهای کلیدی برای مدیریت ثبات مالی تبدیل شده‌اند.

خطوط سواپ (SWAP lines)



نقش دلار

نقش بین‌المللی دلار همچنان قوی باقی مانده، هرچند سهم آن در ذخایر ارزی جهانی نسبت به گذشته کاهش یافته است.

ظهور بازارهای نوظهور

اقتصادهای نوظهور نقش پررنگ‌تری در همکاری‌های مقرراتی بین‌المللی یافته‌اند و به سمت لنگر اسمی و استقلال بانک مرکزی حرکت کرده‌اند.

روند کلی

حرکت عمومی به سمت بازتر شدن نظام مالی و دوری از رژیم‌های میانه نرخ ارز مطابق پیش‌بینی‌های ۲۰ سال قبل رخ داده است.

۲۰۲۵ تا ۲۰۴۵

◀◀ چشم‌انداز نظام پولی جهان



برتری دلار

دلار همچنان ارز برتر بین‌المللی باقی خواهد ماند، زیرا از اندازه بزرگ اقتصاد آمریکا و عمق بازارهای مالی آن پشتیبانی می‌شود. هرچند سهم دلار به آهستگی کاهش می‌یابد، اما پیش‌بینی نمی‌شود در چند دهه آینده ارز دیگری جایگزین آن شود.

تداوم تغییر در رژیم‌های ارزی

روند کاهش استفاده از رژیم‌های نرخ ارز میانه ادامه خواهد داشت.

تفاوت مسیر کشورها

- بازارهای نوظهور به سمت میخ‌های ارزی محکم‌تر حرکت می‌کنند.
- کشورهای در حال توسعه احتمالاً به سمت نرخ‌های ارز آزادتر پیش می‌روند.
- باز بودن حساب سرمایه: انتظار می‌رود سهم کشورهای با حساب سرمایه باز باز هم افزایش یابد.



اقدامات بانک‌های مرکزی

بانک‌های مرکزی در حال حاضر با سرعتی بی‌سابقه در حال انباشت طلا هستند، و میزان ذخایر طلا به سطح نزدیک به رکورد تاریخی سال ۱۹۶۵ رسیده است - اقدامی که احتمالاً واکنشی به کاهش سهم دلار در ذخایر جهانی است.



مثال

بین
ند
نگاپور



تداوم رکود در اقتصاد

تداوم رکود در اقتصاد بر اساس شاخص مدیران خرید کل اقتصاد ایران (پس از تعدیل فصلی) است. مقدار این شاخص برای آبان ماه برابر با ۴۶٫۶ برآورد شده و حاکی از آن است که وضعیت کل کسب و کارهای کشور در این ماه برای بیستمین ماه متوالی، روندی رکودی و کاهشی داشته است.

این روند هم‌زمان با انتشار تازه مرکز آمار درباره عملکرد اقتصاد ایران در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴ است که تصویری روشن از وضعیت رکودی بخش‌های مولد ارائه می‌شود. تصویری که نشان می‌دهد اقتصاد همچنان با ضعف در خلق ارزش افزوده پایدار مواجه است. به‌طوری‌که بر اساس این داده‌ها، تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت با احتساب نفت حدود یک‌دهم درصد بیش از رقم آن در دوره مشابه سال گذشته است. در نقطه مقابل، تولید ناخالص داخلی بدون نفت کاهش یافته و رشد منفی نیم درصدی را ثبت کرده که نشانه‌ای از افت فعالیت در بخش‌هایی است که موتور اصلی اشتغال و ارزش افزوده غیرنفتی کشور محسوب می‌شوند. این روند نشان می‌دهد که ساختار انگیزشی اقتصاد ایران همچنان به نفع فعالیت‌های غیرمولد عمل می‌کند. به عبارت دیگر، ارتباط نزدیکی بین نگرش و انتظارات فعالان اقتصادی و تجاری کشور با داده‌های رسمی و واقعی کشور برقرار است.

ضمن این‌که کاهش این شاخص در آبان ماه بازتابی از افت هم‌زمان چهار مؤلفه از پنج مؤلفه اصلی تشکیل‌دهنده شاخص کل اقتصاد (شامل میزان سفارشات جدید، میزان تولید محصول یا ارائه خدمت، موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده و میزان استخدام و

تازه‌ترین گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران از شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد (PMI) در آبان ماه ۱۴۰۴، از رسیدن رقم تعدیل شده فصلی این شاخص به ۴۶٫۶ حکایت دارد که نشان می‌دهد وضعیت کل کسب و کارها در این ماه برای بیستمین ماه متوالی، روندی کاهشی داشته است.

در این ماه، شاخص مقدار تولید محصول یا ارائه خدمات، شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان، شاخص میزان فروش کالاها و خدمات، شاخص موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده و شاخص میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی در روند کاهشی قرار داشته است.

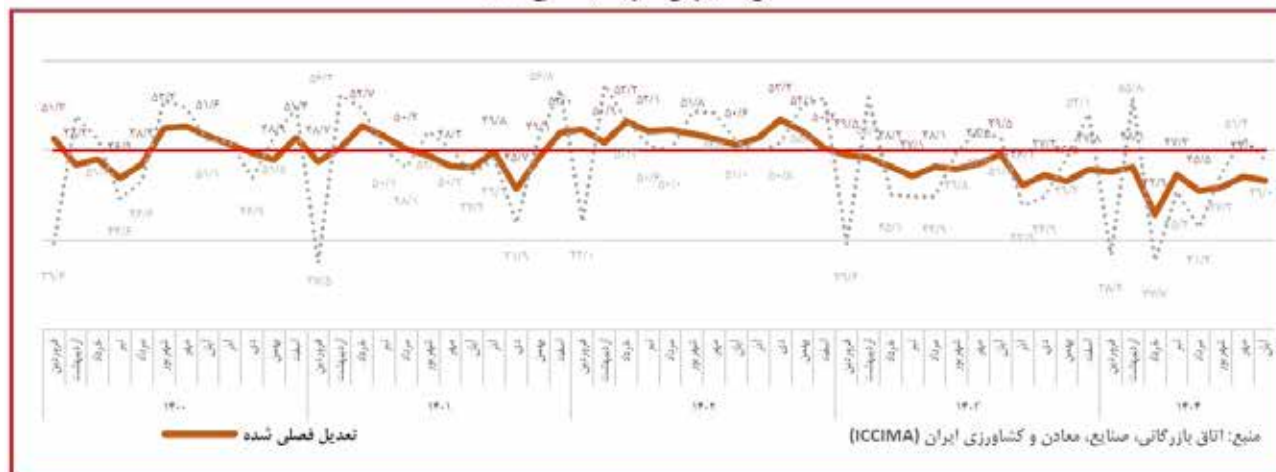
شاخص مدیران خرید کل اقتصاد

شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد ازجمله شاخص‌هایی است که برای نشان دادن شرایط کلی سرمایه‌گذاری مولد و توسعه کسب و کار کشور محسوب شود زیرا که نگرش و انتظارات فعالان اقتصادی و تجاری کشور در شرایط موجود و آینده در این شاخص نمایان می‌شود.

بر اساس آخرین نظرسنجی میدانی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در آبان ماه ۱۴۰۴،



شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد



مالی و رکود در تقاضا از مهم‌ترین عوامل افت فعالیت کسب‌وکارها بوده است. شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان در آبان‌ماه ۱۴۰۴ ثبت شده است که برای بیست و یکمین ماه متوالی روندی نزولی داشته است. شدت کاهش در این ماه نسبت به ماه قبل بیشتر بوده است که از تضعیف سنگین تقاضا حکایت دارد. نااطمینانی اقتصادی، افزایش و بی‌ثباتی نرخ ارز و گسترش تدریجی نرخ تورم به سمت بالا، تداوم کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان به‌خصوص دهک‌های با درآمد متوسط به پایین را در پی داشته و باعث شده تا سمت تقاضا با احتیاط بیشتری نسبت به تصمیمات خود برای خرید مواجه باشند. در بخش تجارت خارجی نیز، میزان صادرات کالا و خدمات، به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در شاخص سفارشات جدید مشتریان، در آبان‌ماه همچنان کاهشی بوده است. مشکلات مرتبط با دفع تعهد ارزی، و محله دست‌های، تجاری، و دسک‌های، ژئوپلیتیک، مانع رشد

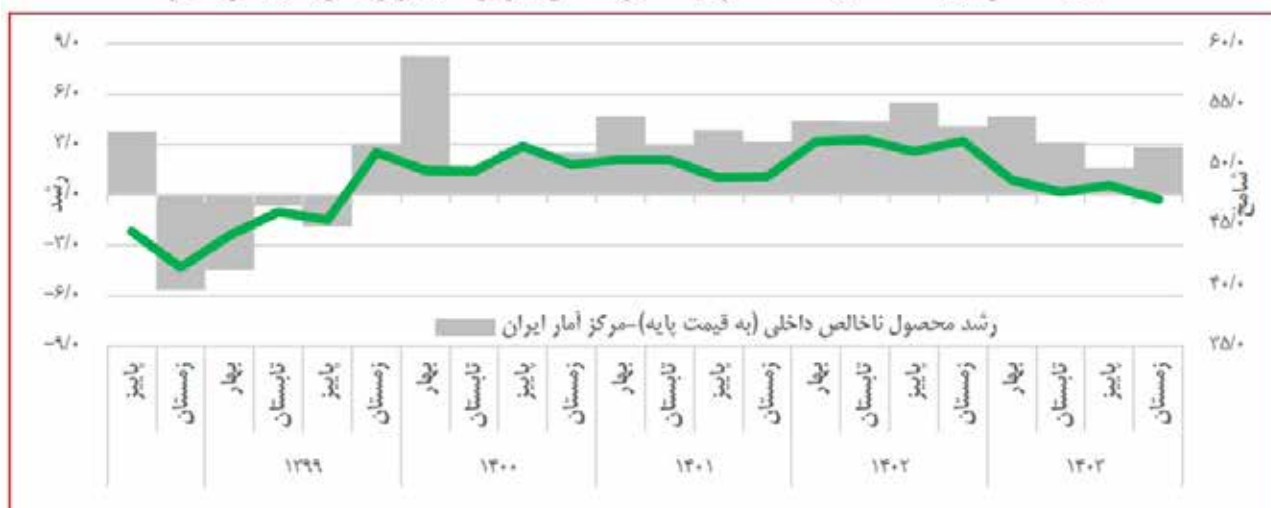
به‌کارگیری نیروی انسانی است و روندی نزولی همانند ماه گذشته نشان می‌دهد. مقدار تولید محصول یا ارائه خدمات در آبان‌ماه، معادل ۴۸٫۴ محاسبه شده است که باوجود کاهش ملایم‌تر نسبت به ماه قبل، همچنان برای بیستمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی (۵۰) باقی‌مانده است. در این ماه نیز، رشد شدید نرخ ارز و افزایش قیمت مواد اولیه، تداوم محدودیت منابع

شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد در دو ماه منتهی به آبان ۱۴۰۴

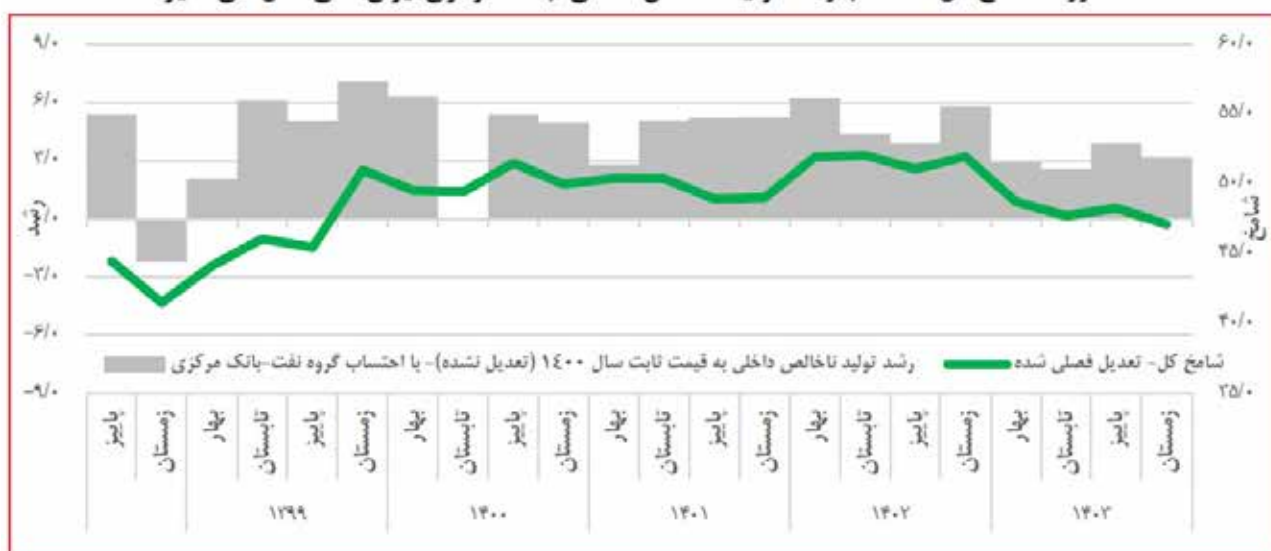
شاخص		تعدیل نشده		تعدیل فصلی شده	
		مهر ۱۴۰۴	آبان ۱۴۰۴	مهر ۱۴۰۴	آبان ۱۴۰۴
مولفه‌های اصلی	شامخ کل اقتصاد	۵۱٫۴	۴۹٫۰	۴۷٫۰	۴۶٫۶
	میزان تولید محصول یا ارائه خدمت	۵۶٫۲	۵۱٫۷	۴۷٫۷	۴۸٫۴
	میزان سفارشات جدید مشتریان	۵۱٫۵	۴۶٫۱	۴۵٫۲	۴۳٫۵
	سرعت انجام و تحویل سفارش	۵۶٫۳	۵۳٫۰	۵۳٫۱	۵۰٫۴
	موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده	۴۵٫۲	۴۲٫۳	۴۵٫۸	۴۱٫۳
	میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی	۴۴٫۷	۵۰٫۲	۴۴٫۹	۴۹٫۰
مولفه‌های کمکی	قیمت مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده	۸۵٫۶	۸۰٫۹	۸۵٫۶	۸۰٫۹
	موجودی محصول نهایی در انبار یا کارهای در حال تکمیل	۵۰٫۹	۴۷٫۹	۵۰٫۹	۴۷٫۹
	میزان صادرات کالا یا خدمات	۴۶٫۲	۴۳٫۶	۴۳٫۴	۴۳٫۵
	قیمت محصولات تولیدشده و خدمات ارائه شده	۶۸٫۰	۷۰٫۰	۶۵٫۰	۶۹٫۷
	مصرف حامل‌های انرژی	۵۰٫۰	۵۶٫۴	۵۰٫۰	۵۲٫۳
	میزان فروش کالاها یا خدمات	۵۱٫۶	۴۶٫۴	۴۸٫۰	۴۷٫۶
	انتظارات در مورد میزان فعالیت اقتصادی در ماه آینده	۵۸٫۲	۶۱٫۸	۵۵٫۷	۶۲٫۸

ماخذ: مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران، مهر و آبان ۱۴۰۴

روند شامخ کل اقتصاد با رشد محصول ناخالص داخلی (مرکز آمار ایران) طی سال‌های اخیر



روند شامخ کل اقتصاد با رشد تولید ناخالص داخلی (بانک مرکزی ایران) طی سال‌های اخیر



اولیه و تداوم محدودیت‌های تخصیص ارز در شرایطی که شرکت‌ها با کمبود منابع مالی مواجه هستند باعث شده تا با کمبود شدید مواد اولیه روبرو باشند در همین حال عدم دسترسی به نهاده‌ها به خصوص از طریق عملکرد ناکارآمد بورس کالا و سامانه بهینه‌سازی، بر مشکلات زنجیره تأمین افزوده است. در چنین شرایطی افزایش فشار هزینه‌ای باعث شده شرکت‌ها برای جبران جهش قیمت نهاده‌ها قیمت فروش را افزایش دهند به طوری که شاخص قیمت محصولات تولیدشده یا خدمات ارائه شده به بالاترین سطح خود در ۳۱ ماهه اخیر از فروردین ۱۴۰۲ رسیده است.

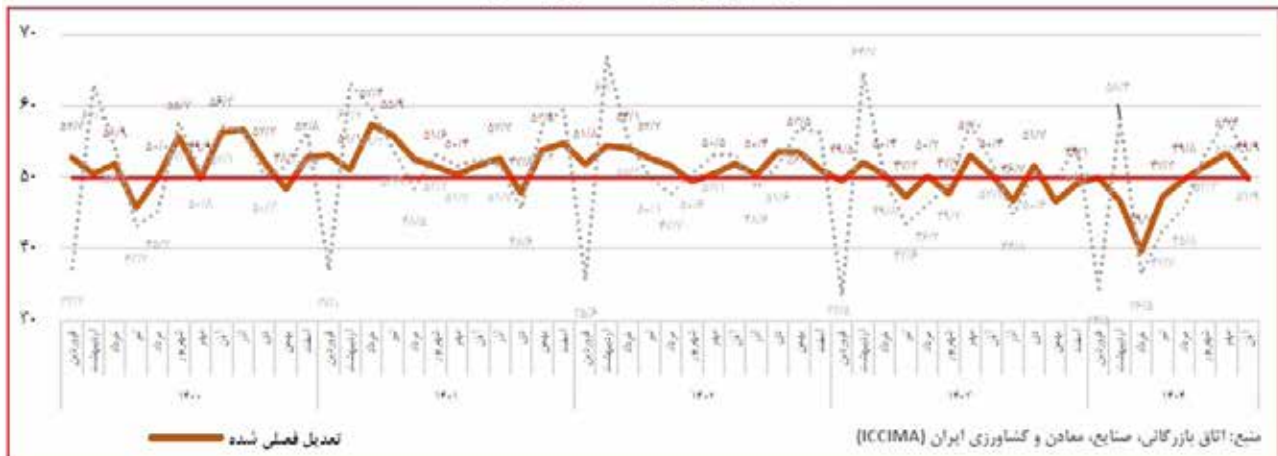
میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی برای ششمین ماه متوالی کمتر از محدوده خشتی (۵۰) قرار گرفته است. محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها و کاهش دستمزد واقعی باعث شده تا انگیزه نیروی کار کاهش یابد و کمبود نیروی متخصص تشدید شود. کاهش تدریجی تعدیل نیروی انسانی در بخش رسمی و بیمه‌ای در طی ۵ ماه گذشته نه تنها نگرانی را برای تشدید بیکاری افزایش داده است بلکه ممکن است صندوق‌های تأمین اجتماعی را از بعد مقرری بیمه بیکاری و منابع درآمدی (ورودی‌ها) با چالش مواجه ساخته است.

موجودی محصول نهایی در انبار یا کارهای در حال تکمیل در آبان ماه کاهش داشته است و کمترین مقدار ۶ ماهه خود را به ثبت رسانده است. به دلیل مشکلات در تأمین مواد اولیه شرکت‌ها به میزان بیشتری از موجودی انبار برای تأمین سفارشات استفاده کردند.

صادرات غیرنفتی شده‌اند. در همین حال، نگرانی ناشی از اثرات تشدید تحریم‌ها، صادرات را برای کسب و کارها محدود و دشوار خواهد کرد و ریسک فعالیت‌های صادراتی را افزایش داده است که در نهایت به کاهش درآمدهای ارزی و کاهش توان رقابتی در صادرات خواهد انجامید. بر همین اساس میزان فروش کالاها و خدمات برای دومین ماه متوالی در آبان ماه و ششمین بار از ابتدای سال با کاهش همراه بوده است.

موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده در آبان ماه با شدت بیشتری نسبت به ماه گذشته کاهش داشته است و کمترین میزان ۶۰ ماهه خود از آذر ۹۹ را به ثبت رسانده است. افزایش شدید نرخ ارز و قیمت مواد

شاخص مدیران خرید (شامخ) بخش صنعت



شاخص مدیران خرید کل اقتصاد (شامخ) در آبان ماه با نرخ کاهشی به ۴۶٫۶ رسیده که حاکی از تداوم رکود برای بیستمین ماه متوالی است. شامخ بخش صنعت نیز پس از دو ماه ثبات نسبی مجدداً به روند کاهشی بازگشته است.

محدودیت آمارهای رسمی در تولید داده ماهانه (توسط مرکز آمار ایران و بانک مرکزی ایران) از محصول/تولید ناخالص داخلی فصلی این دو نهاد آماری استفاده شده است. نکته قابل توجه، هم‌راستایی نسبی روند فصلی شامخ کل اقتصاد با روند رشد محصول ناخالص داخلی (مرکز آمار ایران) و روند رشد تولید ناخالص داخلی (بانک مرکزی ایران) طی فصل‌های مربوطه در سال‌های اخیر است و این روند در آمارهای مرکز آمار ایران بیشتر محسوس است. بنابراین، این هم‌راستایی می‌تواند برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کشور کمک مؤثری نماید.

شاخص مدیران خرید بخش صنعت

شاخص مدیران خرید بخش صنایع کارخانه‌ای و تولیدی کشور، نمایی بهتر و بارزتر برای سنجش وضعیت کسب‌وکار و روند تغییرات تولید و فروش است. بر اساس داده‌های حاصل از نظرسنجی میدانی به دست آمده از بنگاه‌های بخش صنعت، شاخص مدیران خرید صنعت ایران (تعدیل شده) در آبان ماه پس از دو ماه ثبات نسبی مجدداً به روند کاهشی خود بازگشته و کمترین مقدار سه‌ماهه خود (۴۹٫۹) را به ثبت رسانده است؛ از این رو نگرانی از تداوم رکود در صنعت کارخانه‌ای را افزایش داده است.

در این ماه کاهش در اکثر صنایع (به‌غیر از نساجی، شیمیایی، فلزی و وسایل نقلیه و قطعات وابسته) رخ داده است. قابل ذکر است در این ماه کاهش مقدار این شاخص بیشتر تحت تأثیر کاهش در دو مؤلفه اصلی خود (موجودی مواد اولیه خریداری شده و میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی) قرار گرفته است.

شاخص مقدار تولید محصولات بخش صنعت در آبان ماه، در محدوده مرزی خنثی (۵۰) قرار گرفته است و کمترین مقدار سه‌ماهه خود را به ثبت رسانده است. تقریباً اکثر صنایع به دلیل کمبود مواد اولیه، جهش نرخ ارز و محدودیت مالی و تقاضای محدود مشتریان، با کاهش در میزان تولید در آبان ماه روبرو بوده‌اند و فقط چند صنعت (نساجی، شیمیایی و فلزی) رشد داشته‌اند.

میزان سفارشات جدید مشتریان در آبان ماه، در محدوده مرزی خنثی (۵۰) قرار گرفته است و کمترین میزان سه‌ماهه خود را ثبت کرده است. عمده صنایع تقاضای ضعیف مشتریان را گزارش کرده‌اند و فقط چند صنعت با افزایش در سفارشات روبرو بوده‌اند. در بخش تقاضای خارجی نیز میزان صادرات کالا کمترین مقدار چهارماهه خود را به ثبت رسانده است. رفع تعهد ارزی و ریسک‌های سیاسی و اقتصاد بی‌ثبات بر تداوم رکود در صادرات نیز تأثیر گذاشته است.

در آبان ماه میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی همچنان در روند نزولی طولانی مدت قرار دارد و برای چهاردهمین ماه متوالی کاهشی است و شدت کاهش شاخص در این ماه

انتظارات در مورد میزان فعالیت‌های اقتصادی در ماه آینده، در آبان ماه برای دومین ماه متوالی، افزایش داشته است و بیشترین مقدار ۱۴ ماهه از مهر ۱۴۰۳ را به ثبت رسانده است. اما این خوش‌بینی بسیار شکننده است و بهبود انتظارات ناشی از رفع محدودیت‌های انرژی بوده است، در حالی که به عقیده کسب‌وکارها همچنان رکود تورمی همچنان پابرجاست و نوسانات نرخ ارز، رکود تقاضا، محدودیت‌های ارزی و مالی و ریسک‌های سیاسی کماکان به‌عنوان تهدیدهای اصلی ذکر شده‌اند.

انطباق شاخص مدیران خرید کل اقتصاد با تغییرات تولید اقتصاد

رصد و پایش شاخص مدیران خرید کل اقتصاد و انطباق آن با سایر شاخص‌ها و آمارهای رسمی کشور با هدف ارزیابی صحت سنجی آن با واقعیت‌های داده‌های واقعی کشور است. در این میان، انطباق شامخ با شاخص رشد اقتصادی کشور به‌عنوان تغییرات تولید و تغییرات کسب‌وکار، مهم و قابل توجه است. به دلیل

شاخص مدیران خرید (شامخ) بخش صنعت در دو ماه منتهی به آبان ۱۴۰۴

شاخص		تعدیل فصلی نشده		تعدیل فصلی شده	
		آبان ۱۴۰۴	مهر ۱۴۰۴	آبان ۱۴۰۴	مهر ۱۴۰۴
مؤلفه‌های اصلی	شامخ کل صنعت	۵۸٫۴	۵۱٫۹	۵۳٫۴	۴۹٫۹
	مقدار تولید محصولات	۶۲٫۴	۵۳٫۷	۵۴٫۰	۵۰٫۱
	میزان سفارشات جدید مشتریان	۶۲٫۶	۵۱٫۳	۵۷٫۷	۵۰٫۳
	سرعت انجام و تحویل سفارش	۶۰٫۲	۵۵٫۲	۵۵٫۸	۵۳٫۵
	موجودی مواد اولیه خریداری شده	۴۴٫۸	۴۶٫۴	۴۴٫۱	۴۵٫۴
	میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی	۵۲٫۷	۵۰٫۷	۴۸٫۸	۴۸٫۴
مؤلفه‌های کمکی	قیمت خرید مواد اولیه	۸۷٫۴	۸۵٫۹	۷۷٫۱	۷۷٫۳
	موجودی محصول نهایی در انبار	۵۰٫۵	۵۱٫۵	۴۷٫۸	۵۰٫۳
	میزان صادرات کالا	۴۷٫۷	۴۶٫۰	۴۷٫۶	۴۵٫۹
	قیمت محصولات تولیدشده	۶۷٫۳	۷۰٫۰	۶۷٫۳	۷۰٫۰
	مصرف حامل‌های انرژی	۵۲٫۵	۵۷٫۴	۵۱٫۸	۵۱٫۸
	میزان فروش محصولات	۶۲٫۰	۴۷٫۵	۵۵٫۱	۴۶٫۲
	انتظارات تولید در ماه آینده	۶۲٫۲	۵۷٫۶	۶۰٫۴	۵۸٫۱

ماخذ: مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران مهر و آبان ۱۴۰۴

به نسبت به ماه قبل اندکی بیشتر است. سطوح پایین تقاضا و افزایش نرخ ارز و هزینه‌ها که محدودیت منابع مالی برای شرکت‌ها ایجاد کرده است، باعث شده تا شرکت‌ها در تأمین مالی نیروی انسانی دچار مشکل باشند، این در حالی است که در سمت عرضه نیروی کار کاهش انگیزه نیروی کار (به دلیل دستمزدهای کمتر از هزینه زندگی) به تداوم کمبود شدید نیروی کار ماهر در برخی صنایع دامن زده است.

موجودی مواد اولیه خریداری شده در آبان‌ماه برای بیست و یکمین ماه متوالی همچنان کاهش یافته است. افزایش نرخ ارز و قیمت مواد اولیه، باعث محدودیت در دسترسی به مواد اولیه شده است، از سوی دیگر تخصیص ارز با وقفه طولانی و عملکرد نادرست در سامانه‌های مرتبط با تأمین مواد اولیه (سامانه بهینه‌سازی ارزی وزارت صمت و بورس کالا) به چالش زنجیره تأمین مواد اولیه دامن زده است.

در همین حال نتایج در آبان‌ماه نشان می‌دهد، افزایش نرخ ارز و به تبع آن قیمت خرید مواد اولیه باعث شده تا تولیدکنندگان برای جبران فشار هزینه‌های تولید ناچار

نسبت به ماه قبل اندکی بیشتر است. سطوح پایین تقاضا و افزایش نرخ ارز و هزینه‌ها که محدودیت منابع مالی برای شرکت‌ها ایجاد کرده است، باعث شده تا شرکت‌ها در تأمین مالی نیروی انسانی دچار مشکل باشند، این در حالی است که در سمت عرضه نیروی کار کاهش انگیزه نیروی کار (به دلیل دستمزدهای کمتر از هزینه زندگی) به تداوم کمبود شدید نیروی کار ماهر در برخی صنایع دامن زده است.

موجودی مواد اولیه خریداری شده در آبان‌ماه برای بیست و یکمین ماه متوالی همچنان کاهش یافته است. افزایش نرخ ارز و قیمت مواد اولیه، باعث محدودیت در دسترسی به مواد اولیه شده است، از سوی دیگر تخصیص ارز با وقفه طولانی و عملکرد نادرست در سامانه‌های مرتبط با تأمین مواد اولیه (سامانه بهینه‌سازی ارزی وزارت صمت و بورس کالا) به چالش زنجیره تأمین مواد اولیه دامن زده است.

در همین حال نتایج در آبان‌ماه نشان می‌دهد، افزایش نرخ ارز و به تبع آن قیمت خرید مواد اولیه باعث شده تا تولیدکنندگان برای جبران فشار هزینه‌های تولید ناچار

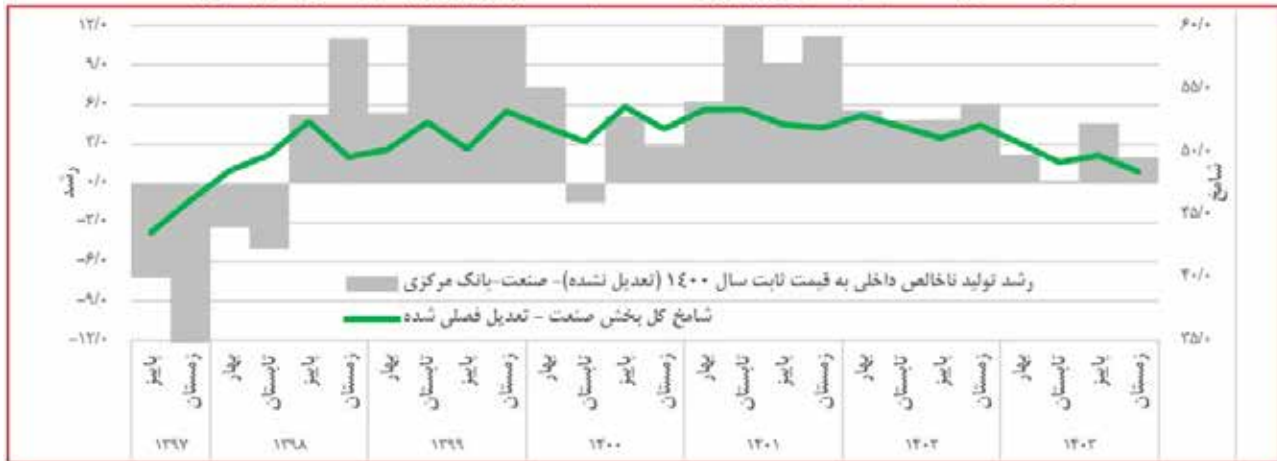
نسبت به ماه قبل اندکی بیشتر است. سطوح پایین تقاضا و افزایش نرخ ارز و هزینه‌ها که محدودیت منابع مالی برای شرکت‌ها ایجاد کرده است، باعث شده تا شرکت‌ها در تأمین مالی نیروی انسانی دچار مشکل باشند، این در حالی است که در سمت عرضه نیروی کار کاهش انگیزه نیروی کار (به دلیل دستمزدهای کمتر از هزینه زندگی) به تداوم کمبود شدید نیروی کار ماهر در برخی صنایع دامن زده است.

انطباق شاخص مدیران خرید صنعت با تغییرات تولید صنعتی

در کنار انطباق شاخص مدیران خرید کل اقتصاد با تغییرات تولید کالا و خدمات، با هدف ارزیابی صحت‌سنجی آن با واقعیت‌های داده‌های رسمی و واقعی کشور، تطبیق روند شاخص مدیران خرید صنعت با تغییرات تولید صنعتی نیز مهم است. در این میان، انطباق شامخ با رشد ارزش افزوده بخش صنعت کشور به عنوان تغییرات تولید صنعت و تغییرات کسب و کار حوزه صنایع کارخانه‌ای، قابل توجه است.

به دلیل محدودیت آمارهای رسمی در تولید داده ماهانه (مرکز آمار ایران و بانک

روند شامخ صنعت با رشد ارزش افزوده صنعت (بانک مرکزی ایران) طی سال های اخیر



رکود بازار و کاهش تقاضا / فروش ضعیف: تقاضای داخلی پایین است، مشتریان محتاطانه خرید می کنند و افزایش قیمت ها تقاضا را سرکوب کرده است. مشکلات فرآیندها و بروکراسی اداری / تغییرات مکرر مقررات (شامل مسائل گمرک، ثبت سفارش، بورس کالا): رویه های طولانی، تغییرات روزانه در تعرفه ها و دستورالعمل ها باعث عدم برنامه ریزی برای تولید شده است. مشکلات وصول مطالبات و تأخیر پرداخت (از جمله عدم پرداخت خودروسازان به زنجیره تأمین): تأخیر در پرداخت ها فشار بر نقدینگی تولیدکنندگان وارد می کند و چک های برگشتی و تأخیرهای طولانی در بازپرداخت بدهی وجود دارد. با توجه به سخت گیری بانک مرکزی در تأمین اعتبار اضافی به سیستم بانکی، تأمین نقدینگی واحدهای تولیدی در ماه های اخیر با چالش هایی مواجه شده است.

کیفیت و کمبود نیروی انسانی ماهر / کاهش انگیزه نیروی کار: از یک طرف کمبود نیروی ماهر در برخی صنایع و کاهش انگیزه نیروی کار به دلیل دستمزدهای واقعی پایین گزارش شده است. از جانب دیگر، تعدیل نیروی انسانی در طی ۵ ماهه اخیر شرایط را برای افزایش تدریجی بیکاری بالا برده است.

سازوکارهای بورس کالا و سازوکارهای توزیع (ابهام در قیمت گذاری و عرضه): قیمت های اعلام شده در بورس برای برخی مواد بسیار بالا یا دارای دو نرخ متضاد است، این موضوع ریسک و بی اعتمادی ایجاد می کند. سیاست های ضداحتکار و نظارت بر عرضه و تسهیل دسترسی تولیدکنندگان به عرضه های داخلی می تواند مؤثر باشد. موانع صادرات و انطباق سامانه ها با واقعیت بازار (اختلاف نرخ سامانه و بازار آزاد / رفع تعهد ارزی دشوار): تفاوت نرخ ها و مشکلات سامانه ای باعث شده صادرات دچار اختلال شود و بازگشت ارز برای صادرکنندگان مشکل آفرین باشد.

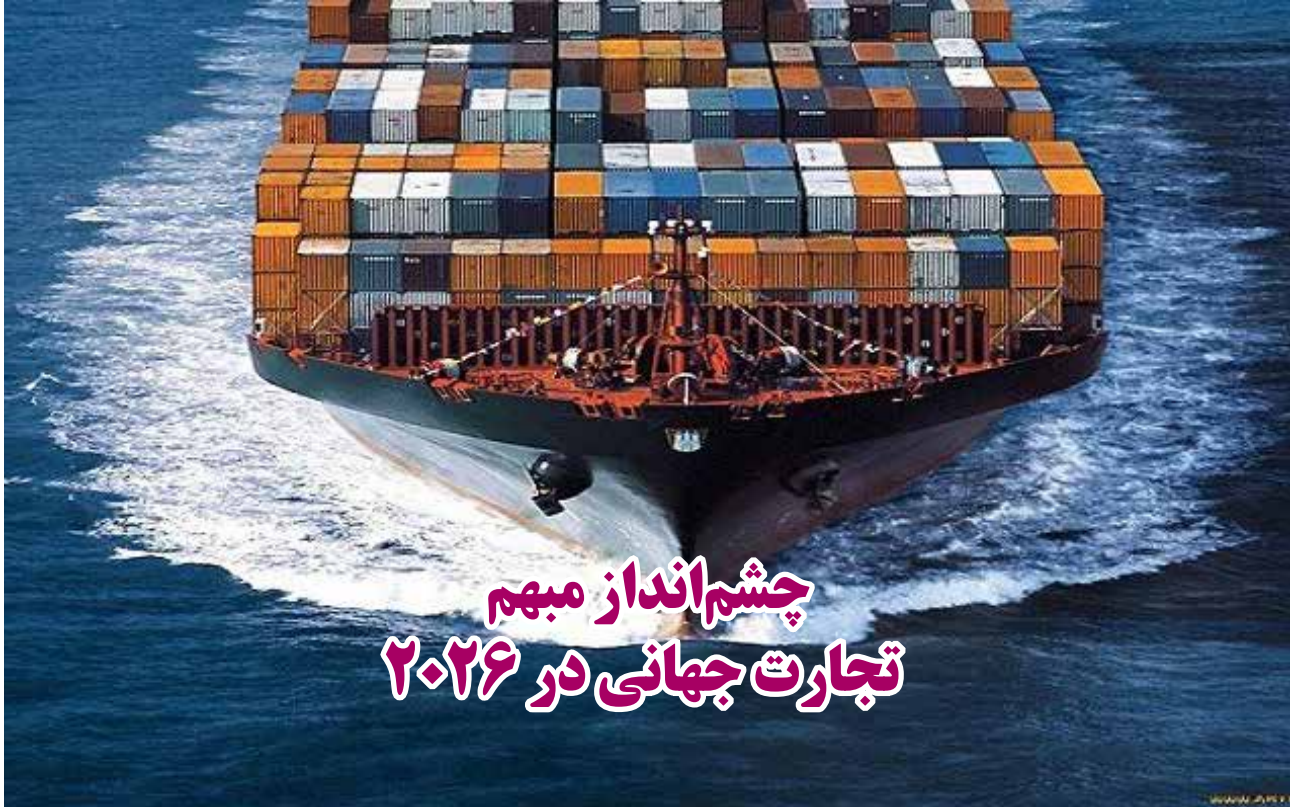
کمبود نقدینگی / دسترسی محدود به تسهیلات بانکی: بنگاه ها از تأمین سرمایه در گردش ناتوان اند، بانک ها با تأخیر یا با شروط سخت تأمین اعتبار می کنند، تقاضا ضعیف است، نقدینگی محدود و وصول مطالبات با تأخیر صورت می گیرد.

مرکزی ایران) از آمار ارزش افزوده بخش صنعت (قیمت ثابت) بانک مرکزی ایران استفاده شده است. همان طور که ملاحظه می شود روند شامخ صنعت کشور به طور نسبی هم راستا با روند رشد ارزش افزوده بخش صنعت (بانک مرکزی ایران) طی فصل های مربوطه در سال های اخیر است. این موضوع در سیاست گذاری کشور به خصوص در حوزه های شاخص های پیشرو می تواند کمک اساسی نماید.

چالش ها و رهیافت ها از دید برخی از فعالان اقتصادی در آبان ۱۴۰۴

عدم تخصیص به موقع یا تأخیر در تخصیص ارز: درخواست های تخصیص ارز به موقع تصویب نمی شود، مقررات و رویه ها به صورت مکرر و ناگهانی تغییر می کنند، صف های طولانی و انتظار یک ساله برای دریافت ارز گزارش شده است، این شرایط ترخیص واردات و تأمین مواد اولیه و برنامه ریزی تولید را یا غیرممکن و یا با تأخیر مواجه می سازد. کمبود مواد اولیه و افزایش شدید قیمت: افزایش نرخ ارز، عرضه ناکافی، انحصار عرضه در برخی کالاها، سهمیه بندی ناکارآمد در سامانه ها (وزارت صمت و بورس کالا) موجب کمبود و گرانی شده است. بسیاری از شرکت ها به ناچار از بازار آزاد تهیه می کنند.

نوسانات و بی ثباتی نرخ ارز: نوسانات نرخ ارز هزینه تمام شده تولید را بالا برده و باعث بی ثباتی قیمتی شده است که رکود به همراه داشته و ریسک قراردادهای بالا می برد.



چشم‌انداز مبهم تجارت جهانی در ۲۰۲۶

ویافتن بازارهای جایگزین، اثر مستقیم تعرفه‌ها را کاهش دهند؛ برآوردها نشان می‌دهد این اثر تنها معادل ۰.۳۷ درصد تولید ناخالص داخلی منطقه یورو بوده است. در همین حال، چین با عبور مازاد تجاری خود از مرز یک تریلیون دلار و بهره‌گیری از بازارهای جدید و عناصر نادر خاکی، توانست فشارهای آمریکا و اروپا را تا حد زیادی خنثی کند. برخلاف پیش‌بینی‌ها، اقتصاد آمریکا دچار فروپاشی یا تورم شدید نشد و پس از یک انقباض کوتاه، با جهش سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی و مصرف پایدار، به مسیر رشد بازگشت.

چشم‌انداز ۲۰۲۶

یکی از بزرگ‌ترین ابهام‌ها، سر نوشت تعرفه‌های ترامپ است. دیوان عالی آمریکا در اوایل ۲۰۲۶ در باره مبنای قانونی «تعرفه‌های متقابل» رأی خواهد داد؛ نتیجه این پرونده می‌تواند مذاکرات تجاری را دوباره به جریان اندازد یا دوره‌ای تازه از عدم قطعیت ایجاد کند. اروپا نیز با چالش روابط تجاری با چین روبه‌روست. کاهش ارزش یوان و حرکت شرکت‌های چینی به سمت تولید محصولات با ارزش افزوده بالا، فشار مضاعفی بر صادرکنندگان اروپایی وارد کرده است. پرسش کلیدی این است که آیا اروپا برای مقابله با «عدم تعادل» تجاری با چین به ابزارهای تعرفه‌ای متوسل خواهد شد یا خیر. همچنین توافق آمریکا، چین و پیمان تجارت آزاد آمریکا با کانادا و مکزیک در سال ۲۰۲۶ در معرض بازبینی قرار دارند؛ موضوعی که می‌تواند مسیر آینده تجارت جهانی را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار دهد.

نظر تحلیلگران

کریس ایگو، مدیر سرمایه‌گذاری ارشد شرکت AXA Investment Managers، در نشست چشم‌انداز ۲۰۲۶ گفت: «به نظر می‌رسد دولت آمریکا در حال عقب‌نشینی از سخت‌گیرانه‌ترین مواضع تعرفه‌ای خود است تا بخشی از فشارهای تورمی کاهش یابد. اگر تعرفه‌ها ثابت بمانند یا کاهش پیدا کنند، چشم‌انداز تورم بهبود خواهد یافت.» او افزود: «در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای، ورود به یک جنگ تجاری تهاجمی با چین گزینه مناسبی نیست؛ دستیابی به توافق، هم از نظر سیاسی و هم اقتصادی، برای آمریکا مطلوب‌تر خواهد بود.»

بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید در سال ۲۰۲۵، نقطه آغاز دورانی پرهیجان و پرتنش برای اقتصاد و تجارت جهانی بود. موجی از تعرفه‌های سنگین علیه شرکای تجاری آمریکا، مالیات بر واردات را به بالاترین سطح از زمان «رکود بزرگ» رساند و بازارهای مالی را با تلاطم جدی روبه‌رو کرد. این سیاست‌ها دوره‌های متعددی از مذاکرات تجاری و سرمایه‌گذاری را به جریان انداخت و همچنان در سال ۲۰۲۶ در کانون توجه قرار دارد.

چه گذشت در سال ۲۰۲۵؟

اقدامات دولت ترامپ با هدف احیای پایه تولید صنعتی آمریکا، میانگین نرخ تعرفه‌ها را از کمتر از ۳ درصد در پایان ۲۰۲۴ به نزدیک ۱۷ درصد افزایش داد. این تعرفه‌ها ماهانه حدود ۳۰ میلیارد دلار درآمد برای خزانه‌داری آمریکا ایجاد کردند. رهبران جهان برای کاهش فشار تعرفه‌ها راهی واشنگتن شدند و در ازای تعهد به سرمایه‌گذاری‌های کلان در آمریکا، توافقی‌های چارچوبی با اتحادیه اروپا، بریتانیا، سوئیس، ژاپن، کره جنوبی، ویتنام و دیگر کشورها منعقد شد. با این حال، مذاکرات با چین همچنان بی‌نتیجه مانده است. توافق اتحادیه اروپا که شامل تعرفه ۱۵ درصدی بر صادرات این بلوک بود، با انتقادهای گسترده مواجه شد. با وجود این، صادرکنندگان اروپایی توانستند با معافیت‌ها

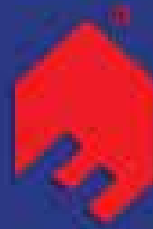
DASANI

Trademark Regd.

آب آشامیدنی حاوی مواد معدنی
برای طعمی تازه و گوارا



شرکت تولیدی و صنعتی سامد



تولید کننده:

فرمالین

رزین اوره فرمالدئید (UF)

رزین ملامین فرمالدئید (MF)

فرم اوره (UFC)

چسب های پایه حلالی

چسب های پایه آبی

مشهد: آملو متر ۲۷ بزرگراه قزوین

استاد وی پستی: ۹۱۳۲۵-۴۵۶۶

تلفن: ۰۵۱/۳۲۹۶۶۱-۳۲۹۶۶۲

فکس: ۰۵۱/۳۲۹۶۶۳-۳۲۹۶۶۴

دفتر تهران: تلفن: ۰۲۱/۸۸۷۷۶۳۵-۸۸۷۷۶۳۶

۸۸۷۷۶۳۷-۸۸۷۷۶۳۸

تلفن: ۰۲۱/۸۸۷۶۳۹۵-۸۸۷۶۳۹۶



www.samad.ir - samadi@samad.ir

چسب دتشد
اتصال ناگسستنی در صنایع ایران